

تنظيم معاهدات بين المللي در
حقوق كنوني ايران
و مطالعه تطبيقي آن با فقه
اسلامي
و حقوق بين الملل معاصر

دکتر سيدحسين عنايت

اشاره :

در شماره هاي ششم و هفتم «مجله حقيقي» دو
قسمت از اين مقاله تحقيقي را خوانديد. اينك
قسمت سوم و آخر آن را ملاحظه مي كنيد كه حاوي
بقيه بخش دوم مقاله (از بند سوم فصل دوم به
بعد) و نيز فصل سوم و چهارم آن است.

بند سوم

امضای نهایی معاهدات توسط رئیس جمهور

آخرین مرحله تأیید یک معاهده بین‌المللی در نظام حقوق داخلی ایران، امضای رئیس جمهور است که پس از تصویب مجلس شورا و موافقت شورای نگهبان (بندهای اول و دوم از فصل دوم این بخش که در قسمت قبلی این مقاله در شماره هفتم «مجله حقوقی» چاپ شده است) صورت می‌گیرد.

در سطور آینده اهمیت این مرحله در قانون اساسی ایران و نحوه اجرای آن را در عرف اداری کشورمان مورد بحث قرار می‌دهیم (مطلب اول)؛ آنگاه ملزم بودن رئیس جمهور به امضای معاهده را مورد مطالعه قرار خواهیم داد (مطلب دوم)، و بالاخره مطالعه تطبیقی اهمیت امضای معاهده توسط رئیس مملکت در حقوق

کشورهای مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت (مطلب سوم).

مطلب اول

اهمیت امضای نهایی معاهده و نحوه اجرای اصل 125 قانون اساسی

طبق اصل 25 قانون اساسی: «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست».

تصویب معاهدات بین‌المللی در اصل یکی از اختیارات پادشاه یا رئیس‌کشور بوده است¹ هرچند که به تدریج با گسترش دموکراسی غربی و مداخله قوه مقننه، این صلاحیت از صورت انحصاری برای رئیس‌کشور بیرون آمده و پارلمانها نقش مهمی را در تصویب معاهدات برعهده دارند، ولی به هرصورت، هنوز هم وقتی سخن از تصویب

1. رك. به شماره 7 «مجله حقوقی»، ص 122 (متن و پانویسها)

يك معاهده در حقوق داخلي مي‌شود، مقصود همان امضاي نهايي رئيس کشور است.² در قانون اساسي ايران امضاي معاهدات توسط رئيس جمهور به‌عنوان اقدام نهايي در متعهد شدن کشور به مفاد سند بين‌المللي تلقي مي‌شود. بنابراین امضاي مذکور مفهومي غير از امضاي قوانين داخلي دارد؛ چون در آنجا امضاي رئيس جمهوري به معني تأييد مصوبه مجلس مي‌باشد، ولي در مورد معاهدات، امضاي رئيس جمهور به منزله اقدام نهايي در متعهد شدن کشور نسبت به مندرجات آن است.

اين تحليل نه تنها از مقايسه عبارات اصل 125 فوق‌الذکر با اصل 123 قانون اساسي³ و سياق جملات آن استنتاج مي‌شود، بلکه مذاکرات مجلس خبرگان در اين مورد تفاوت بين امضاي معاهده توسط رئيس جمهور با امضاي قانون داخلي يا امضاي نتايج همه‌پرسی توسط وي را روشن

2. رک. به صفحات آتي (مطلب سوم: «تصويب معاهدات در سيستم‌هاي مختلف حقيقي»).

3. اصل 123 قانون اساسي: «رئيس جمهور موظف است مصوبات مجلس يا نتيجه همه‌پرسی را پس از طي مراحل قانوني و ابلاغ به وي امضا کند و براي اجرا در اختيار مسئولان بگذارد».

نموده است، همچنان که نایب رئیس مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی در مورد اصل 125 اعلام نموده است: «ما در اینجا می‌خواهیم بگوییم طرف [معاهده] رئیس جمهور یا نماینده او باشد، نمی‌خواهیم از نظر تنفیذ آن بگوییم».⁴

نحوه امضای معاهدات توسط رئیس جمهور و چگونگی اجرای اصل 125 قانون اساسی در چند سال اخیر تحولات و تغییرات مختلفی را به خود دیده است. در ابتدا امضای رئیس جمهور همانند ابلاغ مصوبه مجلس به نخست‌وزیر تفسیر می‌گردید و علی‌هذا آقای رئیس جمهور در حاشیه نامه ریاست مجلس که تصویب یک معاهده بین‌المللی را اعلام نموده بود، قید می‌کردند: «به دولت ابلاغ شود - امضای رئیس جمهور» و همین رویه به منزله اجرای اصل 125 قانون اساسی شناخته می‌شد.⁵

4. رک. به مشروح صورت مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج 2، انتهای ص 1002 (ط 1361، از انتشارات اداره کل تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی).

5. از این قبیل است امضای نهایی (موافقتنامه) مبادلات کالا بین ایران و سوریه برای سالهای 1360-1370 (1982-1991) (مجموعه قوانین 1361، ص 171).

25 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

آنگاه بعضی از مسئولان نهاد ریاست جمهوری پیشنهاد نمودند که امضای رئیس جمهور و اجرای اصل 125 قانون اساسی به صورت اعطای نمایندگی به یکی از وزرا برای امضای معاهده با کشور خارجی تحقق پذیرد.⁶ اما هیچ‌یک از این دو روش نمی‌توانست با روح و هدف اصل 125 قانون اساسی و همچنین رویه‌ای که در اکثر کشورهای جهان معمول است، مطابقت داشته باشد.

بالاخره از سال 1363 امضای نهایی معاهدات به صورت تهیه یک فرمان درآمده است که در آن تصریح می‌شود با لازم‌الاجرا شدن معاهده موافقت به عمل می‌آید. این سند توسط رئیس جمهور امضا [و مهر] می‌شود و تنظیم همین فرمان به منزله

6. این رویه قرار بود در مورد امضای نهایی موافقتنامه حمل و نقل هوایی مشترک بین ایران و چین با اعطای وکالت به وزیر راه و ترابری وقت که در سال 1363 عازم پکن بود، به مرحله اجرا گذارده شود (امضای مقدماتی همان موافقتنامه سال قبل از آن توسط آقای وزیر امور خارجه انجام شده بود)؛ ولی در عمل این روش کنار گذاشته شد، خصوصاً به این دلیل که وزیر امور خارجه در روابط بین‌المللی از هر مقام اداری مشابه برتر است و امضای مقدماتی وی نباید بعداً توسط مقامی که از نظر روابط بین‌المللی پایین‌تر است مورد تأیید قرار گیرد، هرچند به نمایندگی از طرف رئیس جمهور باشد.

اجرای اصل 125 قانون اساسی است. این رویه مطابق با روشی است که در اکثر کشورهای جهان مرسوم است و به موجب آن تصویب یک معاهده بین‌المللی را به کشورهای دیگر و یا سازمانهای بین‌المللی اعلام نمی‌نمایند.

ذیلاً نمونه‌ای از سند امضای نهایی یک مقاله‌نامه بین‌المللی توسط ریاست جمهوری آورده می‌شود. در این سند علاوه بر مشخصات معاهده مورد امضاء، تاریخ تصویب این معاهده در مجلس شورای اسلامی و نیز تأیید شورای نگهبان ذکر گردیده است. ضمناً علاوه بر رئیس جمهور، وزیر امور خارجه نیز ذیل آن را امضا نموده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«بنابر اصل یکصد و بیست و پنج قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدین‌وسیله پروتکل اصلاحی کنوانسیون مربوط به تالابهای مهم بین‌المللی ویژه تالابهای ایستگاه پرندگان آبزی، «کنوانسیون رامسر» که در تاریخ 3

دسامبر 1982 مطابق 13 آذرماه 1361 در پاریس منعقد گردیده و در تاریخ 64/3/14 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تاریخ 64/3/25 به تأیید شورای نگهبان رسیده است، امضا، ممهور و اجازه تودیع سند الحاق آن را صادر می‌نماییم.

محل امضای رئیس جمهوری اسلامی ایران
به تاریخ 1364/12/2 هجری شمسی، تهران
محل امضای وزیر امور خارجه»

قاعدتاً در معاهدات دو جانبه، اصل سند فوق‌الذکر ضمیمه صورتجلسه مبادله اسناد تصویب که در انتهای این مقاله از آن صحبت خواهیم کرد، به نماینده کشور طرف ایفاد می‌گردد و فقط تصویری از آن در آرشیو وزارت امور خارجه ایران نگهداری می‌شود. در معاهدات چندجانبه، اصل فرمان معمولاً طی مراسمی به کشوری که در کنوانسیون به‌عنوان نگهدارنده اسناد⁷ تعیین شده است، تسلیم می‌گردد؛ اما در عمل در اکثر موارد وزارت امور خارجه اصل سند امضای نهایی معاهده را در

7. Depository.

آرشیو خود نگهداری می‌کرده و فقط تصویری از آن را به ضمیمه اصل صورتجلسه مبادله اسناد تصویب، به کشور طرف معاهده و یا نگهدارنده اسناد تسلیم می‌نموده است.

مطلب دوم

وظیفه رئیس جمهور نسبت به امضای معاهده

آیا رئیس جمهور می‌تواند از امضای نهایی معاهده‌ای که قبلاً با موافقت هیئت وزیران با کشور خارجی منعقد شده و سپس به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مورد تأیید شورای نگهبان نیز قرار گرفته است، امتناع نماید؟ به عبارت دیگر، آیا تنظیم‌کننده روابط قوای سه‌گانه و یا رئیس قوه مجریه (اصل 113 قانون اساسی) می‌تواند مانع لازم‌الاجرا شدن معاهده گردد؟

در سالهای گذشته گفته می‌شد با توجه به مشابهتی که بین تشریفات وضع قانون داخلی و ترتیبات تصویب معاهده بین‌المللی وجود دارد⁸ طبیعتاً چنانچه

8. رک. به بخش دوم این مقاله، «مجله حقوقی»، شماره 7، ص 153.

رئیس جمهوری در مهلت معین معاهده را امضا ننماید، نخست‌وزیر به استناد قانون تعیین مهلت قانونی جهت اجرای اصل 123 قانون اساسی⁹ معاهده را همانند یک قانون داخلی به جای رئیس‌جمهور امضا می‌کند و اجرای آن را به وزارتخانه مربوط ابلاغ خواهد نمود.

اما به نظر نمی‌رسد این رویه با قانون اساسی مطابقت داشته باشد؛ چون اولاً محتوای اصل 125 قانون اساسی در مورد امضای نهایی معاهدات لزوماً تطابق کامل با مندرجات اصل 123 قانون اساسی

9. ماده واحده قانون تعیین مهلت قانون جهت اجرای اصل 123 قانون اساسی مصوب 1360/3/17 (مجموعه قوانین 1360، ص 10): «چنانچه رئیس‌جمهوری مصوبات مجلس شورای اسلامی و یا نتیجه همه‌پرسی را پس از ابلاغ به وی امضا نکند، مصوبه و نتیجه همه‌پرسی پس از پنج روز از تاریخ ابلاغ به رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است.

تبصره 1- در طرحها و لوایحی که با قید فوریت به تصویب رسیده است پس از 48 ساعت از تاریخ ابلاغ به رئیس‌جمهوری چنانچه وی امضا نکرد، لازم‌الاجرا است.»

ماده 1 اصلاحی قانونی مدنی 61/12/2 (مجموعه قوانین 1361، ص 210) نیز تصریح می‌کند: «مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس‌جمهور ابلاغ و رئیس‌جمهور باید ظرف 5 روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت 48 ساعت آن را منتشر نماید.

تبصره - در صورت استنکاف رئیس‌جمهوری از امضا یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر، دولت موظف است مصوبه یا نتیجه همه‌پرسی را پس از انقضای مدت مذکور ظرف 48 ساعت منتشر نماید.»

راجع به امضای مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسیها ندارد. از این گذشته عبارت دو متن مزبور یکسان نیست. اصل 123 صریحاً رئیس‌جمهور را موظف نموده است که مصوبه مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را امضا نماید؛ در حالی‌که سیاق اصل 125 حاکی از این است که رئیس‌جمهور همانند مراجع دیگر قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) می‌تواند موافقت خود نسبت به يك معاهده بین‌المللی را به‌صورت امضای آن، چه به‌طور مستقیم و چه توسط نماینده قانون خود، ابراز نماید.

علاوه‌براین، در طول مذاکرات مجلس خبرگان برای تنظیم قانون اساسی، یکی از نمایندگان پیشنهادی در مورد اصلاح 125 مبنی بر تصریح به الزام رئیس‌جمهور در امضای معاهدات ارائه نمود؛¹⁰ اما این پیشنهاد مورد قبول قرار نگرفت، چون از نظر تهیه‌کنندگان قانون اساسی – چنانکه در صفحات قبل اشاره شد – امضای معاهده

10. رك. به‌صورت مشروح مذاکرات مجلس تهیه قانون اساسی، ج 2، ص 1002: «رشیدیان: در این اصل [125] باید نوشته شود رئیس‌جمهور موظف به امضای عهدنامه‌ها و پیمانها پس از تصویب مجلس شورای ملی است، نه اینکه عهدنامه‌ها و بقیه معلق بماند به امضای رئیس‌جمهور».

توسط رئیس جمهور ماهیتی غیر از امضای قانون داخلی دارد؛ زیرا رئیس جمهور با امضای معاهده تمامی قوای مملکت را نسبت به مندرجات آن ملتزم می‌نماید؛ یعنی در واقع وی طرف عقد و قرارداد تلقی می‌شود،¹¹ پس چگونه می‌تواند به اجبار و بدون رضایت به این کار اقدام نماید؟

مع ذلك این تفاوت بین معاهده و قانون داخلی در سالهای اخیر مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و در همه جا امضای معاهده توسط رئیس جمهور مشمول همان احکامی تلقی شده که در مورد امضای قوانین داخلی جاری می‌باشد. در عمل نیز نخست‌وزیری به همین منوال اقدام نموده و در صورت لزوم، اجرای یک موافقتنامه بین‌المللی را پس از انقضای مهلت امضای رئیس جمهور رأساً به وزارتخانه مربوطه اطلاع نموده است، همچنان‌که در مورد موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و

11. رك. به اظهارات نایب رئیس مجلس خبرگان (همانجا):
«چرا شما توجه نمی‌کنید؟ امضای قانون غیرامضای [معاهده] است... ما در اینجا می‌خواهیم بگوییم طرف [معاهده] رئیس جمهور یا نماینده او باشد، نمی‌خواهیم از نظر تنفیذ آن بگوییم».

الجزایر مصوب 61/12/2 به همین نحو عمل شده است.¹²

سرانجام، قانون تعیین وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری مصوب 22 آبان 1365 مجلس شورای اسلامی در ماده 6 تصریح می‌نماید: «رئیس جمهور یا نماینده قانونی او موظفند عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولتها و همچنین پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی امضا نمایند». در طرح اولیه این قانون يك ضرب‌الاجل ده روز برای امضای رئیس جمهور و نیز امکان امضای معاهده توسط دولت در صورت استنکاف رئیس جمهور یا نماینده قانونی او پیش‌بینی شده بود که در جلسه علنی مجلس حذف گردید.¹³ به هر صورت، در حال

12. نگاه کنید به نامه نخست‌وزیر به شماره 92314 مورخ 62/1/7 درباره ابلاغ موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر (مجموعه قوانین 1361، ص 189).

13. در طرح اولیه که توسط کمیسیون خاص تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران به شماره 497_705_997، در مجلس شورای اسلامی چاپ شده است، طی ماده 12 آن تصریح شده بود: «رئیس جمهور یا نماینده قانونی او موظفند عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت جمهوری اسلامی ایران

حاضر رئیس جمهور موظف است پس از تصویب مجلس مبادرت به امضای يك معاهده بین‌المللی نماید. به نظر می‌رسد که این رویه مخالف ماهیت امضای معاهدات توسط رئیس جمهور است که در واقع متعهد و ملتزم نمودن کشور ایران در قبال دیگر ممالک جهانی می‌باشد و موافقت رئیس کشور اجتناب‌ناپذیر است.

در ایران قبل از انقلاب اسلامی، تصویب معاهدات عموماً با توشیح شاه انجام می‌پذیرفت¹⁴ و این سند غیر از

با سایر دولتها و همچنین پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و فراهم شدن زمینه انعقاد آنها حداکثر ظرف ده روز امضا نماید.

تبصره: چنانچه رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی از امضای مصوبه در مهلت مقرر استنکاف نماید، دولت موظف است ضمن گزارش به مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده قانونی رئیس جمهور، مصوبه را امضا نماید».

14. در کتاب **راهنمای عهد** ... (نوشته آقای وحید مازندرانی، ص 14) سند امضای نهایی معاهده به‌نحو زیر آورده شده است که البته مؤلف اشتبهاً آن را اعطای اختیارنامه توصیف کرده است: «با تأییدات خداوند متعال ... پس از ملاحظه عهدنامه ... بین دولت ... ایران و دولت ... که در تاریخ ... شمسی به‌وسیله نماینده مختار ما و نماینده مختار دولت ... در شهر ... امضا شده، مشتمل بر يك مقدمه و ... ماده منضم به این دستخط می‌باشد ... و به تصویب مجلس شورای ملی و سنا رسیده، تصدیق و تصویب می‌نماییم و به خاتم همایونی مختوم می‌داریم و به جناب ... وزیر امور خارجه خود اجازه مبادله آن را می‌دهیم».

فرمانی بوده که مشابه قانونی داخلی برای اجرای معاهده صادر می‌شده و در مجموعه قوانین و نیز روزنامه رسمی دادگستری در مقدمه معاهده به چاپ می‌رسیده است.¹⁵ در پاره‌ای از موارد که تصویب معاهده با قید و شرط انجام شده بود، در متن توشیح صریحاً موضوع قید و شرط نیز مورد اشاره قرار می‌گرفت.¹⁶ از

15. فی‌المثل فرمان شاه دایره به اجرای قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم مورخ 1971 و پروتکل‌های الحاقی مورخ 1974 و 1975 در روزنامه رسمی شماره 9222_1355/6/3 به‌نحو زیر چاپ شده است: «با تأییدات خداوند متعال ... نظربه اصل 27 متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم:

ماده 1- قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون ... که به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و پیوست این فرمان است به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده 2- هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند». مشابه همین متن در مورد موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی بین ایران و بنگلادش (مجموعه قوانین 1356، ص 245)، موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی ایران و ترکیه (روزنامه رسمی 1357/2/27) و غیره نیز ملاحظه می‌شود.

16. مانند توشیح عهدنامه مودت ایران و روسیه شوروی مورخ فوریه 1921 توسط احمدشاه و در سال 1300 (مندرج در مجموعه قوانین و مصوبات مجلس مقدس شورای ملی دوره اول تا چهارم، ط مجلس، 1302، ص 680 به‌بعد) که در آن تصریح شده به استناد مراسله 1600 مورخ 20 قوس 1300 شمسی و مصوبه مجلس شورای ملی، معاهده تصویب می‌شود. متأسفانه برخی از نویسندگان، عهدنامه را بدون مراسله ضمیمه آن چاپ نموده‌اند (مثلاً کتاب پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد 1921 نوشته آقای حاتم قادری، ج 2، ص 125 به بعد) و از آن بالاتر مجموعه‌های قوانین که عهدنامه مذکور را منتشر نموده‌اند مراسله را به همراه

35 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

طرف دیگر، در مواردی که موافقتنامه‌ای بدون تصویب مجلس و صرفاً براساس اجازه کلی که قبلاً به وزارت امور خارجه اعطا شده بود، تنظیم می‌گردید، باز هم تصویب موافقتنامه مذکور با فرمانی که از طرف شاه صادر می‌شد، انجام می‌یافت.¹⁷ در واقع این فرمان به معنای اعطای نمایندگی برای تصویب نهایی موافقتنامه به وزیر امور خارجه بود و ظاهراً همین رویه ریشه و مبنای کار در تدوین قانون اساسی

آن چاپ نکرده‌اند (مجموعه مذکور و مجموعه مصوبات ادوار سوم و چهارم قانونگذاری، چاپخانه مجلس، 1319، ص 188). درباره سوابق هماهنگی بین دولت وقت ایران و وزارت امور خارجه انگلیس راجع به انعقاد عهدنامه مذکور رک. به متن تلگراف مورخ 17 دسامبر 1920 مندرج در ضمیمه کتاب **زندگانی سیاسی احمدشاه** (نوشته حسین مکی، ط امیرکبیر، 1362، ص 353) که سفیر انگلیس در تهران به لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس ارسال داشته و طبق آن مشاورالممالک عاقد مواد دو معاهده پیشنهادی روسیه شوروی اولی شامل 17 ماده و دومی یک معاهده سری حاوی چندین ماده خصوصاً همین فصول پنجم و ششم مورد بحث را ارائه نموده ولی انگلیس مخالف انعقاد معاهده سری بوده و آن را خلاف اصول جامعه ملل که ایران در شرف عضویت در آن بوده است، دانسته و لذا همه مواد تقریباً در عهدنامه 1921 فعلی منعکس شده و آمده است.

17. مانند اجازه مخصوص شاه مورخ 43/8/25 به وزیر امور خارجه وقت راجع به امضای موافقتنامه لغو روادید ایران و کشورهای بنلوکس (روزنامه اطلاعات 43/8/28) که براساس تبصره 43 قانون بودجه اصلاحی سال 1343 تنظیم گردیده است (رک. به پانویس شماره 112 در صفحه 149 شماره 7 «مجله حقوقی»).

جمهوری اسلامی ایران بوده که طی اصل 125 آن تصریح شده که امضای معاهدات علاوه بر رئیس جمهور با نماینده قانونی او نیز می‌باشد.

قبل از اینکه در صفحات آتی به تفصیل اهمیت و نقش تصویب معاهدات را در حقوق معاصر ایران بررسی نماییم، جا دارد به این نکته اشاره کنیم که در رژیم سابق ایران به لحاظ اینکه تصویب معاهده بین‌المللی عموماً با تصویب قانون داخلی یکسان تلقی می‌شده، لذا از نظر شکلی مداخله رئیس کشور در دو مرحله انجام می‌گردیده است: نخست مرحله توشیح قوانین بود که طبق روال معمول همیشه ماده واحده‌ای که به تصویب مجلس رسیده بود به ضمیمه متن معاهده در روزنامه رسمی چاپ می‌شد و عنوان آن نیز معمولاً «فرمان همایونی دایره به اجرای قانون تصویب (و یا اجازه مبادله) عهدنامه مودت بین دولت ایران و ...» بود،¹⁸ و

18. فی‌المثل در مورد الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم مورخ 1971 توشیح رئیس کشور بدین‌نحو در مجموعه قوانین 1355، ص 757 چاپ شده است: «... نظر به اصل 27 متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم: **ماده اول،** قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم 1971 و پروتکل‌های الحاقی ... که به تصویب مجلس

دوم تهیه متن رسمی به عنوان امضای نهایی معاهده بود که - چنانکه بعداً بحث خواهیم کرد - وزارت امور خارج مبادرت به مبادله آن با کشور خارجی می‌نماید.¹⁹ برای بررسی تطبیقی رویه مورد عمل در ایران با رویه معمول در سایر کشورها در ضمیمه یک انتهای این مقاله دو نمونه از سند تصویب معاهده بین‌المللی به زبانهای فرانسه و انگلیسی آورده می‌شود.²⁰

پس از مطالعه نحوه و روش تصویب معاهدات در حقوق کنونی ایران، اینک به

سنا و شورای ملی رسیده و پیوست این فرمان است، به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم: هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند، به تاریخ 31 تیرماه 2535».

19. در کتاب **راهنمای عهد** ... (آقای وحید مازندرانی، ص 14) نمونه‌ای از آن بدین شرح آورده شده است: «با تأیید خداوند متعال ... پس از ملاحظه عهدنامه ... بین دولت ... ایران و دولت ... که در تاریخ ... به وسیله نماینده مختار ما و نماینده مختار دولت ... در شهر ... امضا شده مشتمل بر یک مقدمه و ... ماده منضم به این دستخط می‌باشد... و به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسیده، تصدیق و تصویب می‌نماییم و به خاتم همایونی مختوم می‌داریم و به جناب ... وزیر امور خارجه خود اجازه مبادله اسناد را می‌دهیم».

20. متن اول که در فرانسه معمول است از کتاب شارلروسو (**حقوق بین‌الملل عمومی**، ج 1، ط پاریس 1970، شماره 66) و دومی از کتاب زیر نقل شده است:

H. Blix, J. Emesson: The Treaty handbook, N.Y. 1973, p. 58.

اهمیت آن در سیستم‌های مختلف حقوقی و مطالعه تطبیقی آن با سیستم تصویب معاهدات در ایران در زمان حاضر و در گذشته می‌پردازیم.

مطلب سوم

تصویب معاهدات و اهمیت آن در سیستم‌های مختلف عرفی

فلسفه وجودی تصویب معاهدات را قبلاً و در ابتدای این فصل مورد بحث قرار دادیم.²¹ در اینجا لازم است نخست به اهمیت تصویب در حقوق بین‌الملل معاصر (مبحث اول) و حقوق گذشته و کنونی ایران بپردازیم (مبحث دوم)؛ آنگاه بررسی سیستم‌های مختلف حقوقی و در زمینه تصویب معاهدات را آغاز خواهیم کرد (مبحث سوم)؛ سپس در زمینه تصویب معاهده توسط کشورهای ثالث به عنوان اعضای جدید یک کنوانسیون (معاهده) که «الحاق» خوانده می‌شود، بحث خواهیم کرد (مبحث چهارم)، و بالاخره تحولات اخیر در زمینه کاهش اهمیت تصویب معاهدات و جایگزینی آن با روش‌های

21. رك. به «مجله حقوقی»، شماره هفتم، ص 121.

ساده‌تر (مبحث پنجم) را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

مبحث اول

اهمیت تصویب معاهدات در حقوق بین‌الملل معاصر

یک - بحث نظری

در طول تاریخ بین‌المللی علمای حقوق بین‌الملل راجع به لزوم یا عدم لزوم تصویب معاهدات مناقشه طولانی وجود داشت است که تفصیل آن از حوصله این مقاله خارج است. در اینجا به این بسنده می‌شود که در قرون معاصر برخی از نویسندگان ضابطه تشخیص مواردی را که تصویب لازم است با مواردی که ضرورتی به تصویب معاهده وجود ندارد، تفکیک بین معاهدات رسمی و توافقی‌های ساده دانسته‌اند. فی‌المثل فریمون حقوقدان سویسی در مقدمه کتابش راجع به «تصویب»، معاهدات را به دو گروه تقسیم می‌کند: معاهداتی که طبق روال سنتی منعقد می‌شوند و موضوع بحث کتاب وی می‌باشند و دیگر توافقی‌هایی که به‌نحو ساده تنظیم یافته و لازم‌الاجرا

شده اند و خارج از بحث تصویب معاهدات می‌باشد.²² تقسیم‌بندی نیز مورد توجه پاره‌ای از معاصران قرار گرفته است.²³ اشکالی که بر این نظریه وارد می‌باشد این است که در استدلال آن نوعی دور باطل مشهود است؛ زیرا نویسندگان مذکور معاهدات را برحسب آنکه تصویب برای آن ضروری باشد یا نه به دو گروه تقسیم می‌کنند: معاهدات رسمی و توافقیهای ساده. و از این تقسیم‌بندی نتیجه می‌گیرند که در معاهدات، اصل بر ضرورت تصویب آن می‌باشد؛ در حالی‌که این اصل خود نتیجه تعریفی است که قبلاً برای معاهده و تقسیم‌بندی آن به عمل آمده باشد.

الف - نظریه ضرورت تصویب

بعضی دیگر از نویسندگان معاصر از قاعده‌ای به نام اصل ضرورت تصویب معاهدات نام می‌برند، منتهی برای این قاعده مستثنیاتی قائلند که از جمله آنها توافقیهای ساده است؛ اما در مورد تعداد

22. P. Freymond: La ratification des traités et le problème des rapports entre et le droit interne, Paris et Lausanne, 1947, p. 25 et 53.

23. D. Anilotti, Cours de droit international, Paris 1929, p. 368 et 370.

این مستثنیات اختلاف نظر دارند و دلایل گوناگونی را نیز برای اثبات نظریه خویش ارائه می‌نمایند. **اوپنهایم** می‌نویسد: «تصویب هرچند قاعداً ضروری است ولی همیشه يك امر اساسی نیست. بدین لحاظ طبق يك قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، معاهدات باید منظمأ مورد تصویب قرار بگیرند، هرچند در آن قیدی صریح نشده باشد. این قاعده امروز به‌طور عموم به رسمیت شناخته شده است ولی نسبت به آن مستثنیاتی نیز وجود دارد».²⁴ از جمله این مستثنیات، به نظر نویسنده مذکور، توافقهایی است که مقامات ذیصلاح می‌توانند – بدون اینکه اعتبارنامه خاصی در دست داشته باشند – به نام دولت خویش منعقد نمایند. همچنین توافقهایی که به شکل ساده تنظیم می‌گردد – که به نام صورتجلسه، اعلامیه، تبادل یادداشت و غیره نامیده می‌شود – و نیز توافقهایی که مربوط به مسائل جزئی است، در شمار این استثناءها می‌باشد.

24. رك. به اوپنهايم، حقوق بين‌الملل، ج 1، ط لندن، ص 906:

"... ratification, although necessary in principle, is not always essential. Although it is now generally recognized customary rule of International Law that treaties regularly require ratification, even if this is not expressly stipulated, there are exceptions to the rule" () G.F. de Martens, *preas de droit des gens moderne l'Europe*, 1785, Gottingen, 1821, p. 96.

امتیاز این نظریه در این است که حدود عملی قاعده را مشخص می‌کند و به‌طور ساده اصل را ضرورت معاهدات در روابط بین‌المللی می‌شناسد.

ب - مخالفان ضرورت تصویب

در ابتدا این گروه در اقلیت بودند ولی به‌تدریج محققان متعددی به طرف آنها گرایش یافتند.²⁵ از میان حقوقدانان معاصر **فیتز موریس** رئیس اسبق دیوان دادگستری بین‌المللی و **کلسن** و نیز **شوازنبرگر** از نظریه عدم ضرورت تصویب جانبداری می‌نمایند.

فیتز موریس در این زمینه نظریه بدیعی از مدتها پیش به‌دست داده بود.²⁶ وی می‌نویسد که طبق رویه معمول، دولتها قیدی را درباره ضرورت تصویب در متن معاهدات می‌گنجانند. اگر در حقوق بین‌الملل موضوعه قاعده‌ای به‌نام اماره تصویب وجود می‌داشت باید ضرورت و فایده چنین قیدی را مورد تردید قرار داد؛ چون

25. H. Kelsen, principles of International Law, New York, 1952, p. 332; G. Schwarzenberger, A Manual of International Law, London, 1960 Vol 1, p. 146.

26. رك. به مقاله Do Treaties Need Ratification نوشته G.Fitzmaurice در سالنامه انگلیسی حقوق بین‌الملل، سال 1934، ص 113-137.

با وجود چنین اماره و قاعده‌ای هیچ نیازی نبود که در معاهدات صریحاً به تصویب اشاره‌ای بشود، بلکه نحوه و شرایط اجرای آن را به قاعده مذکور احاله می‌کردند. در این صورت، معاهده تنها پس از تصویب آن از طرف مقامات صالحه دو کشور لازم‌الاجرا می‌گردید.

حقوقدان انگلیسی مذکور خاطر نشان می‌سازد که نمی‌توان پذیرفت بندهایی از معاهده که راجع به نحوه به تصویب رساندن توافق بین‌المللی است بیان‌کننده یک قاعده حقوقی باشد و لذا مشکل است بتوان پذیرفت که از یک طرف ضرورت به تصویب رساندن معاهدات یک قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل است و از طرف دیگر و در عین حال دولتها هرگاه تصویب را ضروری ببینند آن را صریحاً در معاهده قید می‌کنند. بنابراین باید نتیجه گرفت که دولتها وجود چنین قاعده عرفی را قبول ندارند، کما اینکه با تصریح به آن در معاهدات، تأیید می‌نمایند که اصولاً هیچ اصل عرفی درباره به تصویب رساندن معاهده وجود ندارد.²⁷

27. همان مقاله، ص 124 و 125.

علیرغم اینکه استدلال فوق قوی به نظر می‌رسد اما با اندکی دقت معلوم می‌شود که آنقدرها هم محکم نیست؛ چون مبنای استدلال رئیس اسبق دیوان دادگستری بین‌المللی این است که در معاهدات، یا صریحاً به لزوم تصویب اشاره‌ای می‌شود و یا به سکوت برگزار می‌گردد. در حالی‌که در کنار این دو گروه، نوع سومی هم وجود دارد که تعدادشان شاید خیلی بیشتر باشد و آن عبارت است از توافقی‌های بین‌المللی که در آنها صریحاً قید می‌شود که پس از امضا بلافاصله سند مذکور لازم‌الاجرا می‌گردد. اگر استدلال فوق‌الذکر را برای‌نگونه معاهدات اعمال نماییم، باید چنین نتیجه بگیریم که تصریح به کفایت امضای یک توافق بین‌المللی به این دلیل انجام شده است که دولتها متعهد نگران بوده‌اند که سکوتشان حمل بر ضرورت تصویب معاهده تلقی گردد، و بنابراین باید نتیجه گرفت که از نظر اینگونه دولتها قاعده‌ای به‌نام ضرورت تصویب معاهدات وجود دارد که خواسته‌اند با تصریح به کافی بودن امضا جهت رسمیت یافتن و

لازم الاجرا شدن معاهده، آن قاعده را دور بزند.

از نظر بسیاری دیگر از محققان که مخالف قاعده ضرورت به تصویب رساندن معاهدات می‌باشند دلایل دیگری غیر از آنچه از این دانشمند انگلیسی فوقاً نقل شده، مبنای این قاعده است. استدلال آنان عمدتاً براین است که اکثر معاهدات امروزه بدون طی تشریفات تصویب لازم الاجرا می‌گردند؛ بنابراین قاعده‌ای به نام ضرورت تصویب معاهده وجود ندارد.²⁸

در اینجا لازم است برای درک صحیح رویه معمول در حقوق بین‌الملل معاصر به بررسی آماری معاهدات مختلف بین‌المللی پرداخت.

دو - رویه معمول در حقوق بین‌الملل معاصر

محتوای حقوق بین‌الملل معاصر را در زمینه ضرورت یا عدم ضرورت تصویب معاهده نمی‌توان یافت مگر با بررسی این امر که کشورها در قبال معاهداتی که در آنها هیچ‌گونه مقرراتی درباره لازم‌الاجرا شدن

28. مک‌نایر، حقوق معاهدات: ط لندن، ص 133 و 134.

معاهده ذکر نشده باشد، چه رفتاری در پیش می‌گیرند.

به عبارت دیگر، آیا می‌توان قاعده‌ای از رفتار دولتها استنتاج نمود که مطابق آن در مواردی که هیچ مقرراتی در معاهده راجع به نحوه لازم‌الاجرا شدن آن وجود نداشته باشد، دولتها از آن قاعده تبعیت نموده باشند، و اگر چنین قاعده وجود دارد، کدام است؟

در این زمینه علاوه بر ذکر نتیجه‌گیری‌هایی که دو محقق سوئدی و لهستانی به نام‌های **بلیکس**²⁹ و **فرانکووسکا**³⁰ به آنها رسیده‌اند، نویسنده این مقاله بررسی‌های خود را که از مجموعه معاهدات سال‌های اخیر سازمان ملل به دست آورده است، متعاقباً بیان خواهد نمود.

به‌طور کلی رویه معمول دولتها درباره انعقاد معاهداتی که نحوه لازم‌الاجرا شدن آنها به سکوت برگزار شده

29. در سالنامه بریتانیایی حقوق بین‌الملل (Blx: The requirement of ratification) سال 1953، ص 368 به بعد.

30. Maria Frankowska: De la procedure présomption en faveur de la ratification

در مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، سال 1969، ص 62 به بعد.

است از مدتها پیش تاکنون تحول چشمگیری یافته است. در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در موارد متعدد می‌توان معاهداتی را یافت که در آنها قیدی بوده است، مع ذلك تشریفات تصویب را طی کرده‌اند.³¹ برعکس، مواردی را نیز می‌توان مشاهده کرد که معاهده با اینکه فاقد ضوابطی درباره نحوه لازم‌الاجرا شدن آن بوده، ولی به صرف امضا، لازم‌الاجرا گردیده است.³² از وجود قاعده ضرورت تصویب معاهده در فاصله بین دو جنگ جهانی نیز مشخص می‌تواند دفاع نمود. بررسی‌هایی که محقق سوئدی فوق‌الذکر در مجموعه معاهدات منتشره بین سالهای 1940_1932 به وسیله جامعه ملل سابق انجام داده است، نشان می‌دهد که اکثریت عمده معاهداتی که نحوه لازم‌الاجرا شدنشان به سکوت برگزار شده بدون تصویب لازم‌الاجرا

31. از این قبیل است ترتیبات تجاری منعقد شده بین انگلیس و چین مورخ 13 سپتامبر 1876 (مجموعه جدید معاهدات 1887، گردآوری توسط de Martens، ج 42، ص 707).

32. مانند ترتیبات منعقد شده برای حل اختلافات بین انگلیس و پاراگوئه مورخ 14 اکتبر 1862 (همان کتاب، ج 20، ص 484)؛ اعلامیه برای تحدید حدود مورخ 7 اوت 1895 (همان کتاب، ج 2، ص 798)؛ پروتکل برای محدود نمودن مایملک در سواحل دریای سرخ و خلیج عدن مورخ 24 ژانویه 1900 در رم (همان کتاب، ج 2، ص 830).

شده‌اند.³³ در دوره جنگ جهانی دوم در بسیاری از معاهدات بین‌المللی که حتی بعضی از آنها واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده‌اند هیچ‌گونه ضوابطی برای نحوه لازم‌الاجرا شدنشان ذکر نشده است، بلکه بدون اینکه به تصویب برسند قطعی و لازم‌الاتباع تلقی می‌شده‌اند.³⁴ در مورد معاهداتی که پس از جنگ جهانی دوم تنظیم شده‌اند به‌نظر می‌رسد رویه واحدی را می‌توان استنتاج نمود.

محقق مذکور از میان معاهداتی که بین سالهای 1946-1951 در مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد چاپ شده و تعداد آن به 1300 معاهده گوناگون و توافق بین‌المللی مختلف می‌رسد، 125 توافق را که به‌صورت مبادله یادداشت منعقد شده و بنابراین بدون تصویب لازم‌الاجرا گردیده‌اند،

33. از 72 معاهده از این‌گره هیچ توافقی که به‌صورت مبادله یادداشت یا نامه تنظیم شده باشد، به تصویب نرسیده است. از بقیه که به‌صورت سند واحد تنظیم شده بوده‌اند فقط پنج مورد به تصویب رسیده است و اکثر آنها به صرف امضا لازم‌الاجرا شناخته شده‌اند.

34. از این قبیل است منشور آتلانتیک مورخ 14 اوت 1941 و نیز موافقتنامه تهران که بین سه کشور بزرگ درگیر در جنگ، یعنی آمریکا و انگلیس و شوروی، در اول دسامبر 1945 امضا شد و همچنین موافقتنامه پالتا مورخ 11 فوریه 1945 و نیز موافقتنامه پتسدام مورخ 2 اوت 1945.

شناسایی نموده و حدود 50 مورد دیگر را مربوط به متن واحدی دانسته که فاقد هرگونه قید و شرط راجع به نحوه لازم الاجرا شدن آن است. از میان این تعداد فقط یک مورد هست که توافق به صورت مبادله یادداشت انجام شده و در عین حال یکی از متاهدات مستقلاً آن را پس از طی تشریفات تصویب لازم الاجرا نموده و یک مورد دیگر مبادله یادداشت پس از انجام قبولی به اجرا نهاده شده است.³⁵

محقق دیگری به نام **ماریا فرانکوسکا** معاهداتی را که بین سالهای 1963-1965 در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسیده اند مورد بررسی قرار داده³⁶ که حاصل بررسی‌های وی به قرار زیر است: تعداد کل معاهدات و توافقیهای بین‌المللی به 1579 مورد بالغ می‌شود که 151 مورد از آنها فاقد مقررات راجع به نحوه لازم الاجرا شدن می‌باشد. اکثر این‌گونه معاهدات مربوط می‌شوند به معاهدات بین

35. مقاله بلیکس فوق‌الذکر، ص 367.

36. رک. به مقاله خانم فرانکوسکا:

Maria Frankowska: De la prétendre présomption en faveur de la Ratification

در مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، سال 1969، ص 62 به بعد.

کشور با سازمانهاي بين‌المللي³⁷ و تعداد معاهده‌هايي که بين دولتها منعقد شده و فاقد هرگونه ماده‌اي راجع به لازم‌الاجرا شدن آنها هستند، فقط 35 مورد يعني 2/2 درصد تمام معاهدات مورد بحث مي‌باشد. البته اين تعداد هم آنقدرها کم نيست و خصوصاً بعضي از آنها مربوط به موضوعات مهمي هستند.³⁸ ضمناً دو مورد از آن معاهدات را کنوانسيونهاي چندجانبه محدود تشکيل مي‌دهد.³⁹ معاهدات يا توافقيهاي بين‌المللي دوجانبه‌اي که خصوصيت مذکور را داشته‌اند در 19 مورد

37. در اکثر موارد، موافقتنامه‌هايي که بين بانك بين‌المللي براي بازسازي و توسعه کشورها (بانك جهاني) منعقد مي‌شود چنين خصوصيتي دارند.

38. مانند صورتجلسه توافق بين عراق و کويت درباره قرارداداي روابط دوستانه، شناسايي و مسائل مربوط مورخ 4 اکتبر 1963 در بغداد (مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد، ج 485، ص 327)؛ توافق بين دولتین هندوستان و پاکستان درباره آتشبس و برقراري وضعيت موجود در تاريخ اول ژانويه 1965 در منطقه گجرات و مرز پاکستان غربي و ترتيبات براي تعيين مرزها در اين منطقه مورخ 30 ژوئن 1965 در دهلي نو (همان کتاب، ج 548، ص 297)؛ موافقتنامه بين اسرئيل و غنا در مورد همکاري کشاورزي مورخ 30 نوامبر 1964 (همان کتاب، ج 550، ص 233).

39. موافقتنامه همکاري فني کشورهاي شمالي (فنلاند، دانمارک، نروژ و سوئد) با تانگانیکا مورخ 15 ژانويه 1963 (مجموعه معاهدات، ج 456، ص 419) و موافقتنامه مانيل بين فيليپين، مالزي و اندونزي مورخ 31 ژوئيه 1963 (همان کتاب، ج 550، ص 345).

51 ❖ تنظيم معاهدات بين‌المللي...

به صورت مبادله یادداشت و در 14 مورد دیگر به صورت يك سند واحد يعني مثال تفاهم نامه و غيره بوده اند كه همگي آنها در يك مرحله (يعني فقط با امضاي توافق يا مبادله سند توافق) لازم الاجرا شده اند و تنها در يك مورد بوده كه توافق مربوط مورد تصويب يا قبولي نيز قرار گرفته است.

دبيرخانه سازمان ملل متحد هم در مورد تماس توافقي بين المللي فوق الذكر در ستون مربوط تصريح نموده است: «به وسيله امضا لازم الاجرا شده»⁴⁰ و يا «لازم الاجرا شده به وسيله مبادله یادداشتهاي مذکور».⁴¹

40. مانند موافقتنامه بين انگليس و جامائیکا راجع به کارمندان مورخ اول ژوئن 1961 لندن (مجموعه معاهدات، ج 478، ص 11) و موافقتنامه بين ايالات متحده امريکا و اتحاد شوروي راجع به ماهيگيري در آلاسکا مورخ 5 فوریه 1965 (همان کتاب، ج 541، ص 104).

41. مانند مبادله یادداشت بين بلژیک و هندوستان راجع به شناسايي اسناد محضري دو کشور مورخ 21 نوامبر 1961 و 16 ژوئيه 1962 (مجموعه معاهدات، ج 453، ص 260) و مبادله یادداشت بين چکسلواکی و امريکا راجع به صدور ويزاي کارمندان ديپلماتيك مورخ 18 و 21 دسامبر 1962 (همان کتاب، ج 469، ص 115).

سه - کنوانسیون وین و اهمیت تصویب در قطعیت معاهدات

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طول بررسی‌ها و گزارش‌هایی که منتهی به تدوین مواد 12-14 کنوانسیون وین 1969 درباره حقوق معاهدات گردید بین نظریه کفایت امضای معاهده و نظریه لزوم تصویب آن مواضع متعددی اتخاذ نموده است. در طرح 1950 کنوانسیون، بریولی گزارشگر آن فقط امضای معاهده را ملاک لازم‌الاجرا شدن آن تلقی می‌نمود و بدین‌لحاظ اگر در معاهده‌ای تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن مسکوت مانده بود، اصل این بود که از زمان امضا معتبر شناخته می‌شد.⁴²

بسیاری از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل این نظریه را مخالف با رویه موجود در حقوق بین‌الملل می‌شناختند و آن را بازگشت به دوره گروس‌یوس تلقی می‌نمودند،⁴³ برخی دیگر از این نظریه را مقدمه زوال قواعد حقوقی می‌شناختند.⁴⁴ نتیجتاً نظریه لزوم تصویب معاهده جای

42. سند شماره A/CN.4/23 ذیل ماده 8.

43. اظهارات «امادو» در دومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل (سالنامه کمیسیون 1950، ج 1، جلسه 49).

44. اظهارات ژرژسل در همان سالنامه، جلسه 50.

خود را در روابط و حقوق بین‌الملل باز نمود، ولی محدود به موارد خاصی شناخته شد که در طرح موقت سال 1951 کنوانسیون حقوق معاهدات به آن تصریح شده بود.⁴⁵

گزارشگر دوم کمیسیون (لوتر پاخت) همین نظریه را پذیرفت، ولی یک قاعده فرعی به آن افزود مبنی بر اینکه تصویب جز در مواردی که معاهده خود صریحاً پیش‌بینی نموده باشد، لازم نیست.⁴⁶ لذا در متن دوم پیشنهادی وی قاعده کلی عدم ضرورت تصویب معاهدات بیان شده بود.

گزارشگر سوم (فیتز موریس) طبق نظریاتی که در آثار خود قبلاً اعلام نموده بود تصویب معاهدات را هنگامی که در خود معاهده پیش‌بینی شده باشد، ضروری و در سایر موارد علی‌الاصول غیرضروری خواند.⁴⁷ به‌هرحال، کمیسیون عملاً فرصت نیافت تا

45. سند شماره A/CN.4/L.28 at 4 ذیل ماده 4.

46. سند شماره A/CN.4/63/87. ذیل ماده 6. حقوقدان مذکور همین مواضع را در «مجموعه مقالات خود درباره حقوق بین‌الملل» که در کمبریج (1978) در چهار مجلد چاپ شده، در ج 4، ص 161 به‌بعد نیز تجدید و چاپ نموده است. رک. به:

Sir Hersch Lauterpacht, *International Law, Collected papers, edited by E. Lauterpacht*, Cambridge, 1978, Vol.4, pp. 161-164.

47. سند شماره A/CN.4/101 ماده 32.

این مسئله را به تفصیل مورد بحث قرار دهد.

در سال بعد گزارشگر چهارم (والدوك) راه حل ویژه ای در این زمینه پیشنهاد کرد که بین شکل معاهده و تشریفات تصویب ارتباط برقرار می نمود. وی دو قاعده مختلف برای دو گروه از معاهدات مطرح نمود. به گفته وی معاهدات بر دو نوعند: «معاهدات رسمی» و «معاهدات ساده» (شامل مبادله یادداشت، صورتجلسه تأیید شده، و موافقتنامه بین دو حکومت). معاهدات نوع نخست مشمول اصل ضرورت تصویب هستند. برعکس، گروه دوم تنها تنها هنگام میباید به تصویب برسند که این امر صراحتاً در توافقنامه پیش‌بینی شده باشد.⁴⁸

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال 1962 ماده ای را تنظیم نمود که با طرح فوق‌الذکر تفاوت داشت. در این ماده تصویب معاهدات امری ضروری شناخته شده بود؛ البته اجرای این قاعده را محدود به ضوابطی می‌دانست که در هر معاهده

48. سند شماره A/CN.4/144 ماده 10.

ممکن است پیش‌بینی شود.⁴⁹ از جمله مستثنیات قاعده ضرورت تصویب معاهدات، موافقتنامه‌های به شکل ساده⁵⁰ بود که این اصطلاح شامل کلیه موارد پیشنهادی والدوک می‌شد به جز «موافقتنامه بین دو حکومت».⁵¹

تصمیم کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد انتقاد بسیاری از محققان قرار گرفت. نمایندگان دانمارک، انگلیس، ژاپن، سوئد و شوروی قاعده ضرورت تصویب معاهدات را غیرقابل قبول دانستند و فقط یوگسلاوی و اتریش از آن دفاع نمودند.⁵²

در سال 1965 ماده فوق‌الذکر تغییر یافت. کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد طرح والدوک برای اینکه امضای معاهده به تنهایی نشان‌دهنده اراده دولت بر متعهد شدن به آن شناخته شود و یا اینکه برعکس معاهده حتماً باید به تصویب برسد تا اراده بر متعهد شدن نسبت به آن را نشان بدهد، گفت که بیش از هر چیز باید قصد و

49. سند شماره A/5209 طرح ماده 12.

50. Les accords en forme simplifiée.

51. Les accords intergouvernementaux.

52. Rapports de la C.D.I. 1966, doc. A/6309/Rev. 1, p. 120.

نیت متعاهدات را جستجو نمود.⁵³ طرح نهایی سال 1966 کنوانسیون حقوق معاهدات هیچ قاعده‌ای را، نه به نفع کفایت امضا و نه به نفع ضرورت تصویب معاهده، تعیین نکرده بود، بلکه در مواد 10 و 11 فقط تصریح شده بود که در چه موارد جداگانه‌ای امضا یا تصویب یا قبولی و یا تأیید، هرکدام برای متعهد نمودن یک کشور کافی است. این دو ماده فقط مواردی را مشخص می‌نمود که قصد و نیت کشور در یک مورد معین چه بوده، و از به دست دادن یک قاعده کلی احتراز کرد.

ماده 12 کنوانسیون‌های وین 1969 (حقوق معاهدات بین دولتها) و 1986 (حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی) در ارتباط با مواردی که امضا به‌عنوان وسیله ایجاد تعهد و انعقاد قطعی معاهده باید شناخته شود، چنین مقرر داشته است:

«1- قصد و نیت یک دولت (با یک سازمان بین‌المللی) در اینکه با امضای نماینده وی به معاهده ملتزم می‌گردد، در موارد زیر محقق می‌شود:

53. سالنامه کمیسیون مذکور (1965)، ج 2، ص 171.

الف - هرگاه معاهده خود پيشبيني نموده باشد كه امضا داراي چنين اثري است؛

ب - هرگاه به نحو ديگري ثابت شود كه دولتهاي مذاكره كننده توافق نموده اند كه امضا داراي چنين اثري است؛

ج - هرگاه قصد و نيت دولت در ايجاد چنين اثري براي امضاي معاهده از اعتبارنامه نماينده اش آشكار شود و يا در طول مذاكرات صريحاً اعلام شده باشد.
2- در ارتباط با بند 1:

الف- پاراف يك سند هنگامي امضاي معاهده محسوب ميشود كه ثابت شود دولتهاي مذاكره كننده چنين چيزي را توافق نموده اند.

ب - امضا «به شرط ارجاع»⁵⁴ يك معاهده توسط نماينده دولت هنگامي يك امضاي كامل محسوب ميشود كه مورد تأييد دولتش قرار گيرد».

دو كنوانسيون مذكور در ماده 14 راجع به مواردی كه تصويب، قبولي يا تأييد به عنوان وسيله ايجاد تعهد و

54. Ad referendum.

انعقاد قطعي معاهده بايد شناخته شود،
چنين مقرر داشته اند:

«1- قصد و نيت يك دولت (يا يك سازمان بين المللي) در اينكه با تصويب به معاهده اي ملتزم مي گردد، در موارد زير محقق مي شود:

الف - هرگاه معاهده خود پيش بيني نموده است كه چنين قصدي از طريق تصويب اعلام خواهد شد؛

ب - هرگاه به نحو ديگري ثابت شود كه دولتهاي مذاكره كننده توافق نموده اند كه تصويب ضروري است؛

ج - هرگاه نماينده دولت معاهده را به شرط تصويب امضا نموده باشد؛

د - هرگاه قصد و نيت دولت در امضاي معاهده به شرط تصويب از اعتبارنامه نماينده اش آشكار شود و يا در طول مذاكرات صريحاً اعلام شده باشد.

2- قصد و نيت يك دولت در انعقاد معاهده به وسيله قبولي يا تأييد با همان شرايطي كه در مورد تصويب جاري است بيان مي گردد».

بنابراين كنوانسيون وين از وضع يك قاعده كلي در لزوم يا عدم لزوم تصويب

معاهدات خودداری و این امر را به توافق متعاهدان و قصد و نیت آنان واگذار نموده است. در این روند، شناسایی سیستم حقوقی هر کشور و قانون اساسی آن در تعیین قصد و نیت آن کشور نقش مهمی دارد.⁵⁵ بدین لحاظ مطالعه این مسئله در حقوق ایران و حقوق تطبیقی کمک عمده‌ای در روشن شدن مطلب خواهد کرد، که در صفحات آینده به بحث درباره آنها می‌پردازیم.

مبحث دوم

رویه معمول در حقوق ایران راجع به تصویب معاهدات

با مطالعه نظام حقوقی تدوین معاهدات در ایران به نظر می‌رسد که برخلاف تحلیلی که در صفحات قبل بیان شد آنچه باید حائز اهمیت تلقی شود، تفکیک بین معاهدات رسمی و توافقی‌های ساده است؛ یعنی تفکیک بین آنهایی که در دو مرحله

55. نویسنده کتاب A modern law of Nations به نام ph. Jessup در ص 126 کتاب خود (ط لندن، 1968) می‌گوید:

It is a matter of the constitutional law of state whether any particular international agreement of type of agreement may be thus concluded.

امضا و تصویب، تنظیم و لازم‌الاجرا می‌شوند از یک طرف، و آنهایی که در یک مرحله (یعنی فقط با امضا) تهیه و سپس به اجرا گذارده می‌شوند از طرف دیگر.

به عبارت دیگر، برخلاف آنچه که در صفحات قبل مورد بحث قرار گرفت، در اینجا تشخیص قاعده ضرورت تصویب معاهده به همان اندازه واجد اهمیت است که دو مرحله‌ای بودن معاهده. چون اگر یک توافق بین‌المللی مشمول اصل 77 قانون اساسی باشد، هم بدین معنی است که باید به تصویب برسد و هم اینکه در دو مرحله تنظیم و لازم‌الاجرا می‌شود، و این برخلاف حقوق کشورهای دیگر است که قبلاً بحث شد؛ زیرا در آنجا این دو مفهوم تطابق کامل با یکدیگر نداشتند و بسیاری از معاهدات دو مرحله‌ای بودند بدون این که ضرورتاً لزومی به تصویب آنها باشد، بلکه از طرق دیگر مانند قبولی، تأیید و غیره مرحله دوم (لازم‌الاجرا شدن) را طی می‌کردند و نه از طریق تصویب. بنابراین در ایران مهم نیست که بتوان معاهدات دو مرحله‌ای را از معاهدات یک مرحله‌ای تشخیص داد و سپس بررسی کرد در چه مواردی معاهده به صورت

رسمي، يعني دو مرحله اي، تهيه شده و در چه مرحله اي به صورت ساده، يعني با امضا، در يك مرحله لازم الاجرا شده است. از اين نظر و براي سهولت مطالعه، رويه معمول در رژيم سابق (دوره نخست) را با رويه اي كه پس از سال 1357 تاکنون (دوره دوم) رايج شده است تفكيك کرده و هريك را جداگانه مورد بحث قرار مي دهيم.

1

دوره نخست: تصويب معاهدات در رژيم سابق

در رژيم گذشته اگرچه از نظر تعداد، بين معاهدات رسمي (دو مرحله اي) با توافقيهاي ساده بين المللي (تفاهم نامه ها) در مجموع تقارن و تناسب وجود داشت، اما تشخيص مواردی که به هريك از آن دو مربوط ميشود، يعني مواردی که يك توافق بين المللي بايد به صورت معاهده رسمي تنظيم شود با مواردی که در يك مرحله (با امضا) لازم الاجرا مي گردید، همیشه آسان نيست.

تحلیل آماری از معاهداتی که در رژیم سابق لازم‌الاجرا بوده برای مطالعه ما بسیار ارزشمند است. بدین لحاظ بررسی مندرجات سه کتاب که مجموعه‌های معاهدات دوجانبه را در سالهای گذشته تدوین و جمع‌آوری نموده‌اند کمک زیادی به شناختن اهمیت تصویب در حقوق معاهدات ایران خواهد نمود. کتاب نخست که در سال 1341 تحت عنوان «راهنمای عهد و عهدنامه‌های تاریخی ایران»⁵⁶ جمع‌آوری و چاپ شده، حاوی فهرستی از معاهدات دوجانبه می‌باشد که در ستونهای جداگانه تاریخ امضا، تاریخ تصویب و تاریخ اجرا شدن هر معاهده مشخص شده است.⁵⁷

در این کتاب مجموعاً 233 معاهده که بین ایران و سایر کشورها منعقد گردیده است نام برده شده که از میان آنها 109 معاهده رسمی است یعنی علاوه بر امضا، مورد تصویب قوه مقننه ایران هم واقع

56. جمع‌آوری از آقای ع. وحید مازندرانی، ص 352-374.

57. به علاوه وزارت امور خارجه بین سالهای 1338-1342 مبادرت به انتشار 3 کتابچه مربوط به معاهدات ایران با آرژانتین، آلمان فدرال، اتحاد شوروی، افغانستان و پاکستان نمود؛ ولی بعداً ادامه نیافت. در کتابچه‌های 2 و 3 ذیل صفحات یا در جدول جداگانه تاریخ تصویب و تاریخ مبادله اسناد مشخص شده است.

شده است - ولي اکثریت معاهدات - 124
مورد - به صورت ساده، یعنی به شکل
تفاهم نامه با امضای مقام اجرایی مربوط،
لازم الاجرا شده است.⁵⁸

کتاب دوم به نام «مجموعه معاهدات
دوجانبه معتبر» که در سال 1349 توسط
وزارت امور خارجه در دو مجلد بزرگ چاپ
شده فقط تاریخ امضای معاهدات را مشخص
کرده و از تصویب یا از تاریخ لازم الاجرا
شدن آنها ذکر کرده به میان نیامده است جز
در بعضی پانویسها که احياناً مدت اعتبار
معاهده بیان شده و یا اگر مبادله اسناد
انجام نشده به این امر تصریح گردیده
است. در این دو مجلد مجموعاً 269 توافق
بین المللی دوجانبه چاپ شده است که هم
معاهدات رسمی و هم توافقیهای ساده را
شامل می شود بدون اینکه ملاک معینی برای
تشخیص در این زمینه وجود داشته باشد.

سوم جزوه «فهرست معاهدات معتبر
ایران با سایر دول» است که از طرف دفتر
حقوقی وزارت امور خارجه تکثیر شده است
(چاپ فروردین 1357). این جزوه حاوی
فهرست کامل معاهداتی است که در تاریخ

58. راهنمای عهد و عهدنامه های تاریخی ایران، 374-352.

مذکور امضا و لازم‌الاجرا بوده و از مجموع 388 معاهده که در آن نام برده شده است اکثریت آنها، یعنی 248 فقره، معاهده رسمی تشخیص داده می‌شود که تفاوت تاریخ امضا و لازم‌الاجرا شدن آنها عموماً بیش از چهار ماه است (این مدت حداقل لازم برای تصویب معاهده در آن زمان بوده) و مابقی، یعنی 148 فقره توافق بین‌المللی، از همان تاریخ امضا، لازم‌الاجرا نیز شده و یا اجرای آن پس از مدت کوتاهی پیش‌بینی گردیده است. به عبارت دیگر، تعداد معاهداتی که فقط در یک مرحله (یعنی امضا) لازم‌الاجرا می‌شده به حدود یک سوم معاهدات رسمی (که در دو مرحله امضا و تصویب لازم‌الاجرا می‌شده) می‌رسیده است. شاید دلیل اینکه از دهه 1340 به بعد به تدریج تعداد معاهدات رسمی افزایش و تعداد تفاهم‌نامه‌ها کاهش یافته تحول روابط سیاسی ایران با کشورهای مختلف در جهت تثبیت بیشتر بوده است و نیز اینکه مسئولان دولتی یا دو طرف معاهدات ایران و سایر کشورها بیشتر تمایل داشته‌اند که ابتدا چارچوب کلی روابط دو جانبه آنها در معاهدات رسمی تبیین شود، که به همین

صورت اقدام می‌شده و تدریجاً جزئیات اجرایی مربوطه به هر سال در صورتجلسات و پروتکل‌های جداگانه مشخص می‌گردیده است.⁵⁹

الف - ضابطه تفکیک معاهدات رسمی از معاهدات و توافقی‌های ساده

با مطالعه آماری فوق اهمیت تفکیک بین مواردی که معاهده به صورت رسمی منعقد و پس از تصویب قوه مقننه لازم‌الاجرا می‌گردیده، از مواردی که معاهده صرفاً با امضا اعتبار قانونی می‌یافته است، روشن می‌شود.⁶⁰

به طور کلی اصل 24 قانون اساسی سابق (1324 قمری) بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها را با تصویب مجلس شورای ملی ممکن می‌دانست و اصل 52 متمم قانون اساسی سابق این قاعده را حتی بر عهدنامه‌هایی که به دلایلی متن آن سری نگهداری شده بود نیز تسری می‌داد.⁶¹

59. رک. به بخش اول این مقاله («مجله حقوقی»، شماره 6، ص 95).

60. رک. به بخش اول: «تفاوت معاهدات و تفاهم‌نامه‌ها»، («مجله حقوقی»، شماره 6، ص 99).

61. رک. به «مجله حقوقی»، شماره 7، ص 123 و 124.

بنابراین می‌توان گفت که رژیم سابق، اصل
براین بوده است که کلیه معاهدات و
توافقی‌های بین‌المللی باید به تصویب قوه
مقننه برسد؛ یعنی عیناً شبیه آنچه که
قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل 77
مقرر داشته است. مع ذلك قوه مجریه به
استناد بعضی از قوانین موضوعه و یا
براساس اختیاری که از مجلس کسب می‌نموده
معاهداتی را منعقد می‌کرده که به صرف
امضا لازم‌الاجرا می‌گردیده است.

ب- نتایج

با ملاحظه مندرجات معاهدات فوق
الذکر درباره نحوه لازم‌الاجرا شدن آنها و
تصریح یا عدم تصریح به لزوم تشریفات
تصویب، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

1- در رژیم گذشته کلیه معاهداتی که
به صورت رسمی در دو مرحله، یعنی امضا و
تصویب، لازم‌الاجرا شده‌اند آنهایی هستند
که صریحاً در متن معاهده این امر
پیش‌بینی شده است. معاهده ممکن است
متضمن عبارات مختلفی از قبیل اینکه
«این عهدنامه برطبق قوانین جاریه هریک

از طرفین به تصویب خواهد رسید»⁶² یا «رعایت تشریفات که طبق حقوق داخلی لازم است»⁶³ و یا «تشریفات قانونی و سایر اموری که برای لازم الاجرا شدن آن ضروری است»⁶⁴ باشد، که همگی دلالت بر ضرورت تصویب آن برای لازم الاجرا شدن می‌نماید. اما در عین حال با وجود تصریح به لزوم تشریفات تصویب در متن معاهده نمی‌توان گفت که در رژیم گذشته این‌گونه توافقی‌های بین‌المللی بی‌تردید و همواره دو مرحله‌ای محسوب می‌شده‌اند؛ زیرا چه بسا برای رفع این ابهام، متعاهدین

62. ماده 15 عهدنامه مودت و اقامت بین ایران و اتریش مورخ 17 شهریور 1338 مصوب 1344 (مجموعه قوانین 1344، ص 142)؛ ماده 17 موافقتنامه ایران و پاکستان راجع به سرزمینهای حمل و نقل هوایی بازرگانی مورخ 1336/12/28: «این موافقتنامه طبق مقررات قوانین اساسی هر یک از طرفین معظمین متعاهدین به تصویب خواهد رسید» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، وزارت امور خارجه، 1349، ج 1، ص 306) و نیز ماده 17 موافقتنامه فرهنگی ایران و ترکیه مورخ 1337/11/9 (همان کتاب، ص 368).

63. مانند ماده 8 موافقتنامه همکاری فنی و علمی ایران و مراکش مورخ 45/3/31: «این موافقتنامه طبق تشریفات جاری هر یک از دو کشور به تصویب خواهد رسید». (همان کتاب ج 2، ص 140) و ماده 15 عهدنامه بازرگانی و دریانوردی ایران و هند مورخ 24 آذر 1333: «این قرارداد به تصویب مقامات صلاحیتدار طرفین خواهد رسید و بلافاصله پس از مبادله اسناد مصوبه آن...» (ج 2، ص 171).

64. مانند ماده 13 موافقتنامه فرهنگی ایران و استرالیا مورخ 53/7/3 مصوب 54/2/24 (مجموعه قوانین 1354).

مجدداً موافقت می‌نمودند که معاهده باید به تصویب مقامات مقننه برسد. از این قبیل است موافقتنامه اقامت و دریانوردی بین ایران و فرانسه و نیز موافقتنامه استرداد مجرمان با آن کشور که هر دو در تاریخ 1343/3/3 در تهران به امضا رسیده و در مواد آنها (به ترتیب ماده 15 و ماده 21) تصریح شده است که موافقتنامه به تصویب خواهد رسید؛ مع ذلك برای رفع هر نوع شبهه، دولتین طی یادداشت‌های مورخ 44/9/10 (22 اکتبر 1964) اعلام نموده‌اند که موافقتنامه‌های مورد بحث باید معاهده‌های رسمی تلقی شده «و به نام رؤسای کشورها که در ابتدای متن [دو معاهده] ذکر شده و به امضا رسیده است» تنظیم شوند و لذا باید به تصویب مقامات صالحه دو کشور نیز برسند.⁶⁵

2— در رژیم گذشته به رغم قاعده فوق‌الذکر که به موجب آن معمولاً معاهده‌ای به تصویب می‌رسیده است که این امر صریحاً در آن پیش‌بینی شده باشد، ولی موارد متعددی را می‌توان یافت که ظاهراً متن

65. متن دو یادداشت در کتاب **مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر** (ج 2، ص 67 و 71 فارسی و 52 بخش فرانسوی) چاپ شده است.

قانون اساسي سابق که تصویب کلیه معاهدات بین‌المللی را لازم می‌دانست، رعایت شده است. این امر به‌ویژه در مورد عهدنامه‌های مودت منعقد شده بین ایران و سایر کشورها مشاهده می‌شود. این نوع عهدنامه‌ها به‌عنوان معاهدات اساسی، تقریباً همیشه به‌تصویب قوه مقننه در ایران می‌رسیده است، هرچند خصوص این امر در آن پیش‌بینی نشده و نحوه لازم‌الاجرا شدن معاهده مسکوت مانده باشد؛ از این قبیل است عهدنامه مودت ایران و حجاز مورخ 1308/6/2 که با توجه به عدم ذکر تصویب و اینکه طرف متعاقد (عربستان) فاقد هرگونه قانون اساسی و پارلمان می‌باشد، مع‌ذک در تاریخ 1308/10/11 به‌تصویب مجلس شورای ملی وقت ایران رسیده است.⁶⁶ شاید دلیل عمده این امر آن است که در این‌گونه عهدنامه‌ها معمولاً اصل دولت کامله‌الوداد⁶⁷ در رابطه با

66. به همان کتاب (ج 2، ص 44) مراجعه شود.

67. مانند ماده 3 عهدنامه مودت ایران و حجاز فوق‌الذکر؛ مواد 7 و 10 و 11 عهدنامه مودت و تجارت و بحریمایی ایران و نروژ مورخ 8 مه 1930 (همانند مرجع، ج 2، ص 148)؛ ماده 2 عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی ایران و سوئد 1308/2/10 (همان مرجع، ج 2، ص

طرف متعاقد تضمین می‌گردد.⁶⁸ به علاوه چون اکثراً در متن این‌گونه معاهدات حل اختلافات ناشی از عهدنامه‌ها توسط حکمیت يك مقام ثالث قید شده و مورد قبول طرفین قرار گیرد،⁶⁹ علی‌هذا تصویب معاهده توسط قوه مقننه طرفین لازم تلقی شده است (اصل 24 قانون اساسی سابق).

3. در رژیم گذشته تعویض اختیار از طرف مجلسین به دولت برای انعقاد معاهدات با دول خارجی بسیار معمول بوده و این رویه یکی از طرقی بود که به‌جای تنظیم معاهده رسمی به‌کار گرفته می‌شد و ایران با طرف خارجی مبادرت به انعقاد

(3)؛ ماده 4 عهدنامه اقامت ایران و سویس مورخ 1313/2/5 (ایضاً، ج 2، ص 16).

68. "La clause de la nation la plus favorisée" این عبارت در زبان حقوقی و دیپلماتی دوره قاجاریه به قاعده «تبعه دول اکمل الوداد» ترجمه شده بود (سند مورخ غره رجب 1290 قمری مندرج در **مجله بررسی‌های تاریخی**، شماره 3، سال 13، ص 86).

69. حکمیت داور ثالث به تعیین رئیس دیوان داوری بین‌المللی لاهه در عهدنامه‌های مودت ایران و سوئد مورخ 1380/3/6 (مجموعه قوانین 1308، ص 92)، ماده 4 عهدنامه مودت ایران و سویس مورخ 1313/2/5 (مجموعه قوانین 1313، ص 139)، ماده 5 عهدنامه مودت ایران و فرانسه مورخ 1308/2/20 (مجموعه قوانین 1308، ص 99)، ماده 3 عهدنامه مودت ایران و هلند مورخ 1308/3/11 (مجموعه قوانین 1309، ص 68)، ماده 3 عهدنامه مودت و تجارت و بحرپیمایی ایران و نروژ مورخ 8 مه 1930 (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 2، ص 146) و غیره پیش‌بینی شده است.

71 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

يك توافق ساده با عناوين مختلف مانند تفاهم‌نامه يا مبادله يادداشت و غيره مي‌نمود؛ از اين قبيل است مبادله يادداشت بين ايران و كره جنوبي به تاريخ 12 فوريه 1976 براي حمايت از علائم تجاري⁷⁰ كه براساس الحاق دولت ايران به كنوانسيون پاریس 1883 مصوب شهريور 1337 راجع به حمايت از مالكيت صنعتي و تجاري و كشاورزي تنظيم شده است، در حالي‌كه در مورد مشابه - يعني موافقتنامه مورخ 24 فوريه 1930 بين ايران و آلمان - به تصويب مجلس شوراي ملي رسیده است.⁷¹ و نيز موافقتنامه‌هاي لغو رواديد بين ايران و ساير كشورها⁷² كه براساس اجازه مندرج در تبصره 43 قانون بودجه اصلاحي سال 1343 توسط هيئت وزيران تصويب شده⁷³ و يا توافقيهاي بين‌المللي درباره نيابت

70. رك. به فهرست معاهدات معتبر با ساير دول، فوق‌الذكر.

71. مصوب 13 آبان ماه 1309 (مجموعه قوانين 1309 و راهنماي عهد...، ص 56).

72. تبادل‌نامه درباره لغو رواديد بين ايران و سوئد سال 1968 (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 12)، با سويس (همان كتاب، ص 24)، با فرانسه مورخ 44/11/14 (همان كتاب ص 72)، با مراکش مورخ 45/2/31 (همان كتاب، ص 141).

73. مجموعه قوانين سال 1343، ص 109 مندرج در «مجله حقوقي»، شماره 7، ص 149، پانويس 112.

قضایي و تعاون قضایي با سایر کشورها که بدون تنظیم يك معاهده رسمي⁷⁴ و صرفاً به استناد ماده واحده مصوب 24 تیرماه 1309 (که نیابت قضایي و تعاون قضایي با سایر کشورها را براساس عمل متقابل پذیرفته) لازم الاجرا گردیده است.⁷⁵

4. در رژیم گذشته اختلاف بین نظام حقوقی ایران و طرف متعاقد در پاره ای موارد سبب می شد که يك معاهده در حالی که برای یکی از متعاهدین پس از طی دو مرحله (امضا و تصویب) لازم الاجرا می گردید، برای دیگری امضا، تنها تشریفات قانونی لازم جهت آن محسوب می شد و نیازی به تصویب نبود. به همین لحاظ در بعضی از موافقتنامه های حمل و نقل هوایی

74. موافقت راجع به نیابت قضایي مورخ 18 خردادماه 1311 بین ایران و ترکیه (معذک معاهده جامع تري در تاریخ 14 مارس 1937 به نام معاهده تعاون قضایي در مسائل حقوقی و تجاری بین ایران و ترکیه منعقد گردید که در 15 خردادماه 1316 در ایران به تصویب رسید [راهنمای عهد... ص 58] و اعلامیه ایران و اتریش درخصوص نیابت قضایي مورخ 17 شهریورماه 1337 پیوست عهدنامه مودت بین دولتین ایران و اتریش.

75. از همین قبیل است مبادله یادداشت درباره معافیت متقابل از مالیات بر شرکتهای حمل و نقل هوایی بین ایران و سایر کشورها مانند ایران و سوئد مورخ 1968 (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 2، ص 11)؛ ایران و سویس مورخ 1335/6/5 (ایضاً، ص 23)، ایران و فرانسه (ایضاً ص 57)، ایران و لهستان مورخ 1347/5/22 (ایضاً، ص 127).

73 ❖ تنظیم معاهدات بین المللی...

که بین ایران و سایر کشورها منعقد می‌شد در اکثر موارد تصریح شده بود که طرف ایرانی باید آن را به تصویب مقامات صالحه برساند، ولی این تکلیف برای کشور دیگر ذکر نشده بود.⁷⁶ البته در موافقتنامه حمل و نقل هوایی بین ایران و هندوستان به دلیل شباهت نظام حقوقی دو کشور لزوم تصویب معاهده توسط مقامات صالحه هر دو طرف پیش‌بینی شده است.⁷⁷ بالعکس، معاهده موقت ایران و فرانسه مورخ 11 مه 1928 با تصریح به لزوم تصویب معاهده، خاطرنشان نموده است نظر به مقررات قانون 13 اردیبهشت 1307 محتاج به تصویب مجلس ایران نیست؛⁷⁸ مع ذلك این

76. ماده 16 موافقتنامه ایران و نروژ راجع به سرویس‌های حمل و نقل هوایی بازرگانی مورخ 1329/3/10: «دولت ایران تصویب این موافقتنامه را از طرف پارلمان ایران به دولت نروژ اعلام خواهد داشت و دولت نروژ در تاریخ ابلاغ اعلامیه مذکور این موافقتنامه را قطعی و قابل اجرا تلقی خواهد کرد». (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 153)؛ همچنین ماده 16 موافقتنامه ایران و هلند راجع به حمل و نقل هوایی مورخ 1328/8/9 (ایضاً، ص 161)؛ ماده 16 موافقتنامه ایران و نروژ راجع به سرویس هوایی مورخ 1334/3/6 (ایضاً، ص 19).

77. موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و هندوستان مورخ 1329/5/19 (همان کتاب، ص 178).

78. طبق ماده 4 معاهده موقتی بین ایران و فرانسه مورخ 11 مه 1928 (21 اردیبهشت ماه 1307)، «این قرارداد موقتی به تصویب خواهد رسید و نسخ مصوبه هرچه زودتر ممکن

معاهده در 16 دي ماه 1307 به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است. همچنین موافقتنامه‌های بازرگانی اکثراً در دو مرحله تنظیم می‌شود؛ یعنی پس از امضا به تصویب قوه مقننه نیز می‌رسد⁷⁹ جر در

باشد در تهران مبادله خواهد شد و تا دهم مه 1929 مجری خواهد بود. بدیهی است که برای ایران نظر به مقررات قانون 1307/2/13 (3 مه 1928) ماده 3 راجع به مقررات تعرفه گمرکی محتاج به تقدیم به مجلس شورای ملی برای تصویب نخواهد بود...». (مجموعه قوانین دوره هفتم قانونگذاری 1307-1309، ص 250)، از طرف دیگر، بسیاری از معاهدات موقتی به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است مانند معاهدات موقتی ایران و فرانسه فوق‌الذکر، معاهده موقتی ایران و فنلاند مورخ 27 آبان ماه 1313 مصوب 1311/10/13، معاهده موقتی ایران و اتریش مورخ 27 خردادماه 1307 مصوب 1307/10/16 (مجموعه قوانین دوره هفتم، ص 231، چاپخانه مجلس) و معاهده موقتی ایران و چکسلواکی مورخ 27 خردادماه 1307 مصوب 16 دي ماه 1307 (همان مجموعه، ص 237). برعکس، در پاره‌ای دیگر از موارد نظیر معاهده موقتی ایران و دانمارک مورخ 8 سپتامبر 1928، ایران و عراق مورخ 20 مردادماه 1308، ایران و نروژ مورخ 30 آبان ماه 1307 و ایران و سوئد مورخ 20 اردیبهشت ماه 1308 (راهنمای عهد...، ص 328) بدون تصویب مجلس و به صرف امضا، لازم‌الاجرا گردیده و در یک مورد، مجلس شورا از قبل به دولت اجازه داده است که «به‌وسیله مبادله مراسله بین سفارت ایران و وزارت خارجه مصر، با دولت مصر قرارداد موقتی تجارتي مبتنی بر اجرائی حقوق با دول کامله الوداد به‌طور معامله متقابله... با شرط امکان الغای آن... منعقد نماید». (قانون مصوب 26 دلو 1301 شمسی، مجموعه مصوبات ادوار سوم و چهارم قانونگذاری مجلس شورای ملی - چاپ مجلس، 1319، ص 212).

79. مانند موافقتنامه بازرگانی ایران و بلغارستان مورخ 9 دسامبر 1972 که در 11 مارس 1973 لازم‌الاجرا شده است؛ موافقتنامه بازرگانی با عراق مورخ 30 آوریل 1967

75 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

بعضی موارد استثنایی که به محض امضا، معتبر تلقی می‌شده است.⁸⁰ بدیهی است برای این امر، مستند قانونی در اختیار مقامات و مراجع مربوط بوده است.

مشهورترین نمونه‌هایی که تفاوت در نظام حقوق دو طرف متعاهد در نحوه تنظیم معاهده که و یک مرحله‌ای یا دو مرحله‌ای بودن آن مؤثر می‌باشد، مقایسه معاهداتی است که در گذشته بین ایران و ایالات متحده آمریکا منعقد شده است که از 23 مورد در سال 1357⁸¹ فقط 4 معاهده به صورت

ماده 7 (معاهدات دوجانبه معتبر، ج 2، ص 34)؛ موافقتنامه بازرگانی و دریانوردی بین ایران و هندوستان مورخ 1333/10/24 ماده 15 (ایضاً، ص 171)؛ موافقتنامه همکاری اقتصادی با لهستان مورخ 13 فوریه 1964 ماده 17 (ایضاً، ص 122).

80. مانند موافقتنامه بازرگانی با ژاپن مورخ 23 ژوئن 1968 که در همان روز لازم‌الاجرا شده است و موافقتنامه بازرگانی با زلاندنو مورخ 1353/7/8 که در 11 دی ماه همان سال لازم‌الاجرا شده است و موافقتنامه بازرگانی با استرالیا مورخ 25 سپتامبر 1974 که در 11 نوامبر همان سال لازم‌الاجرا شده است (فهرست معاهدات دوجانبه معتبر فوق‌الذکر) و نیز موافقتنامه ایران و رومانی مربوط به همکاری اقتصادی و فنی... مورخ 18 مارس 1967: «ماده 4. این موافقتنامه از تاریخ امضا به‌طور موقت به مورد اجرا گذاشته خواهد شد و پس از تصویب مقامات صالحه دو کشور قوت اجرایی کامل خواهد یافت». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 420).

81. در سال 1349 مجموع معاهدات بین‌المللی ایران و ایالات متحده آمریکا به 13 مورد می‌رسیده است (رک. به مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 2، ص 90-116)؛ ولی

رسمی به تصویب قوه مقننه رسیده و بقیه یعنی 19 مورد پس از امضا لازم الاجرا گردیده است؛⁸² اما از میان معاهداتی که بین ایران و اتحاد شوروی در 1357 معتبر بوده است یعنی 44 معاهده بین‌المللی⁸³

قبل از آن در سال 1341 به 16 مورد (راهنمای عهد... ص 353) و در 1326 قمری به یک مورد می‌رسیده است که آن هم عهدنامه تجارتي ایران و اتا زوني مورخ 15 ربیع الثانی 1272 بوده است (مؤتمن الملک: مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه، تهران، چاپخانه فاروس، 1326 قمری).

82. در واقع تنها یک معاهده برای متعاهدین به صورت رسمی منعقد شده و به تصویب مقامات قانونی هر دو کشور رسیده بود (عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی مورخ 15 اوت 1955 مصوب 1335/12/28) و سه معاهده دیگر (ماده 20 موافقتنامه حمل و نقل هوایی مورخ 1335/10/26، موافقتنامه همکاری راجع به استفاده‌های غیرنظامی از انرژی اتمی مورخ 5 مارس 1975 و اصلاحیه آن مورخ 8 ژوئن 1964) فقط از طرف مقامات ایرانی به تصویب رسیده بود. حتی اصلاحیه موافقتنامه اخیر مورخ 1968 طبق ماده 9 آن در یک مرحله امضا و لازم‌الاجرا شده بود (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 113). طرف امریکایی اکثرأً مبنای مستند قانونی خود را در متن معاهده که با امضا لازم‌الاجرا می‌شده قید می‌نموده است مانند موافقتنامه در باب همکاری فنی مورخ 1329/7/27 که در مقدمه آن تصریح به قانون عمومی شماره 535 مصوب کنگره 81 شده است (مجموعه معاهدات معتبر، ج 2، ص 80).

83. تعداد معاهدات ایران با شوروی در سال 1341 مجموعاً 19 معاهده بود: 8 معاهده رسمی و 11 تفاهم‌نامه (راهنمای عهد... ص 355)، ولی وزارت امور خارجه ایران در سال 1338 در کتابچه شماره 2 از مجموعه قراردادهای راجع به شوروی هفده معاهده ایران و شوروی را نام می‌برد که 11 مورد آن به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است. در صدر مشروطه، ایران با روسیه تزاری 14 معاهده داشته و با

اکثراً یعنی 29 مورد معاهده به صورت رسمی به تصویب قوای مقننه دو کشور رسیده و فقط 15 مورد به صورت تفاهم‌نامه به صرف امضاء، لازم‌الاجرا شده است.⁸⁴

قواعد چهارگانه فوق‌الذکر که در دوره قبل از انقلاب اسلامی معمول بود تا اندازه زیادی هنوز هم مراعات می‌شود که ذیلاً به این مطلب می‌پردازیم.

2

دوره دوم: تصویب معاهدات از زمان استقرار جمهوری اسلامی

از بهمن ماه 1357 تاکنون تصویب معاهدات، دو مرحله مختلف را در حقوق و عرف سیاسی ایران طی نموده است. مرحله

کلات هم دو معاهده مرزی منعقد نموده بود که پس از مبادله اسناد تصویب، اعتبار یافته بودند (مجموعه معاهدات دولت علیه ...).

84. باید در نظر داشت که تفاهم‌نامه‌های مذکور برای اجرای معاهده‌های رسمی منعقد شده بوده‌اند نه مستقلاً.

اول دوره انتقالی است که با تشکیل شورای انقلاب اسلامی شروع گردید. در این دوره کلیه توافقیهای بین‌المللی و حتی قراردادهای بین‌المللی که راجع به خرید و فروش سازمانهای دولتی ایران با سایر کشورها منعقد می‌شده به تصویب شورای انقلاب اسلامی می‌رسیده است.⁸⁵ البته شورای انقلاب خصوصاً پس از استعفای دولت موقت در آبان ماه 1358 مستقیماً قوه اجرائیه را در اختیار داشته و لذا این قبیل مصوبات شورای انقلاب الزماً عنوان قانونگذاری نداشته است؛ در عین حال این رویه نمایشگر این بوده که به لحاظ افکار عمومی اصولاً تمایل زیادی به محدود نمودن اقتدارت مسئولان اجرایی در انعقاد توافقیهای بین‌المللی و حتی قراردادهای بین‌المللی وجود داشته است.

85. مانند موافقتنامه راجع به همکاری بین شرکت صادراتی تجهیزات عمومی کُره و شرکت شیلات ایران مورخ 1360/11/18 (مجموعه قوانین 1360، ص 133)؛ قرارداد فروش خاویار به شوروی مورخ 1359/1/23 (مجموعه قوانین 1359، ص 24)؛ قرارداد ساخت و تحویل سیگارت مصوب 1359/4/25 (مجموعه قوانین 1359، ص 465)؛ موافقتنامه حمل و نقل بین‌المللی زمینی بین ایران و ترکیه مورخ مهرماه 1358 (مجموعه قوانین 1359، ص 37).

مرحله دوم از تشکیل مجلس شوراي اسلامي در خردادماه 1359 آغاز مي‌شود که از آن تاريخ تاکنون که اين مقاله تحرير مي‌شود (مهر 1367) حدود 25 معاهده رسمي تنظيم شده است که اين معاهدات پس از امضاي مقدماتي جهت تصويب به مقامات قانونگذاري ارائه شده يا خواهد شد. برخي از آنها پس از مبادله اسناد تصويب لازم‌الاجرا گرديده و برخي ديگر به علل مختلف هنوز مورد مبادله اسناد قرار نگرفته است.

از طرف ديگر حدود 180 مورد توافقيهاي ساده به‌عنوان يادداشت تفاهم و امثال آن تنظيم و به‌وسيله مسئولان اجرايي امضا گرديده و مورد اجرا قرار گرفته است. معاهدات رسمي، يعني گروه نخست، تقريباً در تمامي موارد حاوي ماده‌اي هستند که لزوم تصويب معاهده را پيش‌بيني مي‌نمايد.⁸⁶ اما در نقطه مقابل معمولاً

86. مانند موافقتنامه همکاري اقتصادي، علمي و فني بين ايران و ليبي مورخ 1360/11/30 (مجموعه قوانين 1361، ص 184)؛ موافقتنامه فرهنگي، هنري و فني بين دولت ايران و دولت الجزاير مورخ 1360/11/26 (مجموعه قوانين 1361، ص 189)؛ موافقتنامه فرهنگي ايران و سوريه مورخ 1362/12/2 (مجموعه قوانين 1363، ص 253)؛ پروتکل در مورد مبادلات کالا بين دولت‌ها ايران و سوريه براي سالهاي 1982-1991

تفاهم‌نامه‌ها هیچ‌گونه مقرراتی نسبت به نحوه لازم‌الاجرا شدن آن دربرندارند و این امر به سکوت برگزار شده است. تنها قرینه‌ای که در این مورد برای لازم‌الاجرا شدن توافق بین‌المللی پس از امضا (به صورت یک مرحله‌ای) وجود دارد، علاوه بر نامگذاری و سایر مشخصاتی که از نظر شکلی مشهود است، تصریح به این است که از تاریخ امضا، معتبر و لازم‌الاتباع خواهد شد. به‌طور اجمال می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در رویه فعلی تنها زمانی که یک توافق بین‌المللی، معاهده رسمی تلقی شود و تشریفات تصویب آن ضرورت پیدا می‌نماید که این امر صریحاً در آن پیش‌بینی شده باشد. برعکس، در صورت سکوت، معمولاً متن امضا شده به منزله تفاهم‌نامه تلقی خواهد گردید. البته مطالعه نحوه تصویب معاهدات در مجلس شورای اسلامی قبلاً مورد بحث قرار گرفته است و در اینجا به لحاظ اهمیتی

(مجموعه قوانین 1362، ص 172). ماده 13 موافقتنامه فرهنگی بین ایران و غنا مورخ 1364/10/23 مصوب 1366/6/31 مجلس شورای اسلامی، همانند معاهدات فوق‌الذکر تصریح نموده است: «طرفین متعاهدین، موافقتنامه حاضر را طبق قوانین داخلی خود به تصویب می‌رسانند...».

که شناخت سیدستم حقوقی کشورهای طرف
معاهده با ایران دارا می‌باشد، ذیلاً به
مطالعه تطبیقی در این زمینه می‌پردازیم.

مبحث سوم

مطالعه تطبیقی تصویب معاهدات در نظامهای مختلف حقوقی

در حقوق ایران هرگاه صحبت از تصویب
معاهده به‌میان می‌آید - چنانکه در
ابتدای این فصل گفتیم - مقصود تصویب
مجلس شورای اسلامی و بعد تأیید شورای
نگهبان و در آخر امضای رئیس‌جمهور است
(در رژیم سابق تصویب مجلسین و سپس
توشیح‌شاه). اما در سایر کشورها روشهای
گوناگونی راجع به نحوه تصویب معاهدات
وجود دارد که ذیلاً به مطالعه آنها
می‌پردازیم. حقوق بین‌الملل اصولاً تعیین
مقامی را که برای تصویب معاهده صالح
است به قانون اساسی هر کشور و یا
مقرراتی که متعاهدین بر آن توافق
نموده‌اند، واگذار می‌کند و این امر چه
در مورد دولتها و چه در مورد سازمانهای
بین‌المللی صادق است.

در اینجا نخست به بررسی نحوه تصویب
معاهدات در کشورها (عنوان اول) و سپس
در سازمانهای بین‌المللی (عنوان دوم)
می‌پردازیم.

عنوان اول تصویب معاهده در کشورهای مختلف

از نظر تطبیقی می‌توان تصویب معاهدات را در حقوق اساسی کشورهای مختلف به سه گروه تقسیم نمود. در گروه نخستین تنها رئیس‌کشور یا پادشاه، یعنی در واقع قوه اجراییه، صلاحیت انحصاری تصویب معاهدات را برعهده دارد (نوع اول)؛ در گروه دوم قوه مقننه و پارلمان واجد صلاحیت انحصاری مذکور است (نوع دوم)، و بالاخره در گروه سوم تصویب برخی از معاهدات برعهده قوه مقننه و بعضی دیگر در اختیار قوه مجریه قرار دارد (نوع سوم).

نوع اول صلاحیت انحصاری قوه مجریه در تصویب معاهدات

این روش در اکثر کشورهای پادشاهی در گذشته معمول بوده است. در ایران قبل از مشروطه (قانون اساسی 1324، اصل 22 و متمم آن، اصل 52)، در فرانسه در دوره

امپراتوری دوم، یعنی حکومت ناپلئون سوم (قانون اساسی 11 فوریه 1889) و در آلمان هیتلری و ایتالیای فاشیست، تنها قوه مجریه و رئیس کشور صلاحیت تصویب معاهدات را برعهده داشته‌اند.

در تاریخ ایران هرچند علی‌الاصول تصویب معاهدات در صلاحیت پادشاه وقت قرار داشته است، ولی در پاره از موارد به علت اختلاف نظر بین پادشاه و رجال یا رجال قدرتمند رژیم، معاهده‌ای را که پادشاه رسماً تصویب نموده بود، قدرت قانونی خود را از دست می‌داده و منتفی می‌شده است مانند مخالفت طهماسب‌قلی خان (نادرشاه بعدی) با تصویب معاهده مورخ 1143 قمری که توسط محمدرضا عبدالله لو و راغب افندی به ترتیب نمایندگان پادشاه ایران (طهماست میرزای صفوی) و خلفه عثمانی در بغداد منعقد شده بود، که سرانجام همین مخالفت سبب گردید معاهده مذکور منتفی گردد.⁸⁷

87. رك. به جهانگشای نادری (تألیف میرزای مهدی خان استرآبادی، چاپ انجمن آثار ملی، تصحیح عبدالله انوار، 1341، ص 173): «در بیان مصالحه شاه طهماسب با امنای دولت عثمانی و فسخ آن از جانب حضرت ضل‌اللهی». نویسنده متن بیانیه‌ای را که به امضای نادر میرزا به ولایات ایران ارسال شده و در آن دلایل عدم تصویب معاهده

نوع دوم صلاحیت انحصاری قوه مقننه در تصویب معاهدات

این رویه بیشتر در کشورهای که در آنها حکومت و قدرت در اختیار پارلمان است دیده می‌شود. در ترکیه پس از تشکیل جمهوری (قانون اساسی 20 آوریل 1924، ماده 26) تا هنگام کودتای 1960 انعقاد و تصویب معاهدات انحصاراً در اختیار مجمع کبیر ملی آنکارا قرار داشت. همچنین در اتحاد شوروی طبق نخستین قانون اساسی مورخ 9 ژوئیه 1923 تصویب معاهدات در صلاحیت انحصاری کنگره شوراه که

با عثمانی تشریح شده است ذکر می‌کند: «... در خلال این احوال که از انجام مهم فراغی حاصل و سرکشان حدود خراسان را تنبیه کامل فرموده بودیم، نوشته عالیجاه محمدرضا خان عبدالله لو رسید مشعر بر اینکه فیما بین او و اولیای دولت عثمانی چنین قرار یافته که ممالک آن طرف رود ارس به روس و این طرف به قزلباش تعلق داشته باشد. الحق این مصالحه در نظر ما حکم نقش بر آب و موج سراب دارد، زیرا که مقصد اصلی، استخلاص اسرای ایران است که مطلقاً به آن نپرداخته... چون صلح مزبور مغایر رضای جناب سبحانی و مخالف مصلحت ابد مدت خاقانی بود؛ لهذا به عز امضا مقرون نفرمودیم...» (ص 175 و 177). همچنین در این زمینه به کتاب **تاریخ مفصل ایران** (تألیف پیرنیا و اقبال آشتیانی، ط تهران، ص 718) مراجعه شود.

عالي‌ترین ارگان کشور است قرار داشت،⁸⁸ که در فاصله اجلاس کنگره نیز کمیته اجرایی مرکز این وظیفه را عهده‌دار بود؛ اما در قانون اساسی 4 دسامبر 1936 (ماده 49) این صلاحیت به پرزیديوم شوراي عالی اتحاد جماهیر شوروي واگذار شد.⁸⁹ همین رویه در بسیاری از کشورهای اروپاي شرقی نیز رایج است.⁹⁰

نوع سوم

صلاحیت مشترک قوه مقننه و قوه مجریه در تصویب معاهدات

88. در بعضی از کنوانسیونهای بین‌المللی مانند پروتکل لیتوانف مربوط به تحریم جنگ مورخ 9 فوریه 1927 مصوب 14 فروردین 1308 مجلس شوراي ملي در مقدمه آن در کنار نام پادشاهان و رؤسای جمهور، «کمیته اجرائیه مرکزی اتحاد جماهیر شوروي» ذکر شده است (مجموعه هدایتی، ص 56). همچنین است معاهده تعریف تجاوز مورخ 3 ژوئیه 1933 مصوب 1312/4/12 (مجموعه هدایتی، ص 131).

89. قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروي سوسیالیستی مورخ 25 فوریه 1947 در ماده 49 تصریح نموده است: «هیئت رئیسه شوراي عالی اتحاد جماهیر شوروي سوسیالیستی عهدنامه‌های بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروي را تصویب و فسخ می‌کند» (از انتشارات اداره نشریات به زبانهای خارجی، مسکو، 1947).

90. شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، ج 1، ص 94، شماره 69.

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 87

اکثر کشورهای که به روش دموکراسی غربی اداره می‌شوند، هم پارلمان و هم رئیس قوه مجریه هر دو صلاحیت اخذ تصمیم نسبت به تصویب معاهده بین‌المللی را دارا هستند. این صلاحیت در کشورهای اروپای غربی بعضاً در اختیار پارلمان قرار داد (1)، ولی در کشورهای امریکای لاتین و تا حدی در ایالات متحده امریکا عمدتاً در اختیار رئیس‌جمهور است (2).

1

کشورهای اروپای غربی

قاعده اصلی که در این کشورها راجع به تفکیک صلاحیت بین پارلمان و رئیس کشور نسبت به تصویب معاهده وجود دارد، از قانون اساسی بلژیک مورخ 7 فوریه 1831 (ماده 68) اقتباس شده است. قانونهای اساسی فرانسه (1875، 1946 و

1958)، انگلیس، سویس و ... نیز عیناً از قانون اساسی بلژیک پیروی نموده است. در این روش، معاهدات به دو گروه تقسیم می‌شوند: اول، آنها که کسب موافقت قوه مقننه برای تصویبشان ضروری است و دوم، توافقهایی که رئیس قوه مجریه خود مبادرت به تصویب آنها می‌نماید.⁹¹

قبل از بررسی روش کشورهای که از این سیستم تبعیت می‌نمایند - یعنی بلژیک، فرانسه، انگلیس و سویس که ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرند - لازم به یادآوری است که قانون اساسی پاره‌ای از کشورهای اروپای غربی صلاحیت بررسی پارلمان را بر کلیه معاهدات تعمیم داده و لذا قوه مجریه را ملزم نموده است که انعقاد هرگونه معاهده با دولت خارجی را به تصویب پارلمان برساند. از این قبیل است قانون اساسی هلند متعاقب تغییرات ماده 60 آن در سال 1922 و نیز قانون اساسی ترکیه طبق قانون مورخ 31 مه 1963 آن کشور.

91. همچنان‌که قبلاً در «مجله حقوقی» (شماره 7، ص 123 و 124) به تفصیل بیان شده است قانون اساسی مشروطه ایران از این سیستم پیروی نموده بود.

نمونه یکم - تصویب معاهدات در بلژیک

در قانون اساسی بلژیک، اصل در تنظیم و انعقاد معاهدات، صلاحیت عمومی قوه مجریه (پادشاه) است. به همین دلیل بند اول اصل 68 قانون اساسی بلژیک مورخ 7 فوریه 1831 تصریح می‌نماید: «پادشاه... معاهدات صلح، اتحادیه‌های بین‌المللی و بازرگانی را تنظیم و منعقد می‌نماید و هرگاه منافع و امنیت کشور اجازه دهد آن را به فوریت به آگاهی مجلسین می‌رساند و به پیوست آن اسناد ضروری و مناسب را ایفاد خواهد نمود».

در بند دوم همان اصل آمده است: «معاهدات بازرگانی و آنها که بر [بودجه] دولت تحمیلاتی ایجاد خواهند نمود و یا بر اتباع بلژیک التزاماتی خواهند نهاد، تنها پس از اینکه مورد موافقت مجلسین قرار گیرند، اعتبار خواهند داشت».

و بالاخره در بند سوم آن آمده است: «هرگونه واگذاری، مبادله و الحاق اراضی تنها با وضع یک قانون امکان دارد. در

هیچ موردی مواد محرمانه یک معاهده نمی‌تواند ناقض مواد آشکار آن باشد». از نظر حقوقدانان معاصر دو بند اخیر که تصویب معاهده را منوط به نظر قوه مقننه می‌نمایند باید به نحو مضیق و محدود مورد تفسیر قرار گیرند.⁹² بنابراین اصل عدم لزوم ارائه معاهدات به قوه مقننه برای تصویب است جز در مواردی که صراحتاً قانون اساسی موافقت پارلمان را لازم می‌داند.

به‌طور خلاصه طبق حقوق اساسی بلژیک کلیه معاهدات را قوه مجریه تنظیم می‌کند و پس از امضای پادشاه (در واقع پس از تأیید هیئت وزیران) اسناد تصویب آن با طرف خارجی مورد مبادله قرار می‌گیرد. بنابراین تنها در یک مورد موافقت قبلی پارلمان ضروری است و آن هم انتقال، مبادله و یا الحاق یک سرزمین یا اراضی آن به بلژیک و یا برعکس می‌باشد (بند 3 از اصل 68 قانون اساسی).⁹³ پاره‌ای دیگر از حقوقدانان بلژیک تفاوتی بین بندهای

92. ر.ک. به کتاب استاد روبرت سنل: R. Senelle تحت عنوان شرح قانون اساسی بلژیک (La Constitution belge Commentée) از انتشارات وزارت امور خارجه بلژیک، 1976، ص 239 به بعد.
93. R. Senelle, op.cit.

2 و 3 اصل مذکور قائل نیستند و در هر دو مورد موافقت پارلمان را ضروری می‌دانند، ولی معتقدند که تهیه یک قانون انجام تشریفات مربوط به آن اختصاص بند سوم یعنی انتقال اراضی کشور دارد و در سایر معاهدات که قانون اساسی موافقت قوه مقننه را لازم می‌داند صرف تنظیم یک قطعنامه ساده کفایت می‌کند.⁹⁴

به طور کلی قانون اساسی بلژیک در این مورد در عمل به نحوی تفسیر می‌شود که دست قوه مجریه تا اندازه زیادی باز باشد. از این نظر دولت می‌تواند در پاره‌ای از شرایط یک معاهده را محرمانه تلقی نماید و محتوای آن را فاش نسازد. تنها محدودیتی که بنابه گفته یکی از شارحان موجود می‌باشد این است «که مواد محرمانه یک معاهده نباید معارض مواد آشکار آن باشد»⁹⁵ (مقایسه شود با اصل 53 متمم قانون اساسی سابق ایران). از همه مهمتر اینکه در مواردی که قانون اساسی ارائه معاهده به مجلسین را مقرر نموده است (معاهدات بازرگانی، معاهداتی که بر

94. Y. Masquelin: Le droit des traités dans l'ordre juridique et dans la pratique diplomatique belge, Bruxelles 1980 n°188 et s.

95. R. Senelle, op.cit.

بودجه دولت تأثیر می‌گذارد، و معاهداتی که بر حقوق فردی اتباع بلژیک مانند ازدواج و سایر مسائل احوال شخصیه آنها در روابط بین‌المللی تأثیراتی داشته باشد) عدم موافقت مجلسین تأثیری در اعتبار معاهده نخواهد داشت.⁹⁶ به عبارت دیگر، اخذ موافقت مجلسین فقط از وظایف قانونی قوه مجریه است و نه شرط اعتبار معاهده. از آن مهمتر حتی در مورد معاهداتی که بر حقوق فردی اتباع بلژیک تأثیر می‌نهد، یعنی در واقع موجب تغییر قانون داخلی می‌گردد، پاره‌ای از نویسندگان معتقدند که قوه مجریه می‌تواند به استناد بند 1 اصل 68 قانون اساسی بلژیک رأساً اخذ تصمیم نماید و این‌گونه معاهدات را به تصویب برساند و اسناد آن را با دولت خارجی مبادله نماید.⁹⁷

96. روبرت سنل، همان کتاب، ص 240: «سایر معاهدات نیاز به موافقت مجلسین دارد بدون اینکه این موافقت تأثیری در اعتبار آنها داشته باشد».

97. روبرت سنل، همان کتاب، ص 241: «با تکیه بر تفسیر مضیق قانون اساسی، نویسندگان در نهایت امر پذیرفته‌اند که پادشاه می‌تواند به تنهایی با استناد به بند یک (اصل 68 قانون اساسی) اقدام نماید؛ چون مستثنیات آن که در بندهای بعدی آمده‌اند باید به نحوی محدود مورد تفسیر قرار گیرد».

نمونه دوم: تصویب معاهدات در فرانسه به وسیله پارلمان

در این کشور رئیس جمهور تصویب کلیه معاهدات را برعهده دارد،⁹⁸ ولی در بعضی موارد که قانون اساسی معین نموده است موافقت پارلمان برای انجام تصویب ضرورت دارد. اصل 53 قانون اساسی فعلی فرانسه مورخ 4 اکتبر 1958 (مشابه ضوابطی که در قوانین اساسی قبلی 1875 و 1946 پیش‌بینی شده و در اصل از قانون اساسی 1831 بلژیک که فوقاً بیان شد اقتباس نموده است) مقرر می‌دارد: «معاهدات صلح، معاهدات بازرگانی، معاهدات یا موافقتنامه‌های مربوط به سازمان بین‌المللی و آنها که برای بودجه و محاسبات دولتی تعهدآورند و نیز آنهایی که مقررات واجد طبیعت قانون را تغییر می‌دهند و یا مربوط به احوال شخصیه بوده و یا حاوی واگذاری، مبادله یا الحاق سرزمین هستند مورد تصویب و

98. نمونه‌ای از فرمان رئیس جمهور دایر بر تصویب یک معاهده را می‌توان در ترجمه فارسی جلد اول کتاب شارل روسو که توسط آقای دکتر محمدعلی حکمت به نام **حقوق بین‌الملل عمومی** ترجمه شده است ملاحظه کرد.

تأیید واقع نمی‌شوند مگر طبق قانونی که در پارلمان تصویب شده باشد».

از اصل فوق می‌توان نکات زیر را استنتاج نمود:

اولاً، از مقایسه اصطلاحات مذکور در صدر این اصل معلوم می‌شود که جز در مورد توافقهایی مربوط به صلح و بازرگانی که منبعت باید به صورت معاهده رسمی⁹⁹ منعقد شود، در بقیه موارد می‌توان برحسب شرایط، موافقتنامه را یا به شکل معاهده رسمی و یا به صورت یک موافقتنامه ساده (تفاهم‌نامه) تنظیم نمود. در این صورت، تصویب معاهده توسط رئیس جمهور پس از موافقت پارلمان انجام می‌شود و تصویب موافقتنامه ساده با تأیید بعدی قوه مقننه صورت می‌پذیرد.¹⁰⁰

ثانیاً، اگر در قانون اساسی قبلی (مورخ 1946) کلیه معاهداتی که مقررات داخلی اعم از بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی را تغییر می‌دادند نیاز به تصویب قوه مقننه می‌داشت، قانون اساسی فعلی (1958) تنها معاهده رسمی و یا

99. Traité.

100. شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ پاریس، 1970، ج 1، ص 106، شماره 77.

موافقتنامه ساده‌ای که مقررات قانونی داخلی را تغییر می‌دهند محتاج به تصویب می‌دانند. به عبارت دیگر، رئیس جمهور فرانسه می‌تواند به تنهایی معاهده‌ای را تصویب نماید که آن معاهده مقررات قانونی را که پارلمان در سال‌های قبل از 1958 تصویب نموده است نقض نماید، مشروط بر اینکه مقررات مذکور فاقد «طبیعت قانونی» باشند و به منزله مقررات اجرایی تلقی گردند.

در عین حال، اصل 53 قانون اساسی فرانسه نکات مبهمی دارد که تفسیر و اجرای آن را مشکل نموده است از جمله اینکه معلوم نیست چه نوع توافقی‌های بین‌المللی مربوط به بودجه و محاسبات دولتی و یا سایر مواردی که تا آخر اصل 53 ذکر شده مورد نظر بوده است. آیا مقصود تنها معاهدات رسمی است و یا اینکه موافقتنامه‌های ساده را نیز شامل می‌گردد؟ به عبارت دیگر، ضمیر «آنها»¹⁰¹ که در وسط و نیز انتهای اصل 53 چندین بار تکرار شده تنها به «معاهدات» و صدر اصل مذکور معطوف است و یا به عبارت

101. Ceux qui.

بعدي يعني «معاهدات و موافقتنامه‌ها»
نيز برمي‌گردد؟ ديگر آنکه اصل 53 قابل
انتقاد است؛ چون ممکن نيست توافقهائي
انجام شده بين دو يا چند کشور و در
مسائل بازرگاني را انحصاراً به صورت
معاهده رسمي تنظيم نمود. در غالب
موارد، اين نوع توافقهائي بين‌المللي
به صورت تفاهم‌نامه - مثلاً يادداشت تفاهم
يا ترتيبات يا پروتکل و غيره - تنظيم
مي‌شوند. در نقطه مقابل، بعيد است که
انتقال قسمتي از سرزمين کشور در سند
به جز معاهده رسمي انجام پذيرد. از طرف
ديگر، «معاهده مربوط به حقوق مالکيت
اتباع فرانسه در خارج» که طبق قانون
اساسي 1875 الزاماً مي‌بايد به تصويب
پارلمان مي‌رسيد، در شرايط فعلي مي‌تواند
به صورت يك موافقتنامه ساده اجرايي
منعقد شود.¹⁰² لازم به يادآوري است که
اين رويه معارض است با قاعده اي که طبق

102. مانند موافقتنامه‌هاي منعقد شده بين فرانسه و جمهوري
متحده عربي (مصر و سوریه) در 22 اوت 1958 راجع به جبران
خسارات ناشي از سلب مالکيت و مصادره اموال و نيز
موافقتنامه مورخ 9 فوریه 1959 بين فرانسه و روماني و 12
ژوئيه 1963 بين فرانسه و يوگسلاوي و 28 ژوئيه 1966 بين
فرانسه و جمهوري عربي متحده (مصر) و 16 مارس 1967 بين
فرانسه و كوبا راجع به جبران خسارت مصادره اموال.

آن فقط از طریق تصویب يك قانون مي‌تواند در فرانسه محدوديتي به حقوق مالکيت اشخاص وارد نمود (ماده 34 قانون اساسي 1958).

به‌جز موارد فوق‌الذکر که پارلمان فرانسه در تأیید معاهدات مداخله مي‌نماید، تصویب معاهدات در پاره‌اي از موارد ممکن است به همه‌پرسی عمومي نهاده شود. در سيستم کنوني حقوق اساسي فرانسه رئیس جمهور مي‌تواند تصویب معاهده‌اي را که «تأثيراتي بر عملکرد سازمان دولتي ايجاد مي‌نماید»، هرچند تعارضی با قانون اساسي نداشته باشد، به رفراندم بگذارد.

نمونه سوم: تصویب معاهدات در انگلیس

الف - نخستین ضابطه در حقوق انگلیس برای تفکیک معاهدات رسمي که نیاز به انجام تشریفات وضع قانون و تأیید پارلمان دارد، از توافقی‌های دیگر بین‌المللي که تأیید آن در صلاحیت پادشاه يعني قوه مجریه مي‌باشد مبتنی است بر تمیز بین موضوعاتی که داخل در صلاحیت

انحصاري قوه مجريه است از مواردی که نیاز به وضع قانون دارد. از نمونه‌های بارز موارد اجرایی و صلاحیت انحصاری قوه مجریه توافقی‌های بین‌المللی مرتبط با مسائل نظامی و جنگی است که با کشور یا کشورهای خارجی منعقد می‌گردد.¹⁰³ به همین دلیل است که اعلامیه پاریس 1856 در زمینه نحوه عملیات جنگی و یا کنوانسیونهای صلح لاهه مورخ 1899 و 1907 در زمینه حقوق جنگ، در انگلیس با تصویب پادشاه، یعنی هیئت وزیران و بدون ارائه یا تصویب پارلمان، لازم‌الاجرا گردیده‌اند¹⁰⁴ و نیز بیانییه وزیر امور

103. مک‌نایر: **حقوق معاهدات**، ط لندن، ص 89 و مواردی که ذکر کرده است.

104. در ایران کنوانسیونهای مذکور در همان روز تنظیم، یعنی 18 اکتبر 1907، به وسیله نماینده دولت ایران پرنس ارفع‌الدوله به امضا رسید؛ ولی بعداً به مجلس ارائه نشده است. اسامی کنوانسیونها به این قرار می‌باشد: کنوانسیون راجع‌به تسویه مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی؛ کنوانسیون راجع‌به تهدید استعمال قوه مجریه برای مطالبه قروض؛ کنوانسیون راجع‌به شروع خصومت؛ کنوانسیون راجع رسوم و قوانین جنگ بری و نظامنامه مربوط به آن؛ کنوانسیون راجع‌به وظایف و حقوق دول و اشخاص بی‌طرف در صورت بروز جنگ بحری؛ کنوانسیون راجع‌به وضع کشتیهای تجارتي دشمن در ابتدای جنگ؛ کنوانسیون راجع‌به تبدیل کشتیهای تجارتي به کشتیهای جنگی؛ کنوانسیون راجع‌به مینهای دریایی که به محض تصادم منفجر می‌شود؛ کنوانسیون راجع‌به بمباردمان از طرف قوای بحری در موقع جنگ؛ کنوانسیون راجع‌به اجرای اصول مندرج

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 99

خارجہ آن کشور دربارہ اعلام جنگ با آلمان بدون تصویب پارلمان مورد تبعیت محاکم قرار گرفته است.¹⁰⁵ برعکس، کنوانسیون شماره 12 صلح لاهه 1907 «راجعہ تأسیس دیوان بین‌المللی غنائم» چون موجب تجدیدنظر در احکام دادگاہہای انگلیس توسط یک دیوان بین‌المللی می‌گردید، نیاز بہ تصویب پارلمان داشت، کہ بدین لحاظ بہ مجلس عوام انگلستان ارائه گردید، ولی بہ تصویب نرسید و رد شد.

بدین‌ترتیب، ہرچند تصویب معاہدہ بین‌المللی در انگلیس غالباً در صلاحیت قوہ مجریہ قرار دارد، ولی چنانچہ در نتیجہ امضای آن تغییری اساسی در حقوق داخلی یا حقوق شہروندان ایجاد گردد، معاہدہ باید قبلاً بہ تصویب پارلمان برسد. البتہ این قاعدہ بہ‌طور مطلق عمومیت ندارد. فی‌المثل در مورد توافقہای بین‌المللی کہ برای جبران

در کنوانسیون 1864 ژنو راجعہ جنگ بحری؛ کنوانسیون راجعہ بعضی تحدیدات در اجرای حق اسارت در جنگ بحری؛ کنوانسیون راجعہ تأسیس یک دیوان بین‌المللی غنائم؛ کنوانسیون راجعہ حقوق و تکالیف دول بی‌طرف در جنگ بحری (رک. بہ راهنمای عہود و ...، ص 377).

105. رأی مجلس لردہا در قضیہ Rex v. Bothill (1947) K.B. 41.

خسارات اتباع انگلیس در کشورهای خارج بدون تصویب پارلمان منعقد گردیده است (مانند موافقتنامه‌های منعقد شده بین انگلیس با کشورهای چکسلواکی در 1949، بلغارستان در 1955، مجارستان در 1956، لهستان در 1954 و یوگسلاوی در 1948) هرچند مبالغی که به اتباع انگلیسی به‌عنوان جبران مصادره و ملی شدن اموالشان پرداخت شده کمتر از مطالبات ادعایی آنها بوده ولی چون به‌عنوان حداکثر مبلغی بوده است که از نظر قوه مجریه انگلیس قابل وصول از دولتهای خارجی بوده و در واقع تصویب پارلمان انگلیس فقط می‌توانسته جنبه صوری داشته باشد، لهذا موافقتنامه‌های مذکور تنها با تأیید قوه مجریه لازم‌الاجرا شده است.¹⁰⁶

در زمینه روابط دیپلماتیک و کنسولی، پس از اینکه مدت‌ها تصویب معاهدات راجع به این نوع روابط انگلیس در صلاحیت قوه مجریه تلقی می‌شد،¹⁰⁷ برای

106. ر.ک. به مقاله N.H. Moller: "Compensation for British Owner Foreign Interests" مندرج در Transaction of Grotius Society ج 44، سال 1959، ص 223 به بعد.
107. مک‌نایر: حقوق معاهدات، ص 92، 105 و 106.

نخستین بار کنوانسیون وین 1961 (راجع به روابط دیپلماتیک) از طریق یک مصوبه قانونی به حقوق داخلی انگلیس وارد شد و در آن ادغام گردید و به صورت لازم الاجرا درآمد.¹⁰⁸ بدین ترتیب منبهد کلیه معاهدات راجع به روابط دیپلماتیک و کنسولی باید به تصویب پارلمان انگلیس برسد؛ اما در عین حال همچون گذشته اجرای سیاست خارجی با پذیرش نمایندگان سیاسی یا کنسولی خارجی و نیز شناسایی مصونیت آنان از صلاحیتهای ویژه قوه مجریه است و محاکم قضایی انگلیس باید از آنها تبعیت نمایند.¹⁰⁹

ب - دومین ضوابطه در حقوق انگلیس
برای تصویب معاهده در پارلمان تصریح مندرجات معاهده به ضرورت این امر است. نمونه کلاسیک این نوع معاهدات، موافقتنامه بازرگانی بین انگلیس و پرتغال مورخ 1914 می باشد که در ماده 17 آن تصریح شده لازم الاجرا شدن مقررات مندرج در ماده 6 آن (یعنی ضرورت حمایت از نام برخی فراورده های پرتغال) موکول

108. ر.ک. به قانون The Diplomatic Immunity Act, 1964.

109. ر.ک. به قضیه Krajinina v. Tass Agency (1949) 2 A 11 E.R. 272 (C.A.).

به تصویب آن در پارلمان انگلیس است. به همین دلیل پارلمان انگلیس قانونی را به تصویب رسانید¹¹⁰ که در نتیجه آن ورود فراورده کشور دیگری به انگلیس با استفاده از عناوین خاص رایج برای فرآورده‌های الکی در پرتغال ممنوع و جرم تلقی شده است.

در این‌گونه موارد ممکن است موافقت پارلمان انگلیس به صورت تدوین یک مصوبه قانونی اعلام شود و یا ممکن است به شکل تصویب یک قطعنامه پارلمان انجام گردد. از طرف دیگر، طبق رویه جدیدی که از سال 1924 در انگلستان معمول شده و اجرا می‌گردد، متن معاهدات امضا شده با کشورهای خارجی در مدت سه هفته در اختیار دو مجلس (عوام و لردها قرار می‌گیرد تا بدین طریق نمایندگان دو مجلس در جریان مذاکرات قرار گیرند و بحث و بررسی پارلمان به سهولت انجام پذیرد. هرچند این رویه در ابتدا منحصر به معاهداتی بوده که باید به تصویب پارلمان برسد و هم‌اکنون عملاً به کلیه توافقاتی بین‌المللی که انگلیس امضا

110. Anglo-Portnguses Commercial Treaty Act, 1914.

می‌نماید تصمیم یافته است و بنابه تقاضای فقط یک نماینده درباره آن بحث انجام خواهد شد. به عنوان مثال، متن موافقتنامه مورخ 29 نوامبر 1962 بین فرانسه و انگلیس راجع به تولید هواپیماهای غیرنظامی مافوق صوت کنکورد را که ضرورتی به تصویب پارلمان انگلیس نداشت دولت به مجلس عوام ارائه داد و بنابه تقاضای یکی از نمایندگان مورد بحث و بررسی مفصل قرار گرفت و بدین ترتیب تأیید کلیه احزاب موجود در پارلمان را به دست آورد.¹¹¹ همچنین معاهده منعقد شده بین دوازده کشور عضو جامعه اروپایی در 1985 به نام سند واحد اروپایی¹¹² بدون تصویب پارلمان انگلیس فقط جزء اسناد Command paper در پارلمان منتشر و سپس لازم الاجرا گردید.¹¹³

111. Treaty Series n^o 3 (1963) (Cmnd. 1976)

رک. به مقاله D.Lasok تحت عنوان The Concord Agreement در مجله Law Journal مورخ 12 فوریه 1964.

112. Single European Act.

113. رک. به سالنامه بریتانیایی حقوق بین‌الملل B.Y.I.L. در سال 1986، ص 556. در این مورد یکی از اعضای مجلس لردها به اقدام وزارت امور خارجه انگلیس انتقاد نموده و اظهار داشته است: «امضای مترادف تصویب نیست. تصویب اقدام جداگانه‌ای است که طبق قوانین اساسی انگلیس چنانچه وضع قانون لازم باشد تصویب معاهده پس از وضع آن

ج - سومین ضابطه در حقوق انگلیس برای مداخله پارلمان در تدوین معاهدات بین‌المللی، ضرورت وضع قانون برای اجرای معاهده‌ای است که تغییراتی را در سیستم قانونی انگلیس ایجاد نماید. از نظر حقوق اساسی انگلیس یک معاهده ممکن است در روابط خارجی و بین‌المللی برای انگلیس معتبر و لازم‌الاجرا باشد، ولی از نظر داخلی فاقد اعتبار قانونی محسوب شود. بنابه گفته یکی از قضات معروف انگلیس «لرد آنکین»، انعقاد یک معاهده بین‌المللی در انگلیس اصولاً در صلاحیت قوه مجریه است، ولی انجام التزامات ناشی از معاهدات در انگلیس اگر سبب تغییر در قوانین داخلی شود نیاز به تصویب یک

انجام می‌شود و این معاهده یکی از آن موارد است». وزیر خارجه انگلیس در پاسخ کتبی مورخ 14 آوریل 1986 اعلام نموده که تصویب معاهدت از وظایف و حقوق وزیر امور خارجه است؛ چون طبق رویه جدید بعد از 1924، سند واحد اروپایی به پارلمان ارائه شده و دولت برای بحث درباره آن همه نوع آمادگی را اعلام نموده است. همچنین در پاسخ به سؤال دیگری در این زمینه وزیر خارجه انگلیس در تاریخ 20 ژوئن 1986 تصریح نموده است: «تصمیم متخذه در جلسه وزرای امور خارجه دوازده کشور عضو جامعه اروپایی در 1985 نسبت به مبادرت به امضای سند واحد اروپایی معاهده‌ای نیست که نیاز به تصویب پارلمان داشته باشد». (سالنامه بریتانیایی حقوق بین‌الملل، سال 1986، ص 496 و 497).

قانون در پارلمان دارد.¹¹⁴ البته در سیستم حکومتی انگلیس اختلاف نظر میان قوه مجریه و قوه مقننه در تأیید معاهده یک احتمال فرضی بیش نیست؛ چون اصولاً حزبی که در مجلس عوام اکثریت آرا را به دست می‌آورد، تشکیل کابینه می‌دهد و حکومت را به مدت پنج سال در اختیار دارد. از طرف دیگر مجلس لردها نیز نفوذ چندانی در این زمینه نمی‌تواند داشته باشد؛ چون طبق قانونی که در سال 1911 تصویب گردید مجلس لردها فقط واجد حق وتویی است که موجب تعویق در اجرای اینگونه تصمیمات می‌شود.¹¹⁵ بدین جهت بسیار بعید است که یک معاهده پس از اینکه از طرف قوه مجریه مورد تأیید قرار گرفت به لحاظ مخالفت قوه مقننه لازم‌الاجرا نشود. اگر چنین واقعه‌ای اتفاق بیفتد معلوم می‌شود که دولت مورد تأیید اکثریت پارلمان نیست؛ بنابراین یا باید استعفا دهد یا اعلام نماید که معاهده غیرقابل اجرا است و نتیجتاً تبعات آن در روابط بین‌المللی را نیز متحمل بشود.

114. A-G for Canda v. A-G for Ontario (1937) A.C. 326 (347).

115. Paliament Act, 1911.

اکنون باید دید در چه مواردی برای اجرای داخلی یک معاهده بین‌المللی نیاز به تنظیم یک لایحه قانونی و تصویب آن در پارلمان انگلیس دارد.

در درجه اول باید از معاهداتی نام برد که موجب تغییر در حقوق داخلی انگلیس می‌شوند. علاوه بر مثالی که در مورد موافقتنامه بازرگانی انگلیس و پرتغال فوقاً بیان شد، می‌توان مهمترین نمونه آن را معاهده 1876 بلژیک و انگلیس شمرد که برای لجنه‌های پستی بلژیک همان مصونیتی را به رسمیت می‌شناسد که کشتیهای جنگی دارا هستند. در دعوایی که به نام پارلمان بلژیک¹¹⁶ در رویه قضایی انگلیس شهرت یافته است¹¹⁷ دادگاه عالی انگلیس به ریاست سر رابرت فیلمور رأی داد که پادشاه (یعنی قوه مجریه) صلاحیت محدود نمودن حقوق یک تبعه انگلیس را در درخواست جبران خسارت از دولت بلژیک برای غرق قایق متعلق به وی به وسیله یک لجنه پستی بلژیک ندارد. هرچند این رأی به دلیل دیگری در دادگاه استیناف نقض

116 . (1879) 4, P.D. 129.

117. British international cases, Vol. 3, London, 1965, pp. 305-334.

می‌شود¹¹⁸ ولی این استدلال از آن زمان همواره به‌عنوان رویه قضایی انگلیس لازم‌الاتباع شناخته شده است و بنابراین هر معاهده‌ای که موجب تقلیل یا سلب حقوق شهروندان گردد، لازم‌الاجرا شدن آن در داخل کشور موکول به وضع یک مصوبه قانونی است.¹¹⁹

در درجه دوم معاهداتی که نیاز به وضع قانون مستقل در پارلمان دارند آنهایی هستند که مفاد آنها سبب افزایش صلاحیتهای پادشاه (یعنی قوه مجریه) شود. گروه سوم نیز معاهداتی هستند که تعهدات اقتصادی یا مالی برای کشور ایجاد نمایند، که در این صورت لازم‌الاجرا شدن آنها نیاز به وضع قانون و الحاقیه‌ای بر بودجه کل کشور خواهد داشت.

و بالاخره در نوع چهارم، معاهداتی را که باید ذکر کرد موضوع آنها انتقال قسمتی از سرزمین دولت انگلیس به دولت دیگری باشد که پس از تدوین و تصویب یک

118. (1880) 5. P.A. 197.

119. مک‌نایر: حقوق معاهدات، ط آکسفورد، 1961، ص 84.

قانون، در داخل انگلیس اعتبار اجرایی پیدا نماید.¹²⁰

نمونه چهارم: تصویب معاهدات در سویس

قانون اساسی سویس مورخ 29 مه 1874 (اصل 85، بند 5) تصویب «پیمانها و معاهدات آنها [را] که با کشورهای خارجی منعقد می‌شوند» در صلاحیت پارلمان سویس قرار داده است. مع ذلك حقوق اساسی این کشور تفسیر مضیقی از این عبارت نموده است.

اولاً، آن دسته از توافقی‌های بین‌المللی به‌عنوان معاهده رسمی تلقی شده و نیاز به تصویب پارلمان دارد که تعهدات مشخصی را برای سویس ایجاد نماید.¹²¹ بنابراین تنظیم و

120. مک نایر، همان مرجع، همانجا.

121. به همین دلیل است که کنوانسیون به اعلام سریع یک سانحه هسته‌ای را که در 26 سپتامبر 1986 در هشتمین اجلاس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای تنظیم گردیده (متن آن در مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، ط پاریس 1987، دفتر دوم، ص 769-779 چاپ شده است) سویس در همان روز امضا و پس از یک ماه برایش لازم‌الاجرا شده (رک. به جدول ص 779 همان مرجع)، در حالی‌که برای کشورهای دیگر که باید علاوه بر امضا، آن را به تصویب نیز برسانند، تاریخ تصویب ملاک قرار گرفته است مانند شوروی، دانمارک، فنلاند، مجارستان و غیره. ایران فقط تاکنون آن را امضا کرده است.

موافقتنامه‌ای که هیچ‌گونه تکلیف جدیدی برای سویس ایجاد نمی‌نماید یا منحصرأً حقوقی را برای سویس دربردارد و یا آن کشور را از تعهداتی که در گذشته برعهده‌اش گذارده شده است، آزاد می‌سازد، ضرورتی به تصویب در مجمع فدرال¹²² ندارد.¹²³ مع ذلك اگر معاهده‌ای برای اتباع بیگانه حقوق ناشی از بخشنامه‌های اداری را تثبیت و قانونگذار سویس را ملزم به رعایت آنها بنماید (مثلاً معاهده مربوط به اقامت و تجارت بیگانگان)، اعتبار آن منوط به تصویب پارلمان است.¹²⁴

122. Assemblée Fédérale.

123. ر.ک. به Répertoire Suisse de dr. int. pub طبع سویس (بال) اداره سیاسی فدرال وزارت امور خارجه 1974، ج 1، ص 45 و 46: «طبق دکترین و رویه‌ای که از دهها سال پیش معمول می‌باشد تنها موردی که یک معاهده بین‌المللی به تصویب مجمع فدرال نیاز ندارد موقعی است که آن معاهده برای سویس فقط حقوقی را ایجاد کند و بدون آنکه تکالیفی بر آن کشور تحمیل نماید، مانند موافقتنامه تأسیس دفاتر فرعی گمرکی سویس در سرزمین «بادوا» مورخ 1896، یا موافقتنامه بین سویس و آلمان راجع به الحاق منطقه گمرکی «ژستن» به گمرک آلمان مورخ 1935، یا ترتیبات بین‌المللی (arrangements) برای یکسان نمودن کاربرد مواد مخدر در «لادوها» مورخ اوت 1929، یا پروتکل 20 مه 1952 آن که چون مندرجات آنها تعارضی با صلاحیتهای دولت سویس ندارد، تصویب پارلمان ضروری نیست». (همان کتاب، ص 42).

124. مانند معاهده اقامت و تجارت سویس با آلبانی مورخ دسامبر 1929 که طبق نظریه وزارت دادگستری سویس (برخلاف

ثانیاً، پارلمان می‌تواند تصویب معاهدات را به‌طور عام یا به‌صورت خاص به شورای وزیران¹²⁵ وکالت داده و به آن شورا واگذار نماید.¹²⁶ و¹²⁷

ثالثاً، در مسائل جزئی و مواردی که به نام موافقتنامه‌های اداری و اجرایی خوانده می‌شود، شورای وزیران می‌تواند مستقیماً موافقتنامه را به تصویب

نظر وزارت امور خارجه) لازم دانسته شده که به تصویب پارلمان سویس برسد (همان مرجع Répertoire، ج 4، شماره 1015، ص 28 و 29).

125. Conseil Fédérale.

126. نظریه بخش قضایی شورای فدرال مورخ 30 سپتامبر 1932 (همان مرجع، ج 1، ص 69، شماره 1/35):

"law remise de déclarations sous forme d'un échange de notes sans approbation du parlement suffit lorsqu'exceptionnellement, notre pays n'acquiert que des droits en adhérant à un accord ou lorsque le conseil fédéral a été autorisé par l'assemblée fédérale à conclure de conventions avec d'autres Etats dans un domaine déterminé, ou finalement lorsque les deux parties contractants considèrent que l'objet de leur déclaration existe déjà en droit et auelles n'assurent donc pas une nouvelle obligation".

127. رك. به نظریه P. Longos مورخ دسامبر 1931 مندرج همان Répertoire، ج 1، ص 68، شماره 1/34: «راه‌حلی که می‌توان برای انعقاد موافقتنامه با فرانسه در پیش گرفت این است که شورای وزیران برای مجمع فدرال گزارشی در مورد رئوس اساسی این مذاکرات تهیه کرده و از پارلمان قبلاً برای انعقاد معاهده با فرانسه کسب اجازه نماید. Burkardt در شرح قانون اساسی سویس (Kommentar) (چاپ دوم، ص 691، بند سوم) این رویه را مورد تأیید قرار داده است». این رویه در ایران به هنگام انعقاد بیانیه الجزایر با دولت ایالات متحده آمریکا در تاریخ 1359/10/12 نیز اجرا شده است. رك. به «مجله حقوقی» شماره 7، ص 150، متن بیانیه‌های الجزایر در شماره اول «مجله حقوقی»، ص 240 به بعد چاپ شده است.

111 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

برسانند. في المثل توافقي که براي اتباع خارجي جبران خسارات ناشي از سوانح را به وسيله بيمه هاي اجتماعي سويس همانند اتباع سويس قائل شود بايد به صورت معاهده رسمي، يعني پس از تصويب پارلمان، با کشور خارجي برقرار گردد. برعکس، توافقيهاي که با دولتهاي غيرعضو کنوانسيون ژنو 1925 (راجع به تساوي شرايط در استفاده از بيمه هاي اجتماعي) براي اجراي کنوانسيون نسبت به آنها منعقد ميشود نيازي به تصويب پارلمان ندارد.¹²⁸

رابعاً، در موارد فوري و يا ضروري، يك موافقتنامه مي تواند رأساً با تصويب قوه مجريه لازم الاجرا گردد مشروط بر اينکه آثار آن لااقل موقتي باشد.¹²⁹

128. مانند تبادل يادداشت بين دولت سويس و دولت ليختنشتاين در زمينه بيمه هاي اجتماعي مندرج در همان مرجع (ج 1، شماره 1/35، ص 69). در مورد تقسيم صلاحيتهاي انعقاد معاهده بين دولت مركزي و ايالتهاي فدرال در سويس و ساير كشورهاي مشابه (كانادا، امريكا و غيره) ر.ك. به كتاب:

Component Units of Federal States and International Agreements: Dr. Luigi Di Marzo (Sijhoff and Noordhoff, The Hague, 1980), p. 35.

129. همام مرجع، ج 1، ص 67: «مجمع فدرال اين را پذيرفته است که در موارد ضروري، شوراي وزيران فدرال مي توان به اعتبار صلاحيت خویش موافقتنامه هاي بين المللي

در سالهاي اخير نظارت پارلمان سويس در انعقاد معاهدات افزايش يافته و حتي در پاره اي موارد از تصويب موافقتنامه اي که با کشور خارجي منعقد شده امتناع ورزیده است.¹³⁰

خصوصيت ديگري که در نظام حقوقي سويس وجود دارد لزوم تصويب پاره اي از معاهدات بين المللي از طريق همه پرسی همگاني است. طبق اصلاحاتي که در سال 1921 در قانون اساسي سويس انجام پذيرفت، معاهدات بين المللي که براي مدت نامعين يا بيش از پانزده سال منعقد مي گردد، بنابه درخواست هشت کانتون يا سي هزار نفر از اتباع سويس به همه پرسی عمومي گذارده خواهد شد. البته تاکنون فقط دو معاهده به فراندم گذارده شده است که نخستين آنها معاهده مورخ 7 اوت 1921 راجع به لغو مناطق آزاد گمرکي بين سويس و فرانسه بود که در فوریه 1923 همه پرسی در مورد آن برگزار گردید و با

را منعقد نمايد به شرط اينکه حداقل آثار موقت داشته باشند».

130. مانند تصميم مورخ 13 دسامبر 1984 شوراي ملي سويس راجع به امتناع تصويب موافقتنامه 1983 راجع به خودداري از اخذ ماليات مضاعف (مجله عمومي حقوق بين الملل عمومي، 1985، ص 155).

تنظيم معاهدات بين المللي... ❖ 113

اکثریت مطلق آرا مردود اعلام شد، و دیگری معاهده مورخ 27 مه 1957 بین سویس و ایتالیا درباره استفاده از نیروی هیدرولیک اسپول بود که به تصویب آرای عمومی مردم سویس رسید.¹³¹

2

تصویب معاهدات در کشورهای امریکایی

در کشورهای امریکایی (شمالی، مرکزی و جنوبی) تصویب معاهدات عموماً در صلاحیت شخص رئیس جمهور است و بدین لحاظ اینگونه کشورها را دارای «سیستم ریاست جمهوری»¹³² می‌شناسند. نمونه ویژه‌ای از آن با ترکیبی از سیستم پارلمانی را می‌توان شناسایی نمود که ایالات متحده امریکا است و ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

تصویب معاهدات در ایالات متحده امریکا

طبق بند 2 ماده 2 قانون اساسی فدرال امریکا مورخ 17 سپتامبر 1787: «رئیس

131. ر.ک. به شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، ج 1، ص 98، شماره 74.

132. Régime Preidentiel.

جمهور صلاحیت دارد با نظر و توافق سنا معاهدات را منعقد نماید مشروط بر اینکه اکثریت $2/3$ سناتورهای حاضر در جلسه به این معاهدات رأی داده باشند». بدین ترتیب، در حقوق امریکا تصویب معاهدات برعهده رئیس قوه مجریه است، ولی الزاماً باید موافقت سنا را نیز کسب نماید. از طرف دیگر، مداخله سنا در لازم الاجرا شدن معاهدات تنها منحصر به اظهارنظر و تأیید و تصویب آنها نیست، بلکه حتی در مرحله تنظیم معاهده و به طور کلی «نیروی معاهده سازی»¹³³ باید آن را همپراز رئیس جمهور تلقی کرد. به عبارت دیگر، هر دو با مشارکت یکدیگر اراده حکومت را در انعقاد و تصویب معاهدات بیان می نمایند. در واقع، ماده 2 (بند 2) فوق از قانون اساسی امریکا مربوط به سیستم حکومت فدرالی و دخالت ایالت‌های مختلف آن در تصمیم‌گیری‌های سنا و ریاست جمهوری است؛ اما در شرایط فعلی به دست آوردن اکثریت $2/3$ آرا برای تصویب یک معاهده بین‌المللی بسیار دشوار است، به ویژه هرگاه رئیس جمهور متعلق به حزبی باشد که واجد

133. Treaty Making Power.

اکثریت در سنا نیست. در گذشته در پاره‌ای موارد يك معاهده بین‌المللی مهم مانند معاهده ورسای که پس از جنگ جهانی اول متضمن اساسنامه جامعه ملل بود با مخالفت سنا مواجه گردید و نتیجتاً به تصویب امریکا نرسید. این رویه سبب گردید که نه تنها رئیس‌جمهور در بسیاری از مسائل مربوط به سیاست خارجی با سنا هماهنگی و مشورت نماید، بلکه - چنانکه در صفحات آینده خواهد آمد - طرق دیگری غیر از تصویب به نامهای قبولی (پذیرش) یا تأیید و غیره برای لازم‌الاتباع شدن معاهدات بین‌المللی رایج گردد.

به‌طور خلاصه چون تصویب کلیه معاهدات توسط سنا مشکلاتی را در گذشته به‌وجود می‌آورد، لذا از دهها سال قبل در امریکا چنین معمول شده است که توافقیهای بین‌المللی غیر از معاهدات رسمی را به‌عنوان موافقتنامه‌های اجرایی (معادل تفاهم‌نامه) تلقی نموده و تصویب آنها را در صلاحیت رئیس‌جمهور بشناسند. بدین‌ترتیب، طبق حقوق اساسی امریکا توافقیهای بین‌المللی که ذیلاً آورده می‌شود صرفاً «موافقتنامه‌های اجرایی» محسوب شده

و لذا نيازي به تصويب سنا ندارد؛ از اين قبيل است موافقتنامه‌هاي راجع به مسائل نظامي (مانند موافقتنامه‌هاي آتشبس در جنگ)، موافقتنامه‌هاي موقتي و يا مقدماتي كه براي معاهدات دائمي تدوين مي‌شود، موافقتنامه‌هاي حل و فصل دعاوي بين اتباع امريكايي و كشورهاي خارجي،¹³⁴ موافقتنامه‌هاي مربوط به نحوه اجراي شناسايي دولتها و يا كشورهاي جديد و بالاخره موافقتنامه‌هايي كه در اجراي يك قانون مصوب كنگره منعقد مي‌شود.¹³⁵

به‌طور خلاصه در مدت 155 سال بين تاسيس دولت ايالات متحده تا پايان جنگ دوم جهاني، 845 معاهده بين‌المللي پس از تصويب سنا لازم‌الاجرا شده ولي در همان مدت 1492 موافقتنامه اجرايي فقط با

134. مانند بيانيه الجزاير (بيانيه عمومي دولت جمهوري دموكراتيک و مردمی الجزاير و بيانيه درباره حل و فصل ادعاها توسط امريكا و ايران) مورخ 19 ژانويه 1981 مندرج در «مجله حقوقي» شماره اول، زمستان 63، ص 240 به بعد.

135. مانند موافقتنامه‌هاي پستي كه از سال 1792 و نيز موافقتنامه‌هاي گمركي كه از سال 1934 منعقد شده است و همچنين موافقتنامه‌هاي كمك نظامي براي دفاع مشترك از سال 1949 به بعد و موافقتنامه‌هاي کاربرد صلح‌آمیز نيروي هسته‌اي از سال 1954 به بعد.

امضای رئیس جمهور اعتبار قانون یافته است.

پس از جنگ دوم جهانی تا به امروز کوششهای فراوانی برای محدود نمودن قدرت رئیس جمهور در انعقاد موافقتنامه‌های اجرایی¹³⁶ به عمل آمده است. هدف از این اقدامات ملزم نمودن قوه مجریه برای ارائه موافقتنامه‌های اجرایی به کنگره و کسب موافقت قبلی برای تصویب آنها بوده، ولی این تلاشها تاکنون قرین موفقیت نبوده است.¹³⁷

در وضع کنونی بر اثر اشکال تراشیهایی که سنا در تصویب کنوانسیونهای مختلف و حتی نسبت به آنهایی که کشورهای زیادی در جهان به آنها ملتزم شده‌اند - مانند کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) مورخ 9 دسامبر 1948¹³⁸ اکثریت عمده

136. Executive agreements.

137. اصلاحیه Bricker که ابتدائاً در تاریخ 14 سپتامبر 1951 به کنگره تقدیم شده بود در نهایت در تاریخ 26 فوریه 1954 با تفاوت يك رأی به تصویب اکثریت سنا نرسید و رد شد. مشابه این طرح بعداً نیز ارائه گردید، ولی رأی کافی به دست نیاورد.

138. سناي امريکا در تاريخ 10 اکتبر 1984 از اعطاي اجازه براي تصویب کنوانسیون جلوگیری از کشتار دسته جمعی (ژنوسید) به بهانه اینکه موجب دخالت سایر کشورها

موافقتنامه‌های بین‌المللی به صورت اجرایی تنظیم شده و سپس با امضای رئیس جمهور قدرت قانونی پیدا می‌نماید.

از طرف دیگر، در مواردی هم که سنا موافق با تصویب یک معاهده بین‌المللی است، موافقت خود را بعضاً مقید و مشروط اعلام می‌دارد؛ از این قبیل است تصویب معاهداتی که در 7 سپتامبر 1972 با پاناما به امضا رسیده بود. سناي امریکا موافقت خود را که در 16 مارس و 18 آوریل 1978 اعلام نموده بود، ملحق به اصلاحات، شروط و قیود و نیز تفاسیری از متن معاهدات کرده است، و بدین لحاظ در پروتکل مبادله اسناد تصویب آن بین پاناما و امریکا قید گردیده که مندرجات معاهدات مصوبه در چارچوب شرایط مندرج در نظریات سنا لازم‌الاجرا می‌باشد. همچنین علاوه بر معاهده مودت اسپانیا و امریکا

در امور داخلی امریکا می‌شود، امتناع نمود و فقط به پیشنهاد **هوارد بیکر** رئیس گروه جمهوریخواهان قطعنامه‌ای صادر نمود که اصول کنوانسیون مذکور را مورد تأیید قرار داده است (گزارش **پروفیسور شارل روسو** در مجله عمومی **حقوق بین‌الملل عمومی**، ط پاریس، 1985، ص 428). این کنوانسیون در ایران در تاریخ 30 آذر 1334 به تصویب مجلس رسیده است (مجموعه **قراردادهای بین‌المللی چندانبه ایران**، ص 287).

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 119

که قبلاً از آن سخن رفته است¹³⁹ در معاهده
سالت-2 که در زمان حکومت کارتر بین
امریکا و شوروی به امضا رسید نیز سنای
امریکا سه نوع قیود و شروط را به همگان
تصویب بدان ملحق نمود که برخی از آنها
نیازی به ابلاغ رسمی به شوروی به عنوان
طرف معاهده نداشت؛ ولی برخی دیگر فقط
به شوروی ابلاغ می‌شد و آخرین قسمت این
نوع قیود و شروط باید علاوه بر ابلاغ،
مورد موافقت روسها نیز قرار گیرد.¹⁴⁰
این معاهده با انتخاب ریگان در 1981
متوقف گردید.

عنوان دوم نحوه تصویب معاهدات در سازمانهای بین‌المللی

الف - انعقاد معاهده توسط سازمانهای بین‌المللی

صلاحیت انعقاد معاهده توسط یک
سازمان بین‌المللی اصولاً در ضوابط
تشکیلاتی و مقررات سازمانی آن پیش‌بینی

139. رك. «مجلة حقوقي»، شماره 7، ص 179 (قسمت دوم این
مقاله).

140. Michael J. Glennan: "The senate role in treaty ralification" A.J.I.L. 1983, p. 257.

می‌شود؛ بنابراین برخلاف معاهدات بین دولتها در مورد سازمانهای بین‌المللی نمی‌توان علی‌القاعده به «قدرت ظاهری» مسئولان آن (یعنی دبیرکل یا مدیرکل یا... سازمان بین‌المللی مربوط) برای انعقاد موافقتنامه‌ها استناد نمود.¹⁴¹ به همین لحاظ ماده 6 کنوانسیون وین مورخ 21 مارس 1986 درباره حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی یا بین سازمانهای بین‌المللی مقرر می‌دارد: «صلاحیت یک سازمان بین‌المللی برای انعقاد معاهده، برطبق ضوابط سازمان مذکور می‌باشد». بنابراین رعایت دقیق مندرجات اساسنامه سازمان بین‌المللی، چه در مرحله امضای ابتدایی معاهده و چه در مرحله تأیید و تصویب آن، توسط مراجع و یا مقامات صلاحیتدار ضروری می‌باشد.¹⁴²

141. Pildis: La capacité de conclure des traités Internationaux des organisations internationales (Paris 1952). Kasme: La capacité de l'organisation des Nations-Unies de clure des traités internationaux (Paris 1960).

142. حتی کنوانسیون وین 1986 درباره معاهدات بین سازمانهای بین‌المللی در بند 2 ماده 84 مقرر داشته که «سند الحاق یک سازمان بین‌المللی [به این کنوانسیون] باید حاوی اعلامیه‌ای باشد که در آن صلاحیت سازمان مذکور برای انعقاد معاهده مورد گواهی قرار گرفته است».

❖ 121 تنظیم معاهدات بین‌المللی...

اما در مورد اینکه چه مقاماتی در سازمان بین‌المللی معمولاً صلاحیت انعقاد معاهده را دارا هستند، این امر مورد بحث و گفتگو بسیار قرار گرفته به نحوی که مشکل است بتوان برای تعیین مقامی که واجد صلاحیت برای انعقاد قطعی و کامل معاهده می‌باشد و به اصطلاح «قدرت معاهده‌سازی» را دارا است قواعد کلی به دست داد. شکی نیست که مجمع عمومی¹⁴³ در اکثر سازمانهای بین‌المللی کلاسیک چنین قدرتی را حائز است. حتی به نظر دوپویی، حقوقدان فرانسوی، اگر مقام و یا مرجع دیگر در سازمان بین‌المللی، صالح برای انعقاد نهایی معاهده باشد، مقام مزبور در واقع به نمایندگی از مجمع عمومی به چنین کاری مبادرت می‌ورزد.¹⁴⁴

در گزارش پرفسور بریرلی در مورد تدوین کنوانسیون حقوق معاهدات سازمانهای بین‌المللی، ذیل ماده 4 بند 3 آن خاطر نشان شده است که در صورت سکوت اساسنامه سازمان بین‌المللی، اصل و قاعده براین است که مجمع عمومی، صالح

143. Plenary organ.

144. Depuy, "Le Droit des relations entre les organisations internationales, Recueil des cours de la Haye, 1960-II, pp. 502-3.

برای انعقاد معاهده محسوب می‌شود.¹⁴⁵ نویسندگان معتقدند که حتی اگر مجمع عمومی یک سازمان بین‌المللی اختیار انعقاد معاهده را به مقام دیگری واگذار نماید، وی بعداً می‌تواند معاهده منعقد شده را مورد تأیید قرار داده و لازم‌الاجرا گرداند یا آن را رد نماید.¹⁴⁶

در عین حال باید توجه داشت که قاعده فوق‌الذکر که به موجب آن مجمع عمومی علی‌الاصول واجد صلاحیت برای انعقاد معاهده محسوب می‌شود، در مواردی که مقام دیگری در سازمان بین‌المللی صاحب اقتدار بیشتری باشد، قابل اجرا نخواهد بود. مثالی که از جامعه اروپایی زغال سنگ و فولاد آورده می‌شد تقابل میان شورایی وزیران و هیئت عالی بود که بعضی از نویسندگان را بر آن داشته بود که هر دو را واجد صلاحیت برای انعقاد بدانند؛ منتهی قلمرو صلاحیت هر یک را در زمینه خاص خود کافی می‌دانستند.¹⁴⁷ در مورد سازمان ملل متحد، شورایی امنیت برای انعقاد معاهده در مواردی که «برای حفظ

145. Pr. Brierly, Report on the Law of Treaties, A/CN/4/23, p. 46.

146. Dapuy, op.cit., p. 503.

147. Reuter, Institutes internationales, (Paris, 1956), p. 321.

صلح، اتخاذ ضوابط ضروري» لازم تشخیص داده شده باشد، صالح شناخته شده است؛¹⁴⁸ در حالی که قاعده اصلي، صلاحیت مجمع عمومي براي انعقاد معاهده بين سازمان ملل متحد با يك کشور یا يك سازمان بين المللي می باشد، همچنان که در مورد استقرار نیروهاي سازمان ملل در مصر ذیلاً بدان اشاره خواهد رفت.

بنابراین طبق نظریه مورد بحث که به نام صلاحیتهای «متوازي» یا «متعدد»¹⁴⁹ خوانده شده است صلاحیت انعقاد معاهده اختصاص به يك مرجع معین در سازمان بین المللي ندارد، بلکه برحسب اساسنامه سازمان مذکور ممکن است هر يك از مراجع مختلف در زمینه های خاصي چنین صلاحیتهای را اختصاصاً واجد باشند. اشکالی که براین رویه ممکن است وارد باشد این است که بر اثر عدم هماهنگی بين مراجع مختلف سازمان بین المللي، مشکلاتی ایجاد خواهد شد و بدین جهت، مرجع اجرایی، صالح شناخته نشود.

148. Pilidis, La capacité de conclure des traité internationaux des organisation internationales, (Paris 1952), p. 152.

149. Parallél et pluraliome.

صلاحیت انعقاد معاهده توسط مقام اجرایی، یعنی دبیرخانه یک سازمان بین‌المللی، به‌عنوان یک حالت استثنایی شناخته شده است. به‌جز پاره‌ای از اساسنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی (مانند ماده 33 اساسنامه سازمان بهداشت جهانی)¹⁵⁰ خاصاً چنین اختیاری به دبیرکل داده نمی‌شود. همچنین ممکن است موافقتنامه‌های اجرایی در مسائل فنی بین مسئولان اداری سازمان بین‌المللی از یک طرف و مقامات اجرایی یک کشور یا سازمان بین‌المللی از طرف دیگر به امضا برسد¹⁵¹ که البته این رویه نمی‌تواند سازمان بین‌المللی را به‌عنوان یک شخصیت حقوقی، متعهد نماید بلکه فقط مرجع مسئول را ملتزم خواهد نمود.

ب - مراحل مختلف

معمولاً در مرحله تنظیم معاهده، مسئولان اجرایی یک سازمان بین‌المللی، یعنی دبیرکل، باید قبلاً از مرجع عالی یا

150. رك. به قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 243.

151. Depuy, "Le Droit des relations entre les Organisations internationales" Recueil des cours, de la Haye, 1960-II, p. 513.

هیئت عمومی سازمان مذکور برای مذاکره و انعقاد معاهده کسب اجاز نماید، و در مرحله دوم پس از تهیه معاهده آن را به تأیید و تصدیق هیئت عمومی برساند. بدین ترتیب، هیئت عمومی سازمان بین‌المللی نظارت بر معاهده‌ای را که توسط مسئولان اجرایی با یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی منعقد شده است در دو مرحله اعمال می‌نماید: نخست از طریق تفویض اختیار به دبیرکل یا مسئولان اجرایی، و دوم از طریق تأیید بعدی آن پس از امضای مقام اجرایی. مع ذلك پاره‌ای از نویسندگان معتقدند که در اکثر موارد، اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی یکی از دو روش فوق را انتخاب، و نظارت بر انعقاد معاهده را فقط در یک مرحله اعمال می‌نماید. به عبارت دیگر، اساسنامه‌ها ممکن است یا اجازه قبلی مجمع عمومی را برای انعقاد معاهده کافی بدانند و یا تأیید بعدی امضای دبیرکل را. طبق این نظریه به ندرت می‌توان دو نظارت، یکی قبل و دیگری بعد، را ملاحظه نمود.¹⁵² مع ذلك چنانکه در صفحات آینده

152. T.I.H. Detter: The organs of international organisation exercising their treaty-making

خواهیم دید نظارت مقامات عالییه سازمانهای بین‌المللی همواره در عمل و در قانون، هم در مرحله تفویض اختیار به دبیرکل اعمال می‌شود و هم در مرحله تصدیق نهایی آن.

بدین لحاظ تقریباً اکثریت اساسنامه‌های سازمانهای بین‌المللی لزوم ارائه موافقتنامه‌های منعقدہ را برای تصدیق مقام عالی سازمان بین‌المللی ضروری می‌دانند، چنانکه در صفحات آینده از آن سخن خواهیم گفت.

در پاره‌ای از موارد، تنظیم موافقتنامه بین یک دولت و سازمان بین‌المللی دارای مراحل متعدد و پیچیده‌ای است. در مورد موافقتنامه 1956 مصر و سازمان ملل متحد درباره حضور نیروهای سازمان ملل در مصر، مذاکرات منتهی به یک سند کتبی گردید که متعاقباً به تأیید دولت مصر و نیز تأیید دبیرکل سازمان ملل رسید و به لحاظ اینکه سازمان ملل به مفاد آن ملتزم گردد به نظر دبیرکل ضروری آمد که مجمع عمومی نیز موافقت خود را با سند مذکور اعلام

power, British Yearbook int. Law, 1963, p. 437.

نماید. بدین ترتیب، متن موافقتنامه فوق‌الذکر پس از طی سه مرحله لازم‌الاجرا گردید: نخست امضای متن توافق،¹⁵³ دوم تأیید دولت مصر، سوم تأیید به‌وسیله قطعنامه مجمع عمومی.¹⁵⁴

ج - تصدیق رسمی¹⁵⁵ معاهده در سازمان بین‌المللی

طبق کنوانسیون 1986 وین برای تأیید قطعی معاهدات در سازمانهای بین‌المللی باید سندی برای تصدیق رسمی آن معاهده صادر شود.¹⁵⁶ به‌موجب بند 2 ماده 24 کنوانسیون مذکور: «رضایت یک سازمان

153. به نام aide-mémoire.

154. S. Bastide: Les traités dans la internationale (conclusion et effets), Paris, Economica, p. 244 et 5.

155. Confirmation formelle.

156. استاد سوزان باستید در کتاب خود به نام Les traité dans la vie internationale (ط پاریس، 1985، ص 244) می‌نویسد که در کنوانسیون 1986 وین اصطلاحات جدیدی وضع گردیده است منجمله اصطلاح "acte de confirmation formelle" و آن را به‌عنوان اقدامی دانسته که مترادف تصویب توسط یک دولت است و به‌وسیله آن یک سازمان بین‌المللی در سطح بین‌المللی رضایت خود را به التزام به معاهده ابراز می‌دارد (ماده 2، بند 1 «ب»).

بين‌المللي براي التزام به يك معاهده در
شرایط زیر به صورت تصدیق رسمي ابراز
می‌شود:

الف - هرگاه معاهده پیش‌بینی نموده
باشد که چنین رضایتي به وسیله تصدیق رسمي
اعلام خواهد شد؛

ب - هرگاه به طریق دیگری احراز شود
که دولتها و سازمانهای بین‌المللي و یا
برحسب مورد سازمانهای شرکت‌کننده در
مذاکرات توافق نموده اند که يك سند
تصدیق رسمي ضروري است؛

ج - هرگاه نماینده سازمان مذکور
معاهده را به شرط تصدیق رسمي امضا
نموده باشد؛

د - هرگاه خواسته این سازمان از
اینکه امضا باید مشروط به تصدیق رسمي
باشد، از اعتبارنامه نماینده ای استنتاج
گردد یا در طول مذاکرات این امر اعلام
شده باشد».

قبل از تنظیم کنوانسیون 1986 وین
بین حقوقدانان درباره اینکه می‌توان از
کلمه «تصویب»¹⁵⁷ برای اعلام قطعی رضایت
یک سازمان بین‌المللي استفاده نمود،

157. Ratification.

اختلاف نظر وجود داشت. کمیسیون حقوق بین الملل چون کلمه مذکور را مربوط به رئیس کشور و پادشاه می دانست، آن را در مورد سازمانهای بین المللی نپذیرفت و بنابراین در مواد 11، 14 و 16 کنوانسیون 1986 وین «سند تصدیق رسمی» را جایگزین آن نمود.¹⁵⁸ بعضی از نمایندگان سازمانهای بین المللی (مانند «فائو» و بانک جهانی) این تبعیض را مورد انتقاد قرار دادند و از کاربرد کلمه «تصویب»

158. در کنوانسیون 1986 وین راجعه حقوق معاهدات بین سازمانهای بین المللی و دولتها در بند 2 ماده 11 در مورد اعلام رضایت نهایی یک سازمان بین المللی راجعه یک معاهده، همان رویه ها و اصطلاحات مذکور در بند یک راجعه دولتها و نیز در کنوانسیون 1969 (یعنی امضاء، مبادله اسناد تدوین یک معاهده، قبولی، تأیید، الحاق یا هر طریق دیگر مورد توافق) را نام برده و به علاوه از رویه دیگری به نام «سند تصدیق رسمی» اسم برده است که به منزله وسیله ای است که مقامات عالیله سازمان بین المللی - به شرحی که قبلاً بحث شد - تأیید نهایی خود را درباره انعقاد معاهده اعلام می نمایند. در ماده 2 همان کنوانسیون و جزو تعاریف، سند تصدیق رسمی اینگونه تعریف شده است: «منظور از عبارت «سند تصدیق رسمی»، یک سند بین المللی معادل سند تصویب دولت است که به آن وسیله یک سازمان بین المللی رضایت خود را در سطح بین المللی برای التزام به معاهده ابراز و تثبیت می نماید». (ماده 2، پاراگراف 1، بند «ب» ثانیاً) که متن فرانسه آن چنین است:

"l'expression "acta de confirmation formelle" s'entend d'acte international correspondant à celui de la ratification par un Etat et par legal organisation internationale établit sur le plan international son consentement à être liée par un traité".

در مورد سازمانهاي بين‌المللي دفاع نمودند. ولي کنفرانس ديپلماتيك به تبعیت از آنچه در کنوانسيون حقوق درياها در 1982 پذيرفته شده بود و نیز به‌عنوان تعديل کاربرد کلمه «اعتبارنامه کامل»¹⁵⁹ در ماده 7 که اصولاً در مورد کشورها به‌کار می‌رود (به‌جاي لفظ پيش‌نهادي «اقتدارات»¹⁶⁰ در خصوص سازمانهاي بين‌المللي) واژه جديد «سند تصدیق رسمي» را به‌جاي «تصویب» انتخاب نمود.¹⁶¹

این نکته شایان توجه است که واژه جديد «تصدیق رسمي» از آن پس در تدوین کنوانسيونهاي که مرتبط به سازمانهاي بين‌المللي می‌باشد به‌کار رفته است، مانند کنوانسيون سازمان ملل راجع‌به شرایط ثبت کشتيها ژنو 1986 (ماده 2، شق «د»). اما این اصطلاح جديد از نظر اجرايي براي سازمانهاي بين‌المللي هیچ‌گونه تأثيري ایجاد نخواهد کرد؛ چون از نظر تشریفات به همان‌گونه که در مورد

159. Pleins pouvoirs.

160. Pouvoirs.

161. Ph. Manin: La convention de vienne sur les accords entre Etats et organisations internationales ou entre organisations internationales, Ann. fr. olr. int. 1986, p. 454 sp. 463.

«تصویب» یا قطعیت معاهدات در سازمان بین‌المللی اقدام می‌شد، در مورد «تصدیق رسمی» نیز عمل خواهد شد.

از طرف دیگر، کنوانسیون 1986 وین هیچ‌گونه ضوابطی به دست نمی‌دهد تا بتوان مقاماتی را که برای تصدیق رسمی معاهده در یک سازمان بین‌المللی واجد صلاحیت می‌باشند، تعیین نمود و نیز حتی نمایندگی سازمان بین‌المللی برای مذاکره و امضای یک معاهده را مشخص ننموده است. چون این امر مربوط به نظام داخلی هر سازمان بین‌المللی است و تعیین چنین مقاماتی در مورد کشورها به وسیله قانون اساسی و سایر قوانین مشخص می‌شود، لذا در مورد سازمانهای بین‌المللی قاعده‌تاً اساسنامه آنها باید ضوابط روشنی را در این زمینه مشخص نماید. ذیلاً به مطالعه روش تصدیق معاهده در سازمانهای بین‌المللی مختلف می‌پردازیم (د) و به عنوان نمونه‌ای بارز و روشن، عملکرد جامعه اروپایی در تصویب معاهدات را مورد بررسی قرار می‌دهیم (ه).

د - وضعیت تصدیق رسمی در اساسنامه سازمانهای مختلف بین‌المللی

با بررسی پاره‌ای از اساسنامه سازمانهای بین‌المللی ملاحظه می‌شود که در اکثر موارد، لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه‌های منعقد شده توسط سازمانهای مذکور موکول به تأیید آنها از طرف مجمع عمومی آن سازمان بین‌المللی یا مراجع مشابه آن می‌باشد. مثلاً اساسنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در ماده 63 پیش‌بینی نموده است که «سازمانهای تخصصی می‌توانند با دولتها نسبت انعقاد موافقتنامه اقدام نمایند؛ ولی اعتبار این موافقتنامه‌ها منوط به تأیید مجمع عمومی است». همچنین اساسنامه سازمان خوار و بار و کشاورزی مقرر داشته است که سازمان مذکور می‌تواند با سازمانهای بین‌المللی عمومی دیگر موافقتنامه‌هایی برای تقسیم مسئولیتها نسبت به روشهای همکاری منعقد نماید (ماده 12). این موافقتنامه‌ها باید به وسیله کنفرانس که مجمع عمومی فائو محسوب می‌شود با «مقامات صالح» سازمان بین‌المللی دیگر منعقد گردند. از

طرف دیگر، دبیرکل سازمان فائو پس از کسب موافقت کنفرانس می‌تواند «با سازمانهای بین‌المللی عمومی برای انجام خدمات مشترک یا ترتیبات مشترک مرتبط با استخدام، کارآموزی، شرایط خدمات و مسائل مربوط دیگر و نیز جابجایی کارمندان مبادرت به انعقاد موافقتنامه نماید». ماده 13 همان اساسنامه مقرر می‌دارد که می‌توان بین فائو و سازمان ملل متحد ارتباط برقرار نمود که از آن به‌عنوان «ترتیبات»¹⁶² نام می‌برد و باید مورد تأیید کنفرانس قرار گیرد.

به همین نحو نیز سازمان بهداشت جهانی می‌تواند با سازمان ملل متحد یا سازمانهای دیگر بین‌المللی مبادرت به انعقاد موافقتنامه نماید. طبق مواد 69 و 70 اساسنامه آن، چنین موافقتنامه‌هایی باید به تأیید دوسوم آرای مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی برسد¹⁶³ و به همین لحاظ باید توسط دبیرکل سازمان مذاکره و سپس امضا شود و آنگاه به ترتیب فوق به تأیید مجمع عمومی آن نیز برسد.

162. Arrangements.

163. مجموعه قوانین 1327، ص 8 ط اول و ص 7 ط دوم.

در عین حال، طبق ماده 71 اساسنامه مذکور «سازمان در مسائلی که مربوط به صلاحیتش می‌باشد می‌تواند برای مشورت و همکاری با سازمانهای بین‌المللی غیردولتی و با کسب موافقت دولت مربوط، با سازمانهای ملی، دولتی یا غیردولتی ترتیبات لازمه را منعقد نماید». اما هیچ‌گونه توضیحی درباره چگونگی انعقاد این ترتیبات به دست نداده است.

همچنین ماده 11 اساسنامه سازمان یونسکو که راجع به انعقاد موافقتنامه با سایر سازمانهای بین‌المللی است، تصریح می‌کند که دبیرکل مبادرت به انعقاد موافقتنامه نموده و سپس آن را به تأیید هیئت اجرایی می‌رساند؛ به علاوه می‌تواند با سازمانهای بین‌المللی غیردولتی «ترتیبات» منعقد کند:

«1- سازمان می‌تواند با سازمانها و مؤسسات تخصصی بین‌الدول که کار و فعالیتشان سازگار با کار و فعالیت اوست همکاری کند. برای این منظور، دبیرکل می‌تواند تحت نظارت هیئت اجرایی مناسبات حقیقی با آن سازمانها و مؤسسات برقرار کند و کمیسیونهای مختلط را که برای

تأمین همکاری مؤثر لازم با شد، تشکیل دهد. هر موافقتنامه‌ای که با این سازمانها یا مؤسسات تخصصی بسته شود باید به تصویب هیئت اجرایی برسد».¹⁶⁴

اساسنامه پیشنهادی برای سازمان تجارت بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد در ماده 71 شبیه این قواعد را ذکر نموده است، بدین ترتیب که موافقتنامه‌ای که در ارتباط با سازمان ملل متحد تنظیم می‌شود «باید توسط دبیرکل انعقاد یابد و مورد تأیید کنفرانس (سازمان) واقع شود». اما در مورد سایر سازمانهای بین‌المللی که ارتباط با آنها توسط دبیرکل برقرار می‌شود، «ترتیبات رسمی برای همکاری»¹⁶⁵ به وسیله هیئت اجرایی منعقد می‌گردد. اگر کنفرانس و مقامات صالحه سازمان بین‌المللی دیگر معتقد باشند که سازمان تجارت بین‌المللی باید تکالیفی را از سازمان مربوط به خود

164. اساسنامه سازمان یونسکو مورخ 16 نوامبر 1945 مصوب 15 تیرماه 1327 مندرج در **مجموعه قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران**، گردآوری دکتر هدایتی، ص 240. متن انگلیسی در اسناد مربوط به یونسکو The Defense of peace بخش 1 انتشارات وزارت خارجه امریکا، شماره 2457، سال 1946، ص 20.

165. Federal arrangements for cooperation.

منتقل نماید «دبیرکل با کسب تأیید کنفرانس می‌تواند ترتیبات مورد قبول طرفین را تنظیم و برقرار سازد».

از این قبیل باز هم می‌توان ماده 64 معاهده تأسیس سازمان هواوردی بین‌المللی کشوری (ایکائو) را نام برد که طبق آن سازمان ایکائو می‌تواند «براساس رأی مجمع» با سازمان ملل متحد ترتیبات ضروری را منعقد نماید. ماده 65 آن مقرر می‌دارد: «شورا (ایکائو) به نمایندگی از طرف سازمان می‌تواند موافقتنامه‌هایی با سایر هیئت‌های بین‌المللی به منظور نگهداری سرویس‌های عمومی و اتخاذ ترتیباتی راجع به کارمندان منعقد نماید و همچنین با موافقت مجمع می‌تواند داخل هر ترتیبات دیگری که ممکن است موجبات تسهیل کار سازمان را فراهم سازد، بشود».¹⁶⁶ ممکن است متن پاره‌ای از معاهدات که بین سازمان بین‌المللی با یک یا چند کشور

166. کنوانسیون تأسیس سازمان هواپیمایی کشوری بین‌المللی مورخ 7 دسامبر 1944 مصوب 30 تیرماه 1328 مجلس شورای ملی (مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 184؛ مجموعه قوانین 1328، ص 145 ط اول و ص 102 ط دوم).

منعقد می‌شود، فقط تصویب آن را توسط کشورهای متعهد پیش‌بینی نموده باشد، چنان‌که ماده 43 منشور سازمان ملل متحد در مورد تشکیل نیروهای مسلح «حافظ صلح و امنیت بین‌المللی» مقرر می‌دارد که موافقتنامه منعقد بین شورای امنیت با کشورهای شرکت‌کننده در نیروهای مذکور باید طبق مقررات قوانین اساسی خود به تصویب برسد.¹⁶⁷ برعکس، در مورد موافقتنامه‌های قیمومت، مواد 83 و 85 منشور مقرر می‌دارد که متن آنها باید به تصویب شورای امنیت و مجمع عمومی برسد.¹⁶⁸

167. ماده 43 منشور ملل متحد: «3. مذاکرات مربوط به موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مزبور به ابتکار شورای امنیت هرچه زودتر صورت خواهد گرفت. این موافقتنامه‌ها بین شورای امنیت و اعضا یا بین شورای امنیت و گروه‌هایی از اعضا منعقد خواهد گردید و کشورهای امضاکننده باید آن را برطبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند».

168. ماده 83 منشور ملل متحد: «1. کلیه وظایف ملل متحد مربوط به مناطق سوق‌الجیشی منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح احتمالی آن توسط شورای امنیت انجام می‌شود...».

ماده 85 همان منشور: «1. وظایف ملل متحد در مورد قراردادهای قیمومت کلیه مناطقی که سوق‌الجیشی قلمداد نشده‌اند، منجمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح آن توسط مجمع عمومی انجام می‌شود...» (اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ج 1، تهران 1350، ص 48؛ مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 206).

ه - جامعه اروپایی و تصویب معاهدات

تنها سازمان بین‌المللی که تا اندازه‌ای به‌طور واضح نحوه تصویب معاهدات توسط مراجع مختلف آن مشخص می‌باشد، جامعه اروپایی است (EC). نحوه انعقاد معاهدات بین‌المللی بین آن سازمان و سایر کشورها یا سازمانهای بین‌المللی به تفصیل در اساسنامه جامعه، یعنی معاهده 1957 رم، پیش‌بینی شده است. طبق مقررات ماده 113 معاهده رم، کمیسیون اروپایی می‌تواند در زمینه روابط بازرگانی براساس ضوابطی که قبلاً به تأیید شورای وزیران جامعه اروپایی رسیده است¹⁶⁹ با کشورهای ثالث وارد مذاکره گردد¹⁷⁰ و پس از امضاء، متن آن

169. فی‌المثل کمیسیون اروپایی در مورد روابط بازرگانی با آمریکا در تاریخ 18 آوریل 1988 سند شماره Com 159/88 طرح اعطای اختیار و انجام مذاکرات را به شورای وزیران تقدیم نموده است.

170. از این قبیل است مصوبه شورای وزیران کشاورزی مورخ 16 و 17 مه 1988 در مورد روابط جامعه اروپایی با مراکش که طبق صورتجلسه منتشره آن چنین مقرر داشته است: «شورا نتیجه مذاکرات برای **موافقتنامه‌های** زیر را مورد تأیید قرار داد: - پروتکل الحاقی به موافقتنامه همکاری بین جامعه اقتصادی اروپایی و پادشاهی مراکش؛ پروتکل موافقتنامه بین جامعه فولاد و زغال سنگ و پادشاهی مراکش متعاقب الحاق اسپانیا و پرتغال به

باید به تصویب شورای وزیران برسد و بدین ترتیب معاهده منعقد می‌شود. به‌علاوه ماده 237 معاهده رم نیز در مورد انعقاد موافقتنامه‌های همکاری با کشورهای دیگر¹⁷¹ و ماده 235 در مورد حصول به اهداف جامعه اقتصادی اروپایی از طریق انعقاد موافقتنامه با ممالک دیگر همین رویه را بازگو می‌کند. از طرف دیگر، ماده 228 معاهده رم نیز تصریح می‌کند که طرح موافقتنامه‌ها نخست توسط کمیسیون اروپایی با کشورهای ثالث مورد مذاکره قرار گرفته و سپس شورای وزیران آن را تصویب و منعقد می‌نماید.¹⁷²

جامعه اروپایی؛ پروتکل مربوط به همکاری مالی و فنی بین جامعه و پادشاهی مراکش - و تصمیم به امضای اسناد مذکور گرفته و طبق ماده 238 معاهده رم از پارلمان اروپایی درخواست نظر موافق نموده است.»

171. پارلمان اروپایی به پیشنهاد کمیته سیاسی آن (سند شماره 2_2/87 الف مورخ 6 آوریل 1987 گزارش آقای پروت) از کمیسیون اروپایی خواسته است که با تفسیر موسع ماده 238 که تصویب موافقتنامه‌های «ایجادکننده یک همکاری مشترک» (créant une association) را منوط به موافقت پارلمان اروپایی می‌داند این حکم را شامل کلیه موافقتنامه‌های ساده همکاری (cooperation) نیز نموده و اینگونه موافقتنامه‌ها را باید به تأیید پارلمان اروپایی برسانند.

172. طبق نظر برخی از حقوقدانان (آنتونی پاری و استفارن هاردی کتاب EEC-Law چاپ لندن 1973، ص 435، بندهای 16-37) قدرت کمیسیون اروپایی برای انجام مذاکره جهت انعقاد معاهدات با کشورهای ثالث بسیار وسیع است؛ ولی

لازم به یادآوری است که وضعیت حقوقی جامعه اروپایی هنگام الحاق به هر کنوانسیون بین‌المللی، مستقل از کشورهای عضو خود می‌باشد و بنابراین حقوق و تکالیفی را که از الحاق به کنوانسیون ایجاد می‌شود، مستقیماً برعهده می‌گیرد،¹⁷³ اعم از اینکه کشورهای عضو جامعه اروپایی به کنوانسیون مورد نظر ملحق شده یا نشده باشند. مثلاً جامعه اروپایی مستقلاً کنوانسیون بین‌المللی درباره ساده و هماهنگ نمودن تشریفات گمرکی (کیوتو، 18 مه 1973) را در تاریخ 26 ژوئن 1974 مورد قبولی¹⁷⁴ قرارداد و طبق ماده 12 آن سه ماه بعد، یعنی در 26 سپتامبر 1974، نسبت

این امر باید با همکاری یک کمیته اختصاصی (موسوم به کمیته ماده 113) انجام شود. بنابراین کمیسیون اروپایی همیشه مسئول انجام مذاکره است (مانند قوه مجریه) و شورای وزیران آن جهت انعقاد و تصویب معاهده وارد عمل می‌شود (ماده 114) و مداخلات پارلمان اروپایی جنبه مشورتی و بعضاً استفاده از حق وتو دارد.

173. دیوان دادگستری اروپایی (Cours te Justic des Communités Européennes) در رأی 76/1 مورخ 26 آوریل 1977 اعلام نموده است: «حقوق جامعه اروپایی صلاحیتهایی را در زمینه داخلی برای ارگانهای مختلف جامعه اروپایی برای وصول به اهداف معین به رسمیت شناخته است. از طرف دیگر جامعه، خود برای پذیرفتن تعهدات بین‌المللی که برای وصول به اهداف مذکور ضروری است واجد صلاحیت می‌باشد، هرچند متن صریحی در این مورد وجود نداشته باشد».

174. Acceptance.

141 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

به جامعه اروپايي لازم الاجرا گردید. تأیید¹⁷⁵ شوراي وزيران متعاقباً، يعني در 18 مارس 1975، صادر گردید.¹⁷⁶ البته اين مراحل بعد از تشریفاتى است كه براي تصویب كنوانسیون توسط هر يك از كشورهاي عضو جامعه اروپايي انجام می‌پذیرد.¹⁷⁷

مبحث چهارم:

تصویب معاهده توسط كشورهاي ثالث: روش الحاق به معاهدات

الف- تعریف

«الحاق»¹⁷⁸ عبارت از ترتیبي است كه به وسیله آن كشوري كه در تدوین يك

175. Approval.

176. مصوبه شوراي وزيران جامعه اروپايي شماره 75/199 (مندرچ در روزنامه رسمي مورخ 21 آوریل 1975، شماره ال 100، ص 1).

177. رك. به كتاب Multilateral Conventions، ص 11، چاپ 1987، انتشارات رسمي جامعه اروپايي.

178. معادل آن در زبانهاي لاتين، Adhesion و يا Accession است. در گذشته بين اين دو واژه لاتين تفاوت قائل بودند؛ چون واژه اخير هنگامی به كار رفت كه كشور ثالث «مورد دعوت» قرار می‌گرفت، مانند سیزده كشوري كه (منجمله ايران) در ضمیمه يك میثاق جامعه ملل «دعوت به عضویت» در جامعه ملل شده بودند؛ زیرا كشورهاي فاتح جنگ بين‌الملل اول نمی‌خواستند آن كشورها را نیز از مزایای جبران خسارات جنگ بهره‌مند نمایند (اسامي كشورهاي مذکور را می‌توان در مجموعه قراردادهای

معاهده بین‌المللی مشارکت نداشته، رسماً به عضویت آن درآمده و مقررات مندرج در آن را متقبل می‌گردد. طبق ماده 15 کنوانسیونهای 1969 و 1986 وین راجع به حقوق معاهدات، اعلام موافقت نسبت به یک معاهده از طریق الحاق در سه مورد ممکن است محقق شود:

اول، در متن معاهده تصریح شده باشد که می‌توان به وسیله الحاق مندرجات معاهده را پذیرفت.

دوم، به طریق دیگر ثابت شود که کشورها یا سازمانهای شرکت‌کننده در مذاکرات توافق داشته‌اند بر اینکه به وسیله الحاق نیز می‌توان مندرجات معاهده را پذیرفت.

سوم، هرگاه کلیه طرفها بعداً توافق نمایند که به وسیله الحاق می‌توان به معاهده ملتزم شد.

بدین ترتیب، الحاق به معاهدات از طریق ارسال سند واحد و یک‌جانبه‌ای که به کشورهای طرف معاهده ابلاغ و یا نزد کشور

بین‌المللی چند جانبه ایران گردآوری دکتر محمدعلی هدایتی، ص 10، ملاحظه کرد). ولی این تفاوت به تدریج از میان رفت و امروزه هر دو واژه مترادف یکدیگر شناخته می‌شود.

نگهدارنده اسناد تودیع می‌شود، انجام می‌پذیرد. در سند اعلام الحاق تصریح می‌شود که معاهده مورد قبول و تصویب قرار گرفته است. در هرگونه الحاق بین اینکه معاهده تا تاریخ الحاق لازم‌الاجرا شده باشد یا نه، فرقی وجود ندارد.¹⁷⁹ امروزه در رویه معمول بین‌المللی، حتی کشوری هم که قبلاً در تنظیم یک کنوانسیون چندجانبه مشارکت نموده است امکان دارد تنها از طریق الحاق بتواند بدان ملتزم شود و این امر در مواردی پیش می‌آید که مهلت پیش‌بینی شده در معاهده برای امضا و سپس تصویب آن منقضی گردیده و الحاق به‌عنوان تنها راه عضویت در کنوانسیون باقی مانده باشد.¹⁸⁰ و¹⁸¹ همچنین در

179. براون لی: اصول حقوق بین‌الملل، لندن 1968، ص 604.
180. رک. به کتاب فیلیپ ماینن Ph. Manin تحت عنوان حقوق بین‌الملل عمومی، پاریس 1979، ص 88، مانند کنوانسیون لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی هنگام جنگ مورخ 14 مه 1954 که طبق ماده 30 کنوانسیون مزبور تا آخر همان سال امضای آن برای شرکت‌کنندگان ممکن بوده و پس از آن از طریق الحاق، عضویت در آن امکان‌پذیر شده است. ایران در تاریخ 1337/2/20 بدان ملحق گردیده است (مجموعه قوانین، 1337).

181. در پاره‌ای از موارد ممکن است کشورها مجاز باشند قبل از الحاق رسمی به کنوانسیون موردنظر، وفق مندرجات آن، مقررات آن را به‌طور موقت اجرا نمایند و این امر خصوصاً در کنوانسیونهای بازرگانی جهانی بیشتر به چشم می‌خورد مانند موافقتنامه بین‌المللی قهوه مورخ 1983

مواردي كه توسط يك از مراجع سازمان ملل متحد كنوانسيوني تهيه شده و پس از تأييد مجمع عمومي سازمان ملل براي امضاي كشورها مفتوح باشد، هر كشوري تنها از طريق الحاق مي‌تواند به مندرجات آن ملتزم گردد.¹⁸²

خصوصيات الحاق

براي الحاق مي‌توان سه خصوصيت به شرح زير برشمرد:

1. خصوصيت اول الحاق اين است كه كشور متقاضی به هنگام تدوين كنوانسيون علي‌الاصول حضور ندارد. به همين لحاظ،

لندن كه از طرف نيجريه از تاريخ 1983/9/29 به‌طور موقت اجرا شده ولي رسماً در 1984/5/31 به آن ملحق شده است و نيز كنوانسيون بين‌المللي گندم مورخ كه از طرف هند از تاريخ 1986/6/27 به‌طور موقت اجرا شده ولي رسماً در 1986/9/24 به آن ملحق شده است رك. به:

Multilateral Convntion and Agreements, Signatures by European Communities, and Agreements.

نشريه كميسيون اروپايي، بروكسل 1987، ص 229 و 341.
182. براون لي، همانجا، مانند كنوانسيون نيويورك راجع به امتيازات و مصونيتهاي سازمان ملل متحد مورخ 13 فوريه 1946 در مجمع عمومي (مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد، شماره 4، مجلد 1، ص 15) كه تاكنون بيش از 150 كشور به آن ملحق شده‌اند و دولت ايران در 8 مه 1947 سند الحاق خود را توديع نموده است، و نيز كنوانسيون راجع به امتيازات و مصونيتهاي آژانسهاي تخصصي ملل متحد مورخ 21 نوامبر 1947 كه ايران در 16 مه 1974 به آن ملحق شده است.

145 ❖ تنظيم معاهدات بين‌المللي...

ماهیت حقوقی الحاق در پنجاه ساله اخیر تحول چشمگیری را شاهد بوده است و به جای ماهیت قراردادی و دوجانبه آن (توافق بین کشورهای عضو اصلی معاهده و کشورهای اثلث ملحق شونده) که مور توجه پاره ای از حقوقدانان ایتالیایی قرار داشت¹⁸³ به تدریج امروزه الحاق یک اقدام یکجانبه و یکطرفه¹⁸⁴ شناخته می شود. نتیجه ای که بر این تحلیل حقوقی جدید مترتب می شود این است که الحاق به منزله تسری وضعیت حقوقی موجود است نسبت به کشور ملحق شونده که از تاریخ الحاق به بعد شمول خواهد یافت. لذا کلیه تصمیماتی که توسط اعضای فعلی کنوانسیون تا تاریخ الحاق اتخاذ شده است به کشوری که بعداً به عضویت آن درآید، خودبه خود تحمیل خواهد شد مگر اینکه الحاق مقید و مشروط باشد، مانند شروط پنجگانه ای که دولت آمریکا در 14 سپتامبر 1929 برای الحاق پروتکل امضای اساسنامه دیوان بین المللی مورخ 16 دسامبر 1920 مطرح نمود و کشورهای عضو، منجمد به ایران،

183 . V. Zannini, L'adesione de tiattai internazionale, pavie, 1946; L. Ferreri Bravo: "Natura giuridica, dell'adesione agli accordi internazionali" Annuario di D.I. 1966, pp. 183-196.

184 . Anilateral.

آنها را پذیرفتند (مصوب مردادماه 1309 مجلس شورای ملی).¹⁸⁵

2. خصوصیت دوم این است که الحاق کشورهای ثالث به يك معاهده بین‌المللی معمولاً هنگامی میسر است که این امر در معاهده پیش‌بینی شده باشد.¹⁸⁶

چنانکه فوقاً اشاره شده ماده 15 کنوانسیونهای وین 1969 راجع به حقوق معاهدات و 1986 درباره حقوق معاهدات بین‌کشورها و سازمانهای بین‌المللی، الحاق به يك معاهده بین‌المللی را در مواردی معتبر تلقی می‌نمایند که اعضای دیگر آن معاهده نسبت به الحاق نظر موافق داشته باشند. به عبارت دیگر، ماده 15 نظریه قراردادی بودن الحاق را بر نظریه یکجانبه بودن آن مرجح دانسته،

185. مجموعه قوانین 1310؛ مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 86-89؛ راهنمای عهد...، ص 381.

186. معذک در پاره‌ای موارد می‌توان مشاهده کرد که بعضی از کنوانسیونهای بین‌المللی بدون تصریح حق الحاق کشورهای ثالث به لحاظ طبیعت آن قابل عضویت برای همه کشورها است، مانند کنوانسیون بین‌المللی حفظ جان شخص در دریا که در لندن در 17 ژوئن 1910 تدوین شد و در ایران از تاریخ 31 مه 1966 لازم‌الاجرا گردید (مجموعه قوانین 1345؛ مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 793؛ فهرست عهدنامه‌های چندجانبه ایران، از انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه ایران، مورخ ژانویه 1979 ص 29).

147 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

ولي آن را تسهیل نموده است؛ به این ترتیب که الحاق به يك معاهده را ممكن دانسته حتي بدون اینکه صریحاً این نکته در متن معاهده ذکر شده باشد. مع ذلك این راه حل ابتکاری هنوز نتوانسته است مشکل مهم ارائه دلیل را در این زمینه حل نماید؛ چون همیشه می‌توان نسبت به امکان یا عدم امکان الحاق کشورهای ثالث و یا در مورد نظر و عقیده کشورهای تدوین‌کننده يك کنوانسیون در زمینه موافقت یا مخالفت آنها با الحاق کشورهای ثالث بحث و مجادله نمود. نکته مهم در ماده 15 کنوانسیونهای وین این است که برای تشخیص امکان یا عدم امکان الحاق کشورهای ثالث هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع و یا مفاد و محتوای يك کنوانسیون نشده است¹⁸⁷ و بدین لحاظ هیچ‌گونه تفاوتی درباره امکان الحاق بین کنوانسیونهای مختلف و معاهدات متفاوت وجود ندارد.

مع ذلك می‌توان بین معاهدات بین‌المللی از حیث امکان الحاق کشورهای ثالث تقسیماتی قائل شد و برحسب مفید

187 . S. Bestide: Les traité dans la vie internationale (conclusion et effets), Paris, Economica, 1985, p. C4 n^o 52.

بودن یا نبودن آن و یا شرایط این الحاق
مراتبی قائل گردید. به‌طورکلی معاهدات
بین‌المللی از این لحاظ به سه گروه
تقسیم می‌شوند:

الف — گروه نخست، کنوانسیون‌هایی
هستند که هر کشوری بدون تبعیض می‌تواند
به آنها ملحق شود و این امر صریحاً در
خود کنوانسیون پیش‌بینی شده است مانند
ماده 3 عهدنامه تحریم جنگ مورخ 27 اوت
1928

که ایران در تاریخ 11 مهرماه 1307 به آن
ملحق شده است،¹⁸⁸ ماده 3 کنوانسیون مسکو
مورخ 5 اوت 1963 راجع به منع بعضی
آزمایش‌های هسته‌ای که الحاق ایران به آن
در 17 مردادماه 1342 صورت گرفته است،¹⁸⁹
ماده 23 معاهده بین‌المللی مربوط به خط
شاهین کشتیها مورخ پنجم ژوئیه 1930 که
ایضاً ایران در سال 1344 به آن ملحق شده

188. مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص
66؛ مجموعه قوانین 1307، ص 15. همچنین قانون اجازه شرکت
دولت ایران در عهدنامه تحریم جنگ (مجموعه قوانین 1308،
ص 30).

189. مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص
798 و مجموعه قوانین 1342.

است،¹⁹⁰ ماده 9 کنوانسیون مبادله بین‌المللی مدارک و نوشتجات رسمی و نشریات علمی و ادبی مورخ 7 ژوئن 1949 که الحاق ایران به آن در 10 اسفندماه 1337 صورت گرفته است،¹⁹¹ ماده 13 کنوانسیون بین‌المللی اتومبیلرانی مورخ 24 آوریل 1926 که ایران در 3 دی ماه 1313 به آن ملحق گردیده است،¹⁹² ضمیمه ماده 2 پروتکل لیتوانف راجع به تعریف تجاوز مورخ سی ام ژوئیه 1933 که ایران

190. مجموعه قوانین 1344، ص 218 به بعد، قانون الحاق دولت ایران به هفت کنوانسیون بین‌الملل دریایی. همچنین ماده 12 معاهده بین‌المللی تحدید مسئولیت صاحبان کشتیهای دریایی مورخ دهم اکتبر 1957 و ماده 15 معاهده بین‌المللی برقراری بعضی از مقررات متحدالشکل در تصادم کشتیها و پروتکل امضای آن مورخ 23 سپتامبر 1910 و ماده 12 کنوانسیون متحدالشکل کردن بعضی از مقررات مربوط به بارنامه‌ها مورخ 25 اوت 1924 و ماده 17 کنوانسیون یکنواخت کردن بعضی از مقررات مربوط به معاضدت و نجات در دریا مورخ 23 سپتامبر 1910 و ماده 18 کنوانسیون متحدالشکل کردن بعضی از مقررات مربوط به حمل مسافر از طریق دریا مورخ 19 آوریل 1961 مندرج در مجموعه قوانین فوق‌الذکر و **مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران،** ص 757 به بعد.

191. مجموعه قوانین 1337 و مجموعه قراردادهای **بین‌المللی چندجانبه ایران،** ص 294. همچنین است ماده 11 اساسنامه سازمان بین‌المللی اندازه‌شناسی قانونی مورخ 1958 مصوب 1337/11/2 مندرج در **قراردادهای بین‌المللی چند جانبه ایران،** ص 605.

192. مجموعه قوانین 1313 و **قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران،** ص 49.

به موجب مصوبه 12 تیرماه 1312 مجلس شورای ملی الحاق خود را به آن انجام داده است،¹⁹³ ماده 55 کنوانسیون ژنو راجع به حمایت افراد غیرنظامی در زمان جنگ مورخ 12 اوت 1949¹⁹⁴ و به‌تاریخ 59 کنوانسیون ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمیها و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا مورخ 12 اوت 1949¹⁹⁵ و غیره.

این گروه از کنوانسیونها به‌عنوان کنوانسیونهای چندجانبه غیرمحدود شناخته شده و برای عضویت همه کشورها مفتوح است.

از نظر شکلی، الحاق کشورها به این‌گونه معاهدات از طریق اعلامیه یکجانبه‌ای که¹⁹⁶ به کشور نگهدارنده اسناد ارسال می‌شود، تحقق می‌پذیرد. در

193. مجموعه قوانین 1312 و قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 441.

194. مجموعه قوانین 1334، ص 120 به بعد و قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 398.

195. همان مجموعه و کتاب فوق‌الذکر، ص 322. ماده 139 کنوانسیون ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی مقرر داشته است: «این معاهده به محض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آن را امضا کرده باشد، مفتوح خواهد بود».

196 . Adhesion par acle unilatéral.

اغلب آنها پیش‌بینی شده است که همه کشورها می‌توانند به عضویت آنها درآیند. تعداد کشورهای نگهدارنده اسناد در این‌گونه کنوانسیونها — چنان‌که بعداً توضیح داده خواهد شد — عملاً موجب می‌گردد که عضویت در آن برای همه کشورها میسر باشد. از طرف دیگر، در مورد کنوانسیون وین 1969 و الحاق کشورهای ثالث به آن، بیست و هشتمین اجلاسیه مجمع عمومی قطعنامه‌ای را به تصویب رسانید که ضمن آن تأکید شده بود دبیرخانه سازمان ملل به‌عنوان نگهدارنده اسناد می‌تواند نظر مجمع عمومی را قبل از وصول یک سند الحاق نسبت به این امر درخواست نماید. بدین‌ترتیب، مداخله مجمع عمومی قاعداً به نفع عضویت بیشتر کشورهای کنوانسیون وین خواهد بود.

به‌طور کلی در مورد کنوانسیونهایی که مقررات بین‌المللی را تدوین می‌نمایند، جریانی که موافق عضویت تمامی کشورها به آنها می‌باشد بیشتر تقویت شده و بدین‌ترتیب مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای (به شماره 3233، اجلاس 29) از کلیه کشورها دعوت نموده است تا نسبت به

الحاق و عضویت در کنوانسیون راجع به
مأموریت‌های مخصوص (مصوبه مجمع عمومی که
از 8 دسامبر 1969 برای امضا و الحاق
کشورها مفتوح می‌باشد) اقدام نمایند.
(ضمناً ایران نیز در 53/12/15 بدان ملحق
گردیده است، مجموعه قوانین 1354، ص 14).
همچنین راجع به کنوانسیون مربوط به
نمایندگی کشورها در سازمان‌های
بین‌المللی، مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای
(شماره 3247، اجلاس 29) خواست که از همه
کشورها جهت مشارکت در تدوین آن دعوت
به عمل آید.

بدین ترتیب، می‌توان گروه دومی از
کنوانسیون‌ها را که دعوت از کشورهای
ثالث، شرط الحاق به آنها می‌باشد مورد
شناسایی قرارداد که ذیلاً مورد بحث قرار
می‌دهیم.

ب - گروه دوم اصولاً کنوانسیون‌هایی
هستند که الحاق به آنها محدود و مختص
کشورهای ویژه‌ای است؛ اعم از اینکه
عضویت در یک اتحادیه بین‌المللی (مانند
جامعه ملل یا سازمان ملل متحد و غیره)

شرط الحاق باشد،¹⁹⁷ یا دعوی از آن کشور توسط سازمان ملل جهت الحاق به کنوانسیون قبلاً باید به عمل آمده باشد،¹⁹⁸ و ¹⁹⁹ یا

197. مانند کنوانسیون گوادالاخارا مورخ 18 سپتامبر 1961 مصوب 1354/3/22 (مجموعه قوانین 1354، منتشره در روزنامه رسمی 1354/4/5) در مورد یکسان نمودن برخی از مقررات مربوط به حمل و نقل و هوایی بین‌المللی که در ماده 14 تصریح می‌کند: «این کنوانسیون جهت الحاق هر یک از دول عضو سازمان ملل متحد و یا هر یک از سازمانهای تخصصی مفتوح خواهد ماند».

198. مانند کنوانسیون تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است مورخ 7 سپتامبر 1956 مصوب 3 اسفندماه 1337 (مجموعه قوانین 1337 و مجموعه قراردادهای بین‌المللی چندجانبه ایران، ص 529) که در بند 2 ماده 10 تصریح می‌کند: «این معاهده برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا مؤسسات اختصاصی تابعه یا سایر دولتهایی که دعوتنامه الحاق از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای آنها ارسال شده است مفتوح خواهد بود». پروتکل اصلاح کنوانسیون مربوط به یکسان کردن برخی از مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی که در 8 مارس 1971 در گواتمالا تدوین و در 1354/3/22 ایران به آن ملحق شده است و در ماده 18 می‌گوید: «این پروتکل برای ... هر دولت دیگری که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد جهت عضویت در این پروتکل دعوت شود، مفتوح خواهد ماند». ماده 11 کنوانسیون جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) مورخ 9 دسامبر 1948 مصوب 30 آذر 1334: «از تاریخ اول ژانویه 1950 هر عضو سازمان ملل یا هر دولت غیرعضو که به شرح بالا از آن دعوت شده باشد می‌توان به این معاهده ملحق شود». (مجموعه قراردادهای ...، ص 288). ماده 9 کنوانسیون برای جلوگیری از اشاعه معامله نشریات مخالف اخلاق مورخ 12 سپتامبر 1933 مصوب 30 سنبله 1302: «... هر دولت عضو جامعه ملل و هر دولتی که شورای جامعه نسخه‌ای از قرارداد برای امضای آن فرستاده باشد می‌تواند به این قرارداد ملحق شود». (همان کتاب، ص 28). شبیه همین عبارت در ماده 25

اینکه اگر کنوانسیون مربوط به يك منطقه جغرافیایی است، کشور متقاضی الحاق، در آن منطقه واقع باشد،²⁰⁰ یا بعد از تحقق

کنوانسیون تسهیل مراسم گمرکی مورخ 3 نوامبر 1923 مصوب 4 شهریور 1309 دیده می‌شود (همان کتاب، ص 43) و نیز ماده 17 کنوانسیون امداد مورخ 12 ژوئیه 1927 مصوب 14 تیرماه 1311 (همان کتاب، ص 58) و ماده 5 کنوانسیون راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره مورخ 11 اکتبر 1933 مصوب 20 دی ماه 1313 (همان کتاب، ص 142) و ماده 16 کنوانسیون تسهیل دوران بین‌المللی فیلمهای تربیتی مورخ 11 اکتبر 1933 مصوب 20 دی ماه 1313 (همان کتاب، ص 147). مواد 4 و 6 موافقتنامه راجع به متحدالشکل بودن طرز علامت‌گذاری دریایی مورخ 13 مه 1936 مصوب 21 خردادماه 1316 تصریح نموده هر دولتی که در کنفرانس وحدت علائم و روشنایی سواحل که از ششم تا بیست و سوم اکتبر 1930 در لیزیون تشکیل یافته بود و با دعوت به اعزام نماینده شده بود می‌تواند به این موافقتنامه ملحق شود (همان کتاب، ص 163).

199. کنوانسیون 1961 وین درباره روابط دیپلماتیک (تاریخ الحاق 1965/2/3) در ماده 50 اعلام نموده است: «این کنوانسیون برای الحاق هرکشوری که جزو یکی از چهار طبقه مذکور در ماده 48 باشد مفتوح خواهد بود». ماده 48: «این کنوانسیون برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا يك سازمان تخصصی و نیز هر کشور پیوسته به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و هر کشور دیگر که به این منظور از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد... مفتوح خواهد بود...». (مجموعه قوانین 1344 و مجموعه قراردادهای...، ص 752).

200. مانند ماده 237 معاهده رم مورخ 25 مارس 1957 که جامعه اقتصادی اروپایی را تأسیس نموده و عضویت در آن منحصر به کشورهای اروپایی دانسته است (به همین دلیل درخواست اخیر مراکش مورد قبول شورای وزیران جامعه در اجلاس مورخ 6 ژوئیه 1987 قرار نگرفت - بولتن جامعه اروپایی شماره 7 و 8، سال 1987، ص 87) و ماده 25 معاهده مکزیکو مورخ 14 فوریه 1967 راجع به ممنوعیت سلاحهای

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 155

شرایط خاص و یا موافقت تعداد معینی از اعضای اصلی، الحاق به کنوانسیون ممکن باشد²⁰¹ و بالاخره ساده‌ترین شرط الحاق کشورهای ثالث ممکن است عدم مخالفت و یا سکوت کشورهای عضو در قبال درخواست کتبی الحاق باشد، مانند ماده 66 کنوانسیون مربوط به حمل و نقل مسافران و چمدان با

هسته‌ای در امریکای لاتین و ماده 28 میثاق وحدت افریقا مورخ 25 مه 1963.

201. مانند کنوانسیون تجارت گندم 1971 مصوب 1355/5/4 که در ماده 25 آن آمده است: «2. بعد از ژوئن 1971 هر دولتی که برای شرکت در کنفرانس گندم 1971 سازمان ملل دعوت گردیده است، به‌موجب شرایطی که شورا مقتضی بداند می‌تواند با دوسوم آرای داده شده به‌وسیله کشورهای صادرکننده و دوسوم آرای داده به‌وسیله کشورهای واردکننده، به این کنوانسیون ملحق گردد». (مجموعه قوانین 1354، ص 757 هفتگی)، و نیز تقریباً شبیه این مقررات در ماده 7 پروتکل مورخ 1979 راجع به پنجمین تمدید کنوانسیون تجارت گندم 1971 مصوب 1359/4/4 شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (مندرج در مجموعه قوانین 1359، ص 233 به بعد) تکرار شده است.

نویسنده انگلیسی **لاتریا** در مجموعه *International law, t.4: The law of peace* (ص 194) مثالهای دیگری به شرح زیر برشمرده است: ماده 2 اساسنامه سازمان یونسکو مورخ 16 نوامبر 1945 خاطرنشان نموده که کشورهای غیرعضو سازمان ملل متحد براساس توصیه هیئت اجرایی می‌توانند پس از موافقت اکثریت دوسوم اعضای کنفرانس به عضویت سازمان درآیند (U.N.T.S 4 (1947) 280) همچنین است اساسنامه سازمان بین‌المللی کار مورخ نوامبر 1945 (U.N.T.S. (1947) 18)، اتحادیه پستی جهانی مورخ 5 ژوئیه 1947 (Treaty Series n° 57 1949)، سازمان هواشناسی جهانی مورخ 11 اکتبر 1947، اتحادیه بین‌المللی تله‌کمونیکاسیون مورخ 2 اکتبر 1947، سازمان مشورتی دریانوردی بین‌الدولی.

راه آهن²⁰² که به موجب آن درخواست الحاق نباید با مخالفت حداقل دو کشور عضو کنوانسیون مواجه شود.

از نظر شکلی، الحاق به اینگونه کنوانسیونها با تبادل اعلامیه²⁰³ بین کشور متقاضی و کشور یا سازمان نگهدارنده اسناد انجام می‌شود.

ج - گروم سوم، کنوانسیونهایی هستند که الحاق کشورهای ثالث به آنها باید با توافق کشورهای عضو اصلی کنوانسیون انجام گیرد. این رویه خصوصاً در مورد

202. مورخ 5 فوریه 1961: «ماده 66. الحاق به کنوانسیون:

1. هر کشوری که این کنوانسیون را امضا نکرده است و بخواهد به این کنوانسیون ملحق شود تقاضای خود را به دولت سویس ارسال می‌دارد. دولت سویس این تقاضا را به کشورهای عضو کنوانسیون با یک اطلاعیه اداره مرکزی درباره مشخصات راه آهنهای کشور تقاضاکننده برای مطالعه از لحاظ حمل و نقل بین‌المللی ارسال می‌دارد.

2. در مدت حداقل شش ماه از تاریخ اعلام اگر حداقل دو کشور مخالفت خود به دولت سویس اطلاع ندهند، تقاضا مورد قبول تلقی می‌شود. در صورت عکس، دولت سویس به کشور تقاضاکننده و کشورهای عضو کنوانسیون اطلاع می‌دهد که تقاضا معوق می‌ماند.

3. هر فقره قبول تقاضا نتایج خود را یک ماه بعد از تاریخ ارسال اعلامیه از طرف دولت سویس به دست می‌آورد یا اگر در انقضای این مهلت هنوز کنوانسیون به موقع اجرا گذاشته نشده باشد از تاریخ اجرای کنوانسیون». (مجموعه قراردادهای چندجانبه ایران، ص 713).

203 . Adhesion par déclarations échangées.

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 157

پیمانهای نظامی و دفاعی بیشتر معمول است، مانند موافقتنامه مورخ 9 نوامبر 1960 مربوط به وضع مزایای سازمان پیمان مرکزی (سنتو) مصوب 1338/8/18،²⁰⁴ یا پیمان همکاری متقابل ترکیه و عراق و انگلیس معروف به پیمان بغداد مورخ 4 آوریل 1955،²⁰⁵ یا پیمان اتلانتیک شمالی بین آمریکا و بعضی از کشورهای اروپای غربی.

204. ماده 25 موافقتنامه مربوط به وضع مزایا و مصونیت‌های سازمان پیمان مرکزی، نمایندگان ملی و کارمندان بین‌المللی آن: «این موافقتنامه جهت امضای کشورهای عضو سازمان پیمان مرکزی و سایر کشورهایی که مورد موافقت اعضای سازمان قرار گیرند مفتوح بوده و باید به تصویب قوه مقننه برسد». (مجموعه معاهدات معتبر ایران، از انتشارات وزارت امور خارجه، 1349، ج 2، ص 204).

205. طبق ماده 5 پیمان بغداد: «این پیمان برای الحاق هر یک از دول اتحادیه عرب یا هر یک از کشورهای دیگری که به امنیت و صلح و این ناحیه علاقمند هستند و طرفین متعهدین معظمین آن کشور را به رسمیت کامل شناخته شده باشند، باز خواهد بود. الحاق از تاریخی رسمیت دارد که سند الحاق به وزارت امور خارجه عراق تسلیم شده باشد. هر دولت عضوی که به پیمان فعلی ملحق شود میتواند طبق ماده 1 یک یا چند دولت عضو پیمان قراردادهاي خاص منعقد سازد». ولی برعکس آن، در پیمان سعدآباد که به نام عهدنامه عدم تعرض بین ایران و افغانستان و ترکیه و عراق در 1316//4/17 امضا شده بود، هیچ‌گونه مقرراتی برای امکان الحاق یک کشور ثالث به آن پیش‌بینی نشده بود (مجموعه قوانین 1316، ص 146).

در این‌گونه معاهدات، الحاق کشورها به وسیله انعقاد يك معاهده ویژه²⁰⁶ صورت می‌پذیرد، همچنان‌که الحاق دولت پاکستان به پیمان بغداد طبق معاهده مورخ 23 سپتامبر 1955 و الحاق دولت ایران به آن طبق معاهده مورخ 1333/7/30 انجام شده است؛²⁰⁷ همچنین الحاق ترکیه و یونان به پیمان اتلانتیک شمالی طبق پروتکل مورخ 22 اکتبر 1951 به امضای کشور ملحق‌شونده و ممالکی که عضو اصلی پیمان بودند انجام پذیرفته است.

3. خصوصیت سوم الحاق این است که کشور ملحق‌شونده از تاریخ تودیع اسناد الحاق به‌طور قطعی به مندرجات کنوانسیون ملتزم می‌شود. برخلاف عضویت در يك کنوانسیون در مرحله امضای آن که چون کشورهایی که در تدوین آن مشارکت نموده‌اند²⁰⁸ فقط با امضای آن مقدماتاً

206 . Adhesion par traité spécial.

207. رك. به متن ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل متحده بین دولتین عراق و ترکیه مصوبت 1334/7/31 در مجموعه قوانین 1334، ص 21.

208. ممکن است الحاق برای کشورهای نیز پیش‌بینی شود که در تدوین کنوانسیون مشارکت نموده ولی مبادرت به امضای آن ننموده‌اند، مانند کنوانسیون بین‌المللی متحدالشکل کردن بعضی از مقررات مربوط به برنامه‌ها مورخ 25 اوت 1924 مصوب تیرماه 1344 (مجموعه قوانین 1344،

عضویت غیرقطعی را در کنوانسیون به دست می‌آورند - هرچند بعداً بر اثر امتناع از تصویب آن هیچ‌گونه تعهد قطعی را برعهده نگیرند - اما در الحاق کشور ملحق‌شونده به‌طور قطع به يك کنوانسیون ملتزم می‌شود. مع ذلك در پاره‌ای از کنوانسیونها ممکن است استثنائاً مقررات دیگری وضع شده باشد؛ بدین ترتیب که به کشورهای ثالث که متقاضی الحاق هستند اجازه داده می‌شود ابتدائاً مبادرت به امضای معاهده نمایند و پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده رسماً به آن ملحق شده و التزامات آن را برعهده بگیرند (مانند ماده 23 کنوانسیون مربوط به خط شاهین کشتیها مورخ 5 ژوئیه 1930).²⁰⁹ همچنین ممکن است الحاق به کنوانسیون مشروط به تصویب آن

ص 218 به بعد و مجموعه قراردادها...، ص 781). ماده 12: «دولتی که این کنوانسیون را امضا ننموده‌اند، خواه در کنفرانس بین‌المللی بروکسل شرکت داشته و یا نداشته باشند، می‌توانند به این کنوانسیون ملحق شوند...».

209. ماده 23 مذکور مقرر می‌دارد: «دولتی که این کنوانسیون را امضا نموده ... می‌تواند در هر موقع پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون به آن ملحق گردد. الحاق به این کنوانسیون باید کتباً به دولت انگلیس اعلام گردد. این الحاق سه ماه پس از تاریخ وصول لازم‌الاجرا است دولت انگلیس کلیه دول امضاکننده و ملحق شده را از دریافت هرگونه اسناد الحاق با ذکر تاریخ وصول مطلع خواهد ساخت». (مجموعه قراردادها...، ص 764).

از طرف مقامات صالحه کشور باشد²¹⁰ که در این صورت تا زمان تودیع اسناد تصویب، الحاق به منزله امضای مقدماتی کنوانسیون محسوب می‌شود.²¹¹

در زبان قانونگذاری و پارلمانی ایران کلمه الحاق در پاره‌ای موارد در معنای وسیع کلمه و مترادف با عضویت در کنوانسیونها به کار برده شده و بدین لحاظ شامل مواردی هم که دولت ایران در تدوین کنوانسیون مشارکت نموده است می‌گردد، مانند «الحاق» ایران به پروتکل اصلاحی بند «الف» ماده 50 کنوانسیون شیکاگو مصوب 54/4/9.²¹²

210 . Adhesion sous reserve de Ratification.

211 . شارل روسو: حقوق بین‌الملل عمومی، ط پاریس 1970، ج 1، شماره 90 و اوپنهایم لوترپاخت: حقوق بین‌الملل، ط لندن، ج 1، ص 909 به بعد.

212 . متن مصوبه پارلمان ایران بدین شرح است: «ماده واحده. پروتکل اصلاحی بند «الف» ماده 50 کنوانسیون بین‌المللی هواپیمایی کشوری شیکاگو مورخ 7 دسامبر 1944 که در تاریخ 16 اکتبر 1974 در مونترال به امضا رسیده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود...». (مجموعه قوانین 1354، ص 530 ضمیمه) و قانون اجازه «الحاق» دولت ایران به قرارداد تعاون مالی مورخ 2 اکتبر 1930 که طبق ماده واحده 14 تیرماه 1311 کنوانسیون مذکور را «تصویب» می‌کند و به دولت اجازه می‌دهد «نسخه صحه شده آن را به دارالانشای جامعه ملل تسلیم نماید». (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانونگذاری 1309 - 1311، ص 491) و نیز قانون اجازه الحاق قطعی دولت ایران به مقررات ماده 36 اساسنامه دیوان دائمی دآوری

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 161

برعکس، در بعضی موارد به جای اصطلاح «الحاق» کلمه «مشارکت» به کار برده شده است خصوصاً در دوره های اولیه مجلس شورای ملی،²¹³ ولی در اکثر مواقع واژه «الحاق» به معنی صحیح آن به کار رفته یعنی به مواردی اطلاق شده که ایران به عنوان کشور ثالث التزامات معاهده را به بعداً متقبل گردیده است، مانند قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تجارت گندم مورخ 1971 مصوب 1355/4/31²¹⁴ یا قانون اجازه

بین المللی مصوب 23 خردادماه 1310 که چنین است: «ماده واحده. مجلس شورای ملی الحاق قطعی دولت ایران را به مقررات ماده 36 اساسنامه راجع به التزام حکمیت دیوان مزبور در موارد مشروحه در ماده سابق الذکر به طوری که نماینده ایران در تاریخ دهم مهرماه 1309 امضا نموده است، تصویب کرده و به دولت اجازه می دهد که اسناد مصدق آن را به دارالانشای جامعه ملل تسلیم نماید». (همان کتاب، ص 487 و مجموعه قوانین 1310، ص 781 در چاپ اول و ص 43 در چاپ دوم).

213. مانند قانون اجازه مشارکت (یعنی الحاق) دولت ایران در مقررات کنفرانس تلگرافی بیسیم منعقد شده در واشنگتن 1927 (مشمول بر 24 ماده) مصوب 1308/8/16 مجلس شورای ملی (مجموعه قوانین دوره هفتم مجلس، ص 362). همچنین الحاق ایران به کنوانسیون تلگراف به این صورت تصویب شده است: «ماده واحده. مجلس شورای ملی شرکت (یعنی الحاق) دولت ایران را در مقررات کنفرانس تلگرافی که در سنه 1928 در بروکسل منعقد گردیده است را تصویب می نماید». (همانجا، جلسه 1308/8/16).

214. مجموعه قوانین 1355، ص 757 ضمیمه و روزنامه رسمی 1355/6/3.

الحاق دولت ایران به کنوانسیون 12 اکتبر 1929 ورشو²¹⁵ و غیره .
اینک پس از مطالعه تفصیلی نحوه تصویب معاهدات در صفحات گذشته این فصل، لازم است کاهش تدریجی اهمیت آن در دنیای امروز و حذف تشریفات زائد و به وجود آمدن ترتیبات جدیدتر را مورد بحث قرار دهیم .

مبحث پنجم

کاهش اهمیت تصویب معاهدات در دنیای امروز

تشریفات تصویب معاهدات که تفصیل آن را بررسی و مطالعه کردیم به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد. بدین لحاظ در

215. مجموعه قوانین، ص 387 ضمیمه و روزنامه رسمی 1354/4/28 و نیز قانون اجازه الحاق دولت ایران به مقررات مربوط به عملیات زیردریاییها در موقع جنگ مصوب 11 دی ماه 1317 (مجموعه قوانین موضوع و مسائل مصوبه دوره یازدهم قانونگذاری 1316-1318، ص 419، چاپخانه مجلس، 1319).

بسیاری از کنوانسیونهای بین‌المللی که در سالهای اخیر تدوین یافته علاوه بر روش تصویب، طرق و روشهای ساده‌تری نیز پیشنهاد گردیده است تا اگر کشورها مایل باشند بتوانند به وسیله آنها التزام خود را به کنوانسیون اعلام نمایند.

قدیمی‌ترین روش و در عین حال فوق‌العاده‌ترین آنها در ماده 4 پروتکل اصل اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی مورخ 14 سپتامبر 1929 پیش‌بینی شده بود که به‌موجب آن سکوت دولتها به‌منزله قبول ضمنی مندرجات پروتکل تلقی می‌شد.²¹⁶ هرچند این روش برخلاف رویه معمول در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شد و به همین دلیل تصویب و اجرای پروتکل مذکور سالها به تعویق افتاد، ولی متعاقباً در

216. ماده 4 پروتکل اصلاح اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که در 19 مردادماه 1309 به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است (مجموعه قوانین 1309، ص 139 و **مجموعه قراردادها...**، ص 69) مقرر می‌دارد: «این پروتکل از اول سپتامبر 1930 به موقع اجرا گذاشته خواهد شد به شرطی که شورای جامعه ملل اطمینان حاصل نماید که اعضای جامعه ملل و دول مذکوره در ضمیمه اساسنامه که پروتکل مورخ 16 دسامبر 1920 را تصویب کرده ولی سند تصویب آنها راجع به این پروتکل تا این تاریخ نرسیده، اعتراضی به اجرای اصلاحات اساسنامه دیوان داورى مذکوره در ضمیمه این پروتکل ندارد». (مجموعه قوانین 1310، ص 78 ط اول و ص 43 ط دوم).

پاره‌ای از کنوانسیونها مورد اقتباس قرار گرفت و تا حدودی به‌عنوان یک رویه قابل قبول در کنوانسیونهای تخصصی شناخته شد.²¹⁷ مهمترین روشهایی که در این زمینه وضع و معمول گردیده است، روش قبلی یا پذیرش معاهده (الف) و نیز روش تأیید آن (ب) می‌باشد.

الف - قبولی (پذیرش)²¹⁸ معاهده به جای تصویب آن

پس از پایان جنگ بین‌المللی دوم، ایالات متحده آمریکا و نیز برخی از کشورهای اروپایی کوشش نمودند به‌منظور حذف تشریفات و محدودیتهای تصویب، طریق سهل‌تری را برای عضویت کشورهای خود در کنوانسیونهای چندجانبه بین‌المللی پیشنهاد نمایند. بدین ترتیب، ماده 15 اساسنامه یونسکو مورخ 16 نوامبر 1945

217. فی‌المثل بند 2 ماده 16 کنوانسیون گمرگی سیستم هماهنگ شده توصیف و کُدگذاری کالا (بروکسل، 24 ژوئن 1986) تصریح نموده است: «هر اصلاح توصیه‌شده‌ای در انقضای یک مهلت شش ماهه از تاریخی که دبیرکل اصلاح مزبور را به اطلاع رسانده است پذیرفته شده تلقی می‌گردد مشروط بر اینکه در پایان این مهلت هیچ نوع ایرادی در آن وارد نشده باشد». (کنوانسیون مذکور در تاریخ 1365/4/5 توسط دولت ایران امضا شد، ولی هنوز به تصویب نرسیده است).

218. Acceptation به فرانسه، و Acceptance به انگلیسی.

165 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

(مصوب 1327/4/15 قوه مقننه در ایران) قبولي (پذيرش) معاهده را به وسيله دولتها طريق ملتزم شدن به آن دانسته است.²¹⁹ همچنين اساسنامه صندوق بين المللي پول (مصوب 6 دي ماه 1324 توسط پارلمان ايران) و اساسنامه بانك بين المللي براي توسعه و عمران، مقررات مشابهي را وضع نمودند.²²⁰ در موافقتنامه عمومي تعرفه ها و تجارت (گات) مورخ 30 اكتوبر 1947 نيز به همين نحو عمل شد و مقرر گرديد كه موافقتنامه مذکور «براي قبولي هر دولت امضاكننده سند نهايي آن مفتوح خواهد بود». به علاوه منشور هاوانا

219. مجموعه قوانين 1327، ص 12 و مجموعه قراردادها...، ص 241: «ماده 51:

1. اين اساسنامه به كشورهاي متعاهد ابلاغ خواهد شد تا قبولي خود را اعلام نمايند. اسناد قبولي به دولت بریتانیا تسليم خواهد شد.

2. اين اساسنامه در بايگاني دولت بریتانیا گذاشته ميشود و براي امضا حاضر و مفتوح خواهد بود. امضا ممكن است قبل يا بعد از تسليم اسناد قبولي صورت گيرد. قبولي در صورتي اعتبار دارد كه قبل يا بعد از آن امضا به عمل آيد».

220. مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد U.N.T.S ج 4، ص 275: «هر كشوري كه اين اساسنامه را امضا نموده و اسناد قبولي اين موافقتنامه را كه مطابق حقوق داخلي اش تهيه شده و كليه مراحل لازم براي متعهد شدن به التزامات در آن را طي نموده باشد بايد نزد دولت ايالات متحده امريكا توديع نمايد». (مجموعه قوانين 1324، ص 99).

مورخ 24 مارس 1948 در مورد سازمان تجارت بین‌المللی نیز قبولی (پذیرش) را وسیله ملتزم شدن کشورها به مفاد معاهده دانسته است.²²¹ حتی قبل از آنها در فاصله بین دو جنگ بین‌الملل، عضویت امریکا در سازمان بین‌المللی کار به همین روال انجام پذیرفت و به جای تصویب اساسنامه آن، ایالات متحده امریکا رد 1934 مبادرت به «قبول» دعوتنامه سازمان مذکور نمود. برای تمهید این امر، قطعنامه‌ای به تصویب کنگره و سنای امریکا رسید و رئیس‌جمهور مجاز به قبول عضویت در سازمان بین‌المللی کار شد.²²² و

223

221. راجع به موارد استفاده از روش «قبولی» (پذیرش) در کنوانسیونهای سازمان ملل متحد رک. به مقاله Liang در ژورنال امریکایی حقوق بین‌المللی (A.J.I.L.) ، سال 1960، ص 349_342.

222. اساسنامه سازمان بین‌المللی کار چون در واقع بخش سیزدهم معاهده 1918 ورسای را تشکیل می‌داد نمی‌توانست از نظر سیاسی مورد تصویب سنای امریکا قرار گیرد و لذا دولت امریکا با تمهید این ابتکار به عضویت آن درآمد. لازم است اضافه شود که در اعلامیه رئیس‌جمهور امریکا مبنی بر قبول عضویت در سازمان بین‌المللی کار، تعبیراتی به‌کار گرفته شده که با تصویب معاهدات تفاوت چندانی ندارد و این نشان می‌دهد که روش قبولی (پذیرش) از ابتدا فقط برای حذف تشریفات شور و بررسی متن معاهده در پارلمانها وضع شده است، نه برای سبک نمودن تعهدات کشورهای عضو. در اعلامیه مذکور چنین آمده است:

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 167

پس از این دوره، پاره‌ای از معاهدات چندجانبه برای بیان نحوه عضویت در آن به وسیله قبولی (پذیرش) از عبارت واحدی به شرح زیر استفاده نمودند: «دولتها می‌توانند به عضویت این معاهده درآیند چنانچه:

الف - معاهده را بدون قید و شرط درباره قبولی امضا نمایند؛
ب - در موقع امضا، قیدی برای قبولی مطرح نموده و بعداً قبولی را ارائه نمایند؛

ج - آن را قبول نمایند».²²⁴

"The President proclaim and make public the Constitution of the International Labour Organisation, a certified copy of which is here to annexed, to the end that the same and every Article and clause there of may ne deserved with good faith by the United States of America and the citizens thereof".

223. حتی پیش از عضویت در سازمان بین‌المللی کار، امریکا در 1921 برای عضویت در دفتر بین‌المللی هیدروگرافیک (International Hydrographic Bureau) و در 1924 برای عضویت در انستیتوی بین‌المللی آماری (International Statistical Institute) از همین طریق استفاده نموده است.

224. مانند ماده 4 پروتکل اصلاحی کنوانسیونهای راجع به منع فحشا و جلوگیری از اشاعه نشریات منافی عفت و مستهجن مورخ 4 مه 1949 مصوب 18 آذرماه 1337 (مجموعه قوانین 1337 و مجموعه قراردادها...، ص 290) و نیز کنوانسیون 6 مارس 1948 درباره سازمان مشورتی دریانوردی بین‌المللی (Inter-governmental Maritime Consultative Organisation) که دولت ایران در 10 ژوئن 1945 به آن ملحق شده است (مجموعه قوانین 1324). روشهای عضویت در آن به شرح زیر است:

البته کمیته حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل (کمیته ششم) در سال 1948 پس از بحث طولانی در مورد نحوه ملتزم شدن دولت‌ها به پروتکل اصلاحی کنوانسیونهای راجع به منع تجارت انسان و جلوگیری از فحشا، به اکثریت 30 رأی بدون مخالف و 4 رأی ممتنع، رویه کلاسیک یعنی امضا را که متعاقب آن تصویب باشد و به جای قبولی (پذیرش) مورد تأیید قرار داد²²⁵ و به این لحاظ مدتی کاربرد طریقه «قبولی» متداول نمود و فقط در آن دوره دو کنوانسیون علاوه بر رویه کلاسیک، روش قبولی را نیز انتخاب نمودند.²²⁶

کمیسیون حقوق بین‌الملل که از سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی برای

(a) Signature without reservation as to acceptance, or (b) Signature subject to acceptance followed by acceptance; or (c) acceptance.

225. رك. به :

Official Records of the General Assembly, 3e session, part I, sixth committee, 88th meeting

همچنین هنگام تدوین کنوانسیون ژنو راجع به حمل و نقل جاده‌ای بین‌المللی مورخ 19 سپتامبر 1949 روش «قبولی» پذیرفته نشد.

226. رك. به موافقتنامه مورخ 22 نوامبر 1950 برای وارد کردن لوازم تربیتی و علمی و فرهنگی مصوب 20 بهمن ماه 1329 مجلس شورا (مجموعه قوانین 1329 و مجموعه قراردادها...، ص 455) و نیز کنوانسیون جهانی حق التألیف مورخ 6 سپتامبر 1952 که تحت نظارت سازمان یونسکو تدوین گردید.

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 169

تدوین کنوانسیوني در مورد حقوق معاهدات به تحقیق و کار اشتغال داشته است در این زمینه به تفصیل به بحث و بررسی پرداخت. حتی گزارشگر ویژه آن در سال 1953 (لوترپاخت) پیشنهاد نمود ماده‌ای در مورد «قبولی» در طرح کنوانسیون گنجانیده شود.²²⁷ هرچند این پیشنهاد بعداً کنار گذاشته شد ولی در نهایت امر در ماده 11 کنوانسیون 1969 وین روش قبولی (پذیرش) به عنوان یکی از روشهای التزام به معاهده شناخته شده است: «رضایت يك دولت نسبت به التزام به يك معاهده ممکن است به وسیله امضاء، مبادله اسناد تدوین معاهده، تصویب، قبولی، تأیید، الحاق و یا هر طریقه دیگر که مورد توافق قرار گیرد، ابراز گردد».

227. متن طرح لوترپاخت بدین شرح بوده است:

Article 8- Acceptance; wherever provision is made for the assumption of the obligations of the treaty by acceptance, a state may become a party to the treaty by a procedure which consists either: (a) In signature, ratification, or accession; or (b) In an instrument formally described as acceptance; or (c) In a combination of the two proceeding methods.

مراجعه شود به کتاب مجموعه مقالات و آثار لوترپاخت:
Hersch Lauterpacht: international law, t.4: The law of peace parts VII-VIII, collected papers edited by: E. Lauterpacht p. 195.

هدف از تنظیم این ماده این بود که در زمینه انتخاب روشی که کشورها به وسیله آن التزام خود را به معاهده ابراز می‌دارند، هرگونه تحمیلی منتفی گردد و در انتخاب رویه‌ای که در هر مورد خود به مصلحت و مناسب می‌دانند آزادی کامل خواهند داشت. تنها محدودیتی که در این باره وجود دارد قانونی اساسی خود آنها و مقررات داخلی‌شان می‌باشد. به عبارت دیگر، دولت‌ها در عین آزادی در انتخاب روشی که به آن وسیله تأیید قطعی خود را نسبت به معاهده اعلام می‌دارند، نباید مقررات قانون اساسی خود را زیر پا بگذارند.

به همین دلیل گفته شده است واژه «قبولی» (یا پذیرش) سالب رویه تصویب معاهدات و حتی «امضا»، بنابر تعریفی که در فصول گذشته از آن یاد کردیم، نیست؛ یعنی با آنها قابل جمع است. به عبارت دیگر، نتیجه ذکر واژه «قبولی» در کنوانسیون این است که دولت‌ها در انتخاب روشی که به آن وسیله می‌خواهند به معاهده ملتزم گردند، مخیرند؛ چه از طریق رویه‌های کلاسیک (یعنی امضای

مقدماتی و سپس تصویب) و چه به روشی که از نظر تشریفاتی ساده‌تر است (یعنی الحاق یا «قبولی»).²²⁸ بدین لحاظ واژه «قبولی» (پذیرش) در بسیاری از معاهدات چندجانبه گاهی معادل کلمه «الحاق» و گاهی مترادف «تصویب» شناخته شده است.²²⁹ به همین ترتیب، رویه الحاق به معاهدات – چنان‌که فوقاً بیان شد – برای کشوری که معاهده را قبلاً امضا نموده ولی آن را به تصویب رسمی نرسانده مترادف «قبولی» است.²³⁰ و در واقع روش دیگری است که کشورها بدون طی تشریفات طولانی به آن طریق می‌توانند به عضویت یک کنوانسیون نائل آیند. با توجه به ملاحظات فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که اگر یک کنوانسیون (مانند کنوانسیون 1983 حقوق دریاها) تصویب را به‌عنوان تنها روشی که می‌توان از آن طریق به معاهده التزام قطعی پیدا نمود، معرفی نماید، یک امر استثنایی بوده و برخلاف رویه‌ای است که

228. لوترپاخت: مجموعه فوق‌الذکر، ج 4، ص 195؛ شارل روسو: ج 1، ص 93، شماره 68.

229. مک‌نایر حقوق معاهدات، لندن 1961، ص 99.

230. بنابه نوشته باستید (ص 69):

"Le mot acception sert en somme à la fois pour désigner ne procédure qui peut être équivalent à la ratification ou peut être simplement l'adhésion".

در ماده 11 کنوانسیون 1969 وین درباره حقوق معاهدات به رسمیت شناخته شده است.²³¹

لازم است اضافه گردد که روش «قبولی» متضمن لزوم ارائه سند جدیدی است که التزام قطعی کشور را به مفاد کنوانسیون مورد تأیید قرار می‌دهد. این سند معمولاً از طرف قوه مجریه صادر می‌شود و حتی در بعضی از کشورها، مانند فرانسه، این اقدام ممکن است توسط وزیر امور خارجه انجام پذیرد.²³² همین ویژگیها را نیز می‌توان در رویه «تأیید» معاهدات ملاحظه نمود.

ب - تأیید²³³ معاهده

231. همچنین کنوانسیون لومه مورخ 1975 که بین جامعه اروپایی و کشورهای افریقایی - کارائیب - پاسیفیک منعقد شده است و نیز کنوانسیون بین‌المللی حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای مذکور در پانویس 243 در صفحات آینده. و نیز کنوانسیون مسکو راجع به ممنوعیت آزمایشهای هسته‌ای مورخ 25 ژوئیه 1963 (مجموعه قوانین 1342 و مجموعه قراردادها...، ص 798) که تصویب را تنها وسیله التزام به معاهده دانسته‌اند.

232. ر.ک. به کتاب س. باستید به نام **معاهدات در زندگی بین‌المللی**، ط پاریس 1985، ص 69.

233. approbation به فرانسه، و approval به انگلیسی.

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 173

قبل از تدوین ماده 11 کنوانسیون 1969 وین که در آن صریحاً در کنار «تصویب» و «قبولی» از «تأیید» معاهده نیز به عنوان روش دیگری برای اینکه کشورها نسبت به معاهده‌ای به طور قطع ملتزم شوند، نام برده است، پاره‌ای از کنوانسیونهای بین‌المللی برای نخستین بار روش «تأیید» را ذکر کرده²³⁴ و بعضی دیگر هر دو روش یعنی «قبولی» و «تأیید» را مطرح نموده بودند.²³⁵ کاربرد این دو اصطلاح در کنوانسیونهای مختلف این نظریه را تقویت می‌نمود که قاعده‌تاً بین رویه «قبولی» و «تأیید» تفاوت‌هایی وجود دارد. اساسنامه سازمان بهداشت جهانی مورخ 22 ژوئیه 1946 (مصوب اول خردادماه 1327 مجلس شورا) در ماده 79 چنین تصریح

234. مانند پروتکل مربوط به دفتر بین‌المللی بهداشت عمومی (protocol concerning the office International d'Hygiene Publique) (مندرج در مجموعه معاهدات سازمان ملل، ج 9، ص 66) و پروتکل اصلاحی موافقتنامه‌ها و کنوانسیونها و پروتکل‌های مربوط به مواد مخدر (Protocol amending the Agreements, conventions and protocols on Narcotic Drugs) همان سری، ج 12، ص 179).

235. مانند کنوانسیون تجارت گندم مورخ 1971 مصوب 1355/4/31 (مجموعه قوانین 1355، ص 757): ماده 23: «اجرای این کنوانسیون منوط به تصویب، پذیرش یا تأیید هر دولت امضاکننده برطبق قوانین اساسی کشور خود می‌باشد».

نموده است:²³⁶ «کشورها می‌توانند با اجرای مراتب ذیل عضو تشکیلات باشند:

- 1- امضا بدون شرط تأیید بعدی؛
- 2- امضا به قید قبولی که متعاقباً هم تأیید ارائه گردد؛
- 3- قبولی».²³⁷

با این ترتیب، شاید بتوان گفت در اندیشه نویسندگان این‌گونه کنوانسیونها «تأیید» در موارد خاصی به‌کار رفته و معنایی محدودتر داشته و به منزله تنفیذ امضایی است که به‌طور موقت در یک معاهده انجام گردیده است، بدون این‌که تشریفات «تصویب» لازم‌الرعايه باشد.²³⁸ در عین

236. مجموعه قوانین 1327 و مجموعه قراردادها...، ص 258.

237. در جمله فوق، عبارت مندرج در ترجمه رسمی و مصوب مجلس شورای ملی تصحیح گردیده زیرا متن ماده 79 فوق در قانون چنین ترجمه شده است: «1- امضای آن بدون حفظ حق تصویب بعدی 2. امضا به قید تصویب بعدی یا قبولی آن 3. قبولی بلاشرط» که درست به نظر نمی‌رسد. به هر حال متن انگلیسی چنین است:

"States may become parties to the constitution by: (1) Singnature without reservation as to approval; (2) Signature subject to appivoal followed by acceptance; or (3) acceptance".

رك. به مجموعه معاهدات سازمان ملل، ج 14، ش 185.

238. اسناد سوزان باستید (کتاب فوق‌الذکر، ص 40) می‌نویسد:

"Le terme d'approbation est apparu plus récemment; il tient compte de la pratique de certains Etats. La Constituion français de 1958 l'a utilisé (accords soumis à l'approbation), mais au point dé une international elle et à peu synonyme de la procédure d'acceptation".

حال، محققان در اکثر موارد «قبولی» و «تأیید» را مترادف یکدیگر تلقی می‌نمایند؛²³⁹ همچنان‌که کنوانسیون 1986 وین تصریح می‌کند: «منظور از عبارت «قبولی»، «تأیید» و «الحاق»، سندی است که برحسب مورد یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی رضایت خود را در سطح بین‌المللی برای التزام به معاهده ابراز و تثبیت می‌نماید». (ماده 2 پاراگراف 1 بند «ب» ثالثاً).

در پاره‌ای دیگر از معاهدات که اخیراً منعقد شده علاوه بر دو واژه «قبولی» (پذیرش) و «تأیید»، اصطلاح «انعقاد»²⁴⁰ هم به کار رفته است که باید آن را جامع بین دو اصطلاح قبولی و تأیید دانست. این واژه در ماده 6 پروتکل 1979 (مصوب شورای انقلاب اسلامی مورخ 1359/4/4) مربوط به کنوانسیون تجارت گندم مورخ 1971 (مصوب 1355/4/31 مجلسین سابق) به قرار زیر به کار رفته است:

239. سر همفري والدوك: اظهارات وي به عنوان گزارشگر در کنفرانس دیپلماتیک تنظیم کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات، جلسه مورخ اول آوریل 1968 (اسناد رسمی مذاکرات کنفرانس وین، انتشارات سازمان ملل متحد - نیویورک 1969، بند 26، ص 38).

240 . Conclusion.

«این پروتکل موضوع تصویب، قبولی (پذیرش)، تأیید یا انعقاد هر دولت امضاکننده برطبق قوانین اساسی یا مقررات سازمانی دولت مربوطه خواهد بود». ²⁴¹

در سالهای اخیر بسیاری از کشورها ترجیح می‌دهند به جای تصویب معاهده که به قوه مقننه اختیارات وسیعی در اظهارنظر راجع به توافق بین‌المللی اعطا می‌کند، از رویه‌های دیگر مذکور در فوق خصوصاً «قبولی» (پذیرش) استفاده نمایند. مثلاً با ملاحظه مجموعه معاهداتی که جامعه اقتصادی اروپایی در آنها عضو است ²⁴²

241. مجموعه قوانین 1359، ص 235. متن انگلیسی آن در ص 240 همان مجموعه به شرح زیر چاپ شده است:

"This protocol shall be subject to ratification, acceptance, approval or conclusion by each signat Government...".

همچنین در بسیاری از موافقتنامه‌های امضا شده بین مقامات جامعه اروپایی و سایر کشورها قید می‌شود «به شرط انعقاد معاهده» (Sous réserve de conclusion) مانند اعلامیه مطبوعاتی 16 ژوئن 1988 راجع به امضای پروتکل الحاقی به موافقتنامه همکاری جامعه اروپایی و سوریه.

242. در کتاب Multilateral Conventions and Agreement, Signature and or conclusion by the European Communities 1987 چاپ کمیسیون جامعه‌های اروپایی (اداره کل روابط خارجی) وضعیت تمامی کنوانسیونهای چندجانبه که جامعه عضو آنها است نام کشورهای عضو کنوانسیونها در شش ستون به ترتیب زیر تعیین شده است:

| | | | |
|---------------|------|-----------------|-------|
| a) Signature | امضا | b) Ratification | تصویب |
| c) Acceptance | | d) approval | تأیید |

❖ 177 تنظیم معاهدات بین‌المللی...

معلوم می‌شود تعداد کمی از کنوانسیونهای بین‌المللی را (مانند کنوانسیون بین‌المللی حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای، کنوانسیون لومه بین‌جامعه مذکور و کشورهای آ.س.پ.، کنوانسیون حقوق دریاها و غیره) فقط با روش تصویب می‌توان به عضویت آنها درآمد.²⁴³ برعکس، در بعضی دیگر از موارد، رویه قبولی (پذیرش) انحصاراً معمول گردیده است، مانند پروتکل مربوط به ترتیبات تجارت منسوجات،²⁴⁴ و در بعضی دیگر فقط رویه تأیید مورد استفاده قرار گرفته است؛²⁴⁵ ولی در اکثر کنوانسیونها سه رویه (تصویب، پذیرش، تأیید) برای اعلام تعهد دولتها پیشنهاد شده است و کشورها برحسب

لازم الاجرا شدن f) entry into force e) Accession الحاق
در بعضی موارد، خصوصاً صفحات 292 و 357 و غیره که کنوانسیون مربوط امکان اجرای موقت مندرجات آن را پیش‌بینی کرده است، ستون دیگری به نام "Provisional Application" نیز وجود دارد.

243 . International Convention on the physical protection of Nuclear Material, Vienna 3, 1980- Second Acp-EEC Convention, Lomé 1979- United Nations Convention on the Law of the Sea, Jamaica, 1982- International Convention on the Simplification and Harmonisation of Customs procedures, Kyoto, 1973.

244 . Protocol extending the Arrangements regarding International Trade in Textiles (M.F.A. III) Geneva, 1981.

245 . Convention on fishing and conservation of the living resources in the Baltic Sea, Warsaw, 1982.

ضوابط حقوق اساسي خود و يا دلايل حقوقي و اداري ديگر مي‌توانند به يکي از آن طرق نسبت به مندرجات کنوانسيون (مقاوله‌نامه) ملتزم گردند.²⁴⁶ به عبارت ديگر، هر يك از کنوانسيونهاي مذکور در حقوق داخلي کشورها برحسب مورد ممکن است معاهده رسمي، يا برعکس، يك توافق بين‌المللي (به‌نحو مطلق) تلقي شود که تصويب اولي با صلاحديد قوه مقننه و تصويب دومي از صلاحيتهاي مقامات حکومتي (به‌طور عام) شناخته مي‌شود. و به همين اعتبار، بسته به مورد، مي‌توان از رويه تصويب يا رويه پذيرش براي تعهد قطعي کشور استفاده نمود. مثال جديد و بارزي که در اين زمينه مي‌توان ارائه نمود کنوانسيون راجع به اعلام سريع سانحه هسته‌اي مورخ 26 سپتامبر 1986 است²⁴⁷ که نسبت به کشور سويس در همان روز امضا و يك ماه بعد لازم‌الاجرا گرديده است، ولي بلوروسي و برخي ديگر از کشورها علاوه بر

246 . Protocol to the Agreement on implentation of Art. VII of the General Agreement on tarrifs and trade, Geneva, 1979- Convention on longrange transboundary air pollution 1979, Geneva- Convention for the protection of the Mediterranean Sea against pollution, Barcelona, 1976-GATT: agreement on technical barriers to trade, Geneva, 1980.

247 . Convention Sur la notification rapide d'un accident nucleaire O.N.U. 26 Sep. 1986.

امضا آن را به تصویب هم رسانده اند و آنگاه لازم الاجرا شده است؛²⁴⁸ چون سویس از طریق «امضا بدون شرط تصویب» استفاده نموده، ولی بلوروسی «با شرط تصویب» آن را امضا کرده است، اما برخی دیگر روش قبولی را انتخاب نموده اند.

در حقوق ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی اصولاً عضویت در کلیه کنوانسیونهای بین‌المللی پس از تصویب قوه مقننه طبق قانون اساسی لازم الاجرا می‌گردد. فقط در بعضی موارد بسیار استثنایی معاهده منعقدۀ ظاهراً به تصویب مجلس نرسیده است.²⁴⁹ همچنین به ندرت مواردی یافت می‌شود که از رویه پذیرش برای لازم الاجرا شدن يك معاهده دوجانبه استفاده شده باشد.²⁵⁰ مع ذلك چون واژه های «تصویب»،

248. متن کنوانسیون مزبور و اسامی کشورهای امضاکننده (منجمله ایران) و تصویب‌کننده در مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، پاریس 1987، ص 779 به بعد چاپ شده است.

249. معاهده از میر مصوب جلسه هیئت وزیران مورخ 1355/11/25 (مجموعه قوانین 1355، ص 53) و کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک مورخ 18 آوریل 1961 (مجموعه قوانین 1340 و مجموعه قراردادها...، ص 741) احتمالاً از این‌گونه مواردند.

250. مثلاً تأیید و لازم الاجرا شدن موافقتنامه همکاری بین سازمان حفاظت محیط زیست ایران و سازمان محیط زیست امریکا مصوب هیئت وزیران مورخ 1355/10/27 که مستنداً به ماده 4 موافقتنامه همکاریهای فنی ایران و امریکا مورخ

«قبولي» (پذيرش) و «تأيد» در هنگام ترجمه کنوانسيونها به فارسي ممکن است به عبارت غلطي برگردانده شود - همچنانکه در مبحث قبلي بيان شد - لذا بسيار محتمل است که تعابير نابجايي به عنوان معادل آنها در متن²⁵¹ يا حتي در ماده واحده اي که به تصويب پارلمان مي‌رسد، راه يابد.²⁵² بنا بر اين مقتضي است

1353/12/13 (4 مارس 1975) بوده است (مجموعه قوانين 1355، ص 47) ولي اين امر فقط مابين اين است که نوعي موافقتنامه فرعي منحصرأ به تأيد قوه مجريه رسیده است (رک. به «مجله حقوقي»، شماره 7، ص 146).

251. همچنانکه در پانويس شماره 190 قبلاً بيان شد در ترجمه سالنامه سازمان بهداشت جهاني مصوب پارلمان ايران مورخ اول خردادماه 1327 ماده 79 پاراگراف «الف» بند يك، به جاي «تأيد بعدي» نوشته شده است «تصويب بعدي» و به جاي «قبولي که متعاقباً هم تأيد ارائه گردد» در بند 2، ترجمه شده است «تصويب بعدي يا قبولي آن».

252. از قبيل قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت منعقدۀ بين دولتين ايران و افغانستان مصوب 14 قوس 1300 شمسي (مجموعه مصوبات ادوار سوم و چهارم قانونگذاري مجلس شوراي ملي 1293-1302 شمسي، ص 184) و قانون اجازه مبادله عهدنامه منعقدۀ بين دولتين ايران و جمهوري شوروي روسيه مصوب 23 قوس 1300 شمسي (همان مجموعه، ص 188) در حالي فصل 24 آن تصديق (يعني تصويب) را لازم دانسته است، و قانون اجازه مبادله عهدنامه حکميت بين دولت عليه ايران و جمهوري اتازوني مصوب 2 حوت 1300 شمسي (همان مجموعه، ص 199) در حالي که ماده 4 آن «تصويب مجلس ملي» را ضرور دانسته است. در مقابل، مي‌توان قانون راجع به تصويب عهدنامه مودت و دوستي بين دولت عليه ايران و دولت جمهوري چين مصوب 16 عقرب 1300 شمسي (همان مجموعه، ص 181) را نام برد که صحيحاً نامگذاري شده است.

تنظيم معاهدات بين المللي... ❖ 181

که با دقت و ممارست مسئولان مربوطه از این‌گونه التباسها اجتناب نمود.²⁵³ چنان‌که در انتهای این مقاله پیشنهاد خواهد گردید در سیستم حقوقی ایران نیز می‌توان با حذف برخی از تشریفات زائد در پارلمان از روش پذیرش معاهده سود جست.

بند چهارم

انتشار معاهده در روزنامه رسمی

تشریفات تصویب معاهده بین‌المللی در حقوق داخلی ایران علاوه بر موافقت مجلس شورا و تأیید شورای نگهبان و امضای نهایی رئیس‌جمهور که در بندهای گذشته

253. مثلاً ماده واحده‌ای که لایحه اصلاح ماده 11 کنوانسیون تجارت بین‌المللی جانوران و گیاهان وحشی در معرض نابودی را در 1366/9/1 در مجلس شورا به تصویب رسانده تصریح نموده است که «اجازه تسلیم سند قبولی دولت به آن داده می‌شود» (مجموعه قوانین سال 1366)؛ همچنین اصلاحیه ماده 6 اساسنامه آژانس انرژی اتمی مورخ 27 سپتامبر 1984 که در تاریخ 1376/1/28 به تصویب رسیده گفته شده است که «اجازه تسلیم سند قبولی آن داده می‌شود» 0 صورت مشروح مذاکرات مجلس مورخ 67/1/28، دستور (2).

مورد بحث قرار گرفت متضمن مرحله دیگر نیز هست که عبارت از انتشار معاهده در روزنامه رسمی کشور می‌باشد.

در ایران از بدو مشروطیت تاکنون معاهدات رسمی معمولاً پس از تصویب پارلمان در روزنامه رسمی کشور منتشر گردیده و همچون قوانین، تصویبنامه‌های هیئت وزیران، آرای هیئت عمومی دیوان کشور و سایر متون مشابه قانونی به معنای اعم، معاهدات منعقد شده با دول خارجی در مجموعه‌های قوانین پارلمان نیز مرتباً چاپ شده است.²⁵⁴ برعکس، تفاهم‌نامه‌های منعقد شده با سازمانهای تابعه دولتهای خارجه به‌ندرت در روزنامه رسمی چاپ می‌شوند؛ چون این نوع توافقیها مراحل تصویب پارلمان و امضای رئیس کشور را طی نمی‌نمایند، مضافاً اینکه اصولاً

254. در مجموعه مصوبات مجلس شورا از دوره چهارم به بعد (اول سرطان 1300-32 جوزای 1302 شمسی) معمولاً شش قسمت مختلف به شرح زیر چاپ می‌شده است: قسمت اول: قوانین، قسمت دوم: امتیازات، قسمت سوم: قراردادها (یعنی معاهدات بین‌المللی)، قسمت چهارم: کنتراتها، قسمت پنجم: تصویبات مالی، قسمت ششم: تصمیمات و مطالب متفرقه. در مجموعه قوانین موضوعه و مسائل مصوبه دوره سیزدهم قانونگذاری (1320/9/1-1322/8/30) هفت قسمت تفکیک شده که قسمت دوم آن را «عهدنامه‌ها» (109-146) دربرمی‌گیرد.

برای اتباع و شهروندان ایرانی ایجاد حق و تکلیفی نمی‌نمایند. این‌گونه توافقی‌های ساده بین ایران و یک دولت خارجی – چنان‌که در بخش اول این مقاله تشریح گردید – غالباً مسائل اجرایی در زمینه‌های بازرگانی، صنعتی یا فرهنگی و غیره را بین دو کشور در حدود معاهدات رسمی بین‌المللی یا قوانین داخلی مورد حل و فصل قرار می‌دهند.²⁵⁵ از آن گذشته انتشار تفاهم‌نامه‌ها نه تنها ضروری دانسته نمی‌شود بلکه بسیاری معتقدند که انتشار آن در روزنامه رسمی ممکن است، برحسب مورد، با ضوابط امنیتی کشور یا صیانت سیاست و اقتصادی خارجی مملکت معارض باشد.²⁵⁶ بدین لحاظ در ایران معمولاً به‌جز وزارتخانه‌ای که مبادرت به امضای تفاهم‌نامه‌ای با کشور خارج نموده و متن آن را در اختیار دارد، تنها

255. استثنائاً پروتکل نهایی همکاری‌های اقتصادی ایران و شوروی و سایر اسناد ضمیمه آن که صرفاً شامل مسائل اجرایی بوده در تاریخ 59/3/30 در مسکو امضا و در روزنامه رسمی شماره 10336 مورخ 59/5/30 و مجموعه قوانین 1359 (ص 370-341) چاپ شده است.

256. شارل روسو این نظر را در عرف دیپلماتی فرانسسه مطرح نموده است (حقوق بین‌الملل عمومی، پاریس 1970، ج 1، ص 71).

نسخه‌های از آن در اختیار وزارت امور خارجه (برای آرشیو و بخش اداری مربوطه)، نخست‌وزیری، دفتر ریاست جمهوری و هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی قرار می‌گیرد.

البته در بعضی موارد متن کامل معاهدات رسمی نیز پس از تصویب منتشر نشده و فقط ماده واحده‌ای که به تصویب پارلمان رسیده در روزنامه رسمی به چاپ رسیده است.²⁵⁷ مع ذلك این عدم انتشار در پاره‌ای موارد یا معلول طولانی بودن متن بوده و یا اینکه کنوانسیون جنبه فنی داشته است²⁵⁸ و نه الزاماً ضرورت استتار

257. مانند موافقتنامه مربوط به انتظامات مرزی ایران و پاکستان مصوب 1343/10/28 (مجموعه قوانین 1343، ص 564). موافقتنامه مذکور نیز در **مجموعه معاهدات معتبر دوجانبه** (چاپ 1349، ج 1) مربوط به پاکستان به چاپ نرسیده است. همچنین مقاله‌نامه بین‌المللی برای وارد کردن لوازم تربیتی و علمی و فرهنگی که در نیویورک در 1329/11/20 تدوین گردیده و در ایران در 1343/11/25 به تصویب رسیده است (ماده واحده مندرج در مجموعه قوانین 1343، ص 523) دارای که مقدمه و 18 ماده و 5 ضمیمه می‌باشد که منتشر نشده است و غیره ...

258. مانند قانون راجع به الحاق ایران به مقاله‌نامه حمل و نقل‌های بین‌المللی با راه آهن (مجموعه قوانین 1363، ص 267)؛ قانون الحاق ایران به کنوانسیون گمرکی مربوط به حمل و نقل بین‌المللی کالا تحت کارنه‌های تیر (مجموعه قوانین 1363، ص 65)؛ مقاله‌نامه‌های بین‌المللی حمل و نقل بار و مسافر با راه آهن - برن 1952 (مجموعه قوانین 1344، ص 188)؛ قانون قرارداد پستی جهانی حاوی

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 185

معاهده که اصل 24 قانون اساسی سابق (مورخ دی ماه 1324) آن را اجازه داده بود، مطرح بوده است. با همه این احوال در بعضی موارد کنوانسیونهای مفصل یا فنی در روزنامه رسمی نیز چاپ شده²⁵⁹ یا حتی بعضی اسناد بین‌المللی (غیر از معاهدات) که نیازی به تصویب پارلمان ندارد به دلایل مختلف در مجموعه‌های قوانین منتشر شده است.²⁶⁰ در حقوق ایران اگرچه انتشار در روزنامه رسمی شرط اعتبار قوانین می‌باشد (ماده 1 قانون مدنی اصلاحی مورخ 1361/12/2)²⁶¹ اما در

هشت مقاله‌نامه و آیین‌نامه اجرایی (مجموعه قوانین 1346، ص 422).

259. مانند قانون الحاق دولت ایران به هفت (کنوانسیون) بین‌المللی دریایی: کنوانسیون مربوط به خط شاهین کشتیها؛ کنوانسیون بین‌المللی تحدید مسئولیت صاحبان کشتیهای دریایی... الخ (مجموعه قوانین 1344، ص 218)؛ مقاله‌نامه شماره 111 مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال مورخ 25 ژوئن 1958 مصوب 1343/3/3 (مجموعه قوانین 1343، ص 76)؛ قطعنامه مورخ 4 اکتبر 1961 پنجمین اجلاس مجمع عمومی مؤسسه بین‌المللی نیروهای اتمی (مجموعه قوانین 1343، ص 150)؛ توصیه‌نامه راجع به تعطیل هفتگی در مؤسسات اداری و بازرگانی مورخ 5 ژوئن 1957 مصوب 1346/10/5 (مجموعه قوانین 1346، ص 295).

260. مانند قرارداد بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت بی.اف.گودریچ (مجموعه قوانین 1346، قراردادها، ص 1).

261. ر.ک. به مقاله نگارنده: «بررسی قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب 1361/12/2» فصلنامه حق (نشریه وزارت

مورد معاهدات بین‌المللی حکم خاصی موجود نیست و معمولاً چاپ معاهده در روزنامه رسمی به‌عنوان انتشار یک مصوبه مجلس، ضروری دانسته شده است و نه مستقلاً به‌عنوان یک معاهده بین‌المللی. به‌همین لحاظ در بعضی موارد - چنان‌که فوقاً بیان شد - فقط متن ماده واحده قانونی که مصوبه مجلس را تشکیل می‌دهد به چاپ رسیده و متن معاهده مورد تصویب مجلس در روزنامه رسمی چاپ نشده است.²⁶²

در حقوق پاره‌ای از کشورها مانند حقوق فرانسه انتشارات معاهدات شرط ارجحیت آن معاهده بین‌المللی بر قانون

دادگستری)، دفتر یکم، فروردین، خرداد 1364، ص 88، شماره 23.

262. در بسیاری از دوره‌های مجلس شورا بین کنوانسیونهای بین‌المللی چندجانبه و معاهدات دوجانبه تفاوت قائل می‌شدند. در مورد گروه نخست فقط به انتشار ماده واحده در روزنامه رسمی اکتفا می‌شد ولی مندرجات معاهده دوجانبه و حتی ضامم آن نیز در مجموعه‌ها منتشر می‌گردید. مثلاً در مجموعه قوانین موضوعه دوره نهم تقنینیه (1312-1314) ماده واحده‌های کنوانسیون تعریف تجاوز، کنوانسیون مرابطات بعیده در مادرید، کنوانسیون بین‌المللی اتومبیلرانی، کنوانسیون بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله و اغوای نسوان کبیره و کنوانسیون تسهیل دوران بین‌المللی فیلمهای تربیتی، بدون انتشار متن آنها، در صفحات 357 تا 359 به چاپ رسیده در حالی‌که متن کامل معاهده اقامت بین ایران و سویس و نیز ضامم آن درباره قرار وجه الضمانه قضایی در صفحات 350 تا 357 منتشر شده است.

187 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

داخلي دانسته شده است (ماده 55 قانون اساسي 1958 فرانسه). اكثر حقوقدانان حتي لازمه ايجاد آثار حقوقي يك معاهده را انتشار متن آن در روزنامه رسمي مي دانند؛ مع ذلك در بعضي موارد استثنائي محاكم فرانسه به تعهدات بين المللي كه هنوز در روزنامه رسمي چاپ نشده است، استناد نموده اند.²⁶³

هرچند كه در سالهاي اخير به علت اهميت فوق العاده اي كه ثبت و انتشار معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل متحد يافته، انتشار معاهدات در روزنامه رسمي كشورها اهميت اوليه خود را از دست داده است، ولي در هر صورت، آخرين تشريفات رسمي شدن معاهده در حقوق داخلي، انتشار آن در روزنامه رسمي است كه عملاً مقدمه اي است بر لازم الاجرا شدن معاهده كه با مبادله اسناد تصويب صورت قطعي به خود مي گيرد. ذیلاً و در فصل سوم، اين موضوع (مبادله اسناد) را مورد بحث قرار مي دهيم.

263. رك. به سالنامه فرانسوي حقوق بين الملل (A.F.D.I) سال 1976، ص 865، سال 1975، ص 995، سال 1970، ص 883.

3. مبادله اسناد تصویب معاهدات

پس از مرحله مذاکره و امضای مقدماتی و مرحله تصویب معاهده که در دو فصل گذشته درباره آنها بحث کردیم، مبادله اسناد تصویب سومین و آخرین مرحله برای لازم الاجرا شدن یک معاهده بین‌المللی است.²⁶⁴ اهمیت مبادله اسناد تصویب نه تنها به جهت پایان یافتن تشریفات است که به معاهده قدرت قانونی و حقوقی می‌بخشد بلکه حتی اگر کلیه تشریفات تصویب معاهده هم انجام شود ولی اسناد آن به هر علتی بین دو کشور مبادله نشده یا ترتیبات مورد توافق رعایت نگردیده و انجام تصویب به طرف مقابل اعلام نشده باشد، معاهده لازم الاجرا نخواهد بود.²⁶⁵ طبق بند 1 ماده 16

264 . Ph. Jessup: A Modern law of Nations, London, 1968, p. 126: "The final step is the reciprocal communication of the fact of ratification, generally termed the "exchange of ratification" or as is common in the case of multipartite instruments, the deposit of ratifications with an agreed depository, which may be the chancellery of a single state or an international official such as the Secretary-General of the United Nations".

265. از این قبیل است معاهده قبلی راجع به آب رود هیرمند بین ایران و افغانستان مورخ ششم بهمن ماه 1317 که در 1318/2/18 در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسید (مجموعه قوانین 1318، ص 431، ط مجلس)، ولی به علت عدم مبادله اسناد تصویب هرگز اعتبار قانونی و لازم اجرایی پیدا نکرد. (دلیل مخالفت کابل ظاهراً اعلامیه پیوست آن بوده که در ص 436 همانجا مندرج است). به علاوه از میان

کنوانسیونهای 1969 و 1986 وین راجع به حقوق معاهدات «اسناد تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به جز وقتی که معاهده مقررات دیگری را پیش‌بینی کرده باشد، دلیل بر رضایت يك کشور نسبت به التزام به معاهده می‌باشد:

الف - هرگاه آن اسناد بین کشورهای متعاقد مبادله شده باشد؛

ب - یا نزد کشور نگهدارنده اسناد تودیع شده باشد؛

ج - و یا طبق توافق، به کشورهای متعاقد یا نگهدارنده اسناد ابلاغ شده باشد».

بنابراین تنها پس از مبادله اسناد تصویب، یا در مورد کنوانسیونهای چندجانبه، پس از تودیع سند تصویب است که تعهدات مندرج در معاهده لازم‌الوفاء خواهد گردید. برعکس، ابلاغ و اعلام ساده

موافقتنامه‌های منعقد شده در سالهای اخیر، اسناد تصویب موافقتنامه فرهنگی و هنری بین ایران و الجزایر (مجموعه قوانین سال 1361، ص 189) و نیز موافقتنامه همکاری اقتصادی، علمی و فنی بین ایران و لیبی (مجموعه قوانین 1361، ص 183) نیز به دلایلی که قبلاً بیان شد (رک. به پانویس 138 ص 160 شماره هفتم «مجله حقوقی») بین ایران و دولتهای مذکور مبادله نشده و بنابراین لازم‌الاجرا نگردیده است.

تصویب (بدون مبادله اسناد) به کشورهای متعاهد یا نگهدارنده اسناد هنگامی می‌تواند به جای مبادله اسناد به‌کار گرفته شود که این رویه صریحاً در معاهده پیش‌بینی شده باشد.²⁶⁶

پاره‌ای از حقوق‌دانان²⁶⁷ حتی اظهارنظر کرده‌اند که یکی از معانی «تصویب»، لازم‌الاجرا شدن معاهده از طریق مبادله یا تودیع اسناد تصویب می‌باشد و لذا در عین سکوت متعاهدین، در هر صورت، باید مبادله اسناد تصویب انجام شود تا معاهده لازم‌الاجرا گردد.²⁶⁸ از طرف دیگر،

266. مانند ماده 20 موافقتنامه حمل و نقل هوایی سابق بین ایران و آمریکا مورخ 1335/10/23 که تصریح نموده بود: «همین که دولت ایران تصویب این موافقتنامه را به دولت کشورهای متحده آمریکا اعلام کرد از تاریخ وصول اعلامیه مزبور این موافقتنامه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد». (معاهدات دوجانبه معتبر ایران تا سال 1349، از انتشارات وزارت امور خارجه، ج 2، ص 96). همچنین طبق ماده 16 موافقتنامه ایران و سوئد راجع به سرویسهای حمل و نقل هوایی بازرگانی مورخ 1328/8/9 «دولت ایران تصویب این موافقتنامه را از طرف مجلس ایران به دولت سوئد اعلام خواهد و دولت سوئد در تاریخ ابلاغ اعلامیه مذکور، از طرف دولت ایران این موافقتنامه را قطعی و قابل اجرا تلقی خواهد نمود». (همان کتاب، ص 10).

267. براون لی: حقوق بین‌الملل، لندن 1968، ص 605.

268. بعضی اوقات مقامات قانونگذاری دریافت ناصحیحی از اصطلاح «مبادله اسناد» داشته‌اند. مثلاً مجلس شورای اسلامی در اصلاح ماده 16 موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر مورخ 1360/11/6 به جای «تاریخ مبادله اسناد

محتوای اکثر مصوبات مجلس در مورد تصویب معاهدات، اعطای اجازه به دولت در مورد مبادله اسناد تصویب معاهده می‌باشد.²⁶⁹ اینک باید دید نحوه مبادله اسناد تصویب چگونه است (بند اول) تا آنگاه اثر آن را در تعیین تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده مورد بررسی قرار دهیم (بند دوم).

بند اول

نحوه مبادله اسناد تصویب معاهده

در معاهدات دوجانبه:

پس از اینکه طبق مقررات قانون اساسی معاهده به تصویب رسید سندی که حاوی امضای نهایی مقامات صالحه کشور در مورد معاهده می‌باشد باید به دولت

تصویب» پیشنهاد نموده است که «تاریخ مبادله مصوب» نوشته شود (مجموعه قوانین 1361، ص 191). در حالی‌که مبادله اسناد یک معاهده، جداگانه مورد تصویب قرار نمی‌گیرد و اصولاً آنچه موضوع تصویب مجلس است «مبادله اسناد» نیست بلکه «اسناد معاهده» است.

269. مانند قانون مورخ 23 قوس 1300 شمسی در مورد اجازه عهدنامه دوستی منعقد شده بین دولتین ایران و شوروی روسیه (مجموعه مصوبات دوره‌های سوم و چهارم قانونگذاری مجلس، چاپخانه مجلس، 1303، ص 188).

متعهد دیگر تسلیم شود و متقابلاً سند تصویب کشور مقابل دریافت گردد. انجام این مبادله معمولاً با تنظیم صورتجلسه مبادله اسناد تصویب که توسط نمایندگان کشورهای متعهد به امضا می‌رسد (در ایران معمولاً توسط معاون وزیر امور خارجه ایران از يك طرف و سفیر کشور مقابل از طرف دیگر) تحقق می‌یابد.²⁷⁰ محل مبادله اسناد تصویب اکثراً از قبل در متن معاهده پیش‌بینی می‌شود²⁷¹ و معمولاً پایتخت یکی از متعاهدات و غیر از آن پایتختی است که معاهده قبلاً در آنجا امضا شده است.

همچنین ممکن است به جای تنظیم صورتجلسه، در معاهده پیش‌بینی شده باشد که مبادله اسناد به وسیله ارسال یادداشت

270. مانند موافقتنامه فرهنگی میان ایران و سوریه مورخ 1362/12/2 که اسناد تصویب آن در تاریخ 1364/7/11 برابر با 30 اکتبر 1985 مبادله گردیده است (روابط فرهنگی ایران با سایر کشورها، از انتشارات وزارت امور خارجه، 1365، ص 85).

271. مانند ماده 16 موافقتنامه حمل و نقل هوایی و هند مورخ 1339/5/19 که شهر دهلی نو را تعیین نموده (معاهدات دوجانبه معتبر، ج 2، ص 183) یا ماده 5 عهدنامه مودت ایران و سویس مورخ 1313/2/5 که شهر برن را برای مبادله اسناد تصویب پیش‌بینی کرده است (همان کتاب، ص 15).

سیاسی انجام می‌شود.²⁷² در این صورت، علی‌الاصول از تاریخ وصول یادداشت سیاسی مؤخر، معاهده لازم‌الاجرا خواهد بود. قبل از امضای صورتجلسه مبادله اسناد تصویب، معمولاً نمایندگان دو کشور اعتبارنامه خود را ارائه خواهند داد.²⁷³ این اعتبارنامه معمولاً از طرف وزیر امور خارجه و یا نخست‌وزیر امضا می‌شود.²⁷⁴

272. مانند ماده 16 موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایرن و سویس مورخ 1333/3/6 که مقرر نموده است: «این موافقتنامه روزی که تصویب آن با مبادله یادداشت سیاسی به طرفین اعلام شد، معتبر خواهد گردید». (همان کتاب، ج 2، ص 22).

273. نمونه‌ای از صورتجلسه مبادله اسناد تصویب در رژیم سابق که به امضای شاه و وزیر خارجه می‌رسیده در کتاب آقای وحید مازندرانی (راهنمای عهد...، ص 14) به شرح زیر چاپ شده است: «نمایندگان مختار ذیل... وزیر امور خارجه ایران و... سفیر کبیر و نماینده مختار... در ایران به منظور مبادله اسناد تصویب عهدنامه... بین ایران و دولت... که در تاریخ... در... به امضا رسیده است در عمارت وزارت امور خارجه حاضر شده، با دقت در اسناد تصویبی مربوطه چون ملاحظه نمودند که تنها با یکدیگر مطابقت دارد و برطبق قوانین معمول طرفین به تصویب رسیده است به مبادله آن اقدام کرده‌اند. بنابر مراتب فوق نمایندگان مختار طرفین این صورت مجلس مبادله اسناد تصویبی را امضا کرده‌اند. در شهر... تاریخ... در دو نسخه به زبان فارسی و... که هر دو دارای اعتبار متساوی است تنظیم گردید. از طرف دولت ایران... از طرف دولت...».

274. رک. به «مجله حقوقی» شماره ششم، ص 11 (قسمت قبلی این مقاله).

در معاهدات چندجانبه:

یکی از ویژگیهای معاهدات چندجانبه معمولاً تعیین کشوری به عنوان نگهدارنده اسناد تصویب²⁷⁵ در معاهده میباشد. وظیفه چنین کشوری وصول کلیه مکاتبات راجع به معاهده و ابلاغ آن به کشورها و مقامات ذیربط است. بنابراین هر کشوری که عضویت کنوانسیون را متقبل شود باید اسناد التزام خود یعنی اسناد تصویب یا قبلی (پذیرش) یا تأیید کنوانسیون را نزد نگهدارنده اسناد تودیع نماید.²⁷⁶ کشور نگهدارنده موظف است متعاقباً مراتب را به سایر کشورهای عضو اعلام نماید. به همین جهت نسخه اصلی کنوانسیون بین‌المللی معمولاً نزد کشور نگهدارنده

275 . Dépositaire.

276. در پاره‌ای از کنوانسیونها متعاقب تودیع سند تصویب، صورت‌مجلسی به امضا میرسد که متن آن به کلیه دولتهای ذینفع ابلاغ میگردد، مانند ماده 57 کنوانسیون 1949 ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی (و مواد مشابه از سه کنوانسیون دیگر راجع به صلیب سرخ): «این کنوانسیون هرچه زودتر تصویب و اسناد تصویب آن به برن تسلیم خواهد شد. هنگام تسلیم هر سند تصویب، صورت‌مجلسی تنظیم خواهد گردید و یک نسخه مصدق صورت‌مجلس مزبور توسط شورای متحده سویس برای کلیه دولتهایی که کنوانسیون به نام آنها امضا شده یا الحاق خود را به کنوانسیون اعلام داشته باشند، فرستاده خواهد شد». (مجموعه قراردادهای...، ص 318 و 336).

195 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

باقی می‌ماند و فقط رونوشت‌هایی از آن تهیه می‌شود که پس از تصدیق، به کشورهای عضو یا سازمان‌های بین‌المللی ارسال می‌گردد. به‌علاوه همین دولت تاریخ لازم‌الاجرا شدن مقاوله‌نامه را به مقامات و اشخاص ذی‌نفع اعلام خواهد نمود. بدین‌جهت دولت نگهدارنده، نقشی شبیه «دبیرخانه» مقاوله‌نامه مربوط را برعهده دارد. البته چنانچه دولت نگهدارنده اسناد نقصی در اسناد دریافتی مشاهده نماید قبل از هر نوع اقدام، اصلاح آن را از کشور مربوط درخواست خواهد نمود و چنانچه اختلاف‌نظر بین آنان ایجاد شود این امر به اطلاع دولت‌های طرف معاهده خواهد رسید تا اگر لازم شود مقامات صالحه تصمیم مقتضی در مسئله مطروحه اتخاذ نمایند.²⁷⁷

طبق ماده 76 کنوانسیون 1969 وین (درباره حقوق معاهدات بین دولتها) و نیز ماده 77 کنوانسیون 1986 وین (درباره حقوق معاهدات بین دولتها و سازمان‌های

277. برحسب مورد، ممکن است صلاحیت رسیدگی يك دادگاه عالی برای فیصله این امر در کنوانسیون پیش‌بینی شده باشد یا برگزاری اجلاس فوق‌العاده‌ای از نمایندگان نام‌الاختیار کشورهای عضو ضرورت یابد.

بین‌المللی) نگهدارنده اسناد یک معاهده ممکن است از طرف کشورهای طرف مذاکره، خواه در خود معاهده و خواه به نحو دیگری، تعیین گردد.

نگهدارنده اسناد ممکن است یک یا چند کشور، یک سازمان بین‌المللی و یا سرپرست امور اداری سازمان مذکور باشد. در بند دوم همان ماده 76 تصریح شده است: «وظایف نگهدارنده اسناد یک معاهده جنبه بین‌المللی دارد و نگهدارنده مکلف به رعایت بی‌طرفی در انجام وظایف خود می‌باشد. خصوصاً اگر معاهده هنوز بین تعدادی از اعضای آن لازم‌الاجرا نگردیده باشد یا اینکه بین یک کشور و نگهدارنده راجع به انجام تکالیف نگهدارنده اختلافی بروز نماید، این امر هیچ تأثیری بر تکلیف بی‌طرفی مزبور نخواهد داشت». در مورد حدود وظایف نگهدارنده اسناد معاهدات سازمانهای بین‌المللی در کنفرانس دیپلماتیک تدوین کنوانسیون وین اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود داشت که نهایتاً راه‌حل میانه‌ای به نحو زیر انتخاب گردید.

طبق ماده 77 کنوانسیون 1969 وین:
«1. وظایف نگهدارنده اسناد شامل موارد
زیر نیز هست مگر اینکه به نحو دیگری در
معاهده پیش‌بینی شده یا مورد توافق قرار
گرفته باشد:

الف - حفظ متن اصلی معاهده به‌عنوان
امانت و نیز اعتبارنامه‌هایی که به
نگهدارنده ارائه شده است؛

ب - تهیه رونوشت‌های گواهی شده از
متن اصلی و تهیه نمونه‌هایی از معاهده
به زبان‌های دیگر اگر لازم باشد و ارائه
آنها به طرف‌های معاهده و کشورهای
واجد صلاحیت عضو شدن در معاهده می‌باشند؛
ج - دریافت هرگونه امضای معاهده و
وصول و ثبت هرگونه اسناد، اعلامیه‌ها و
مکاتبات راجع به آن؛

د- بررسی اینکه امضا و یا هرگونه
سند، اعلامیه یا مکاتبه مربوط به معاهده
از نظر شکلی معتبر است و در صورت لزوم
موضوع را به اطلاع کشورهای ذیربط
برساند؛

ه- مطلع ساختن طرف‌های معاهده و
کشورها (یا سازمان‌های بین‌المللی) که
صلاحیت عضویت در معاهده را دارند از

محتوای اسناد، اطلاعیه‌ها و مکاتبات
مربوط به معاهده؛

و - مطلع ساختن کشورها (یا
سازمانهای بین‌المللی) که صلاحیت عضویت
در معاهده را دارند از اینکه تعداد
امضاها یا اسناد تصویب، پذیرش، تأیید و
یا الحاق واصل یا تودیع شده برای
لازم‌الاجرای معاهده به حد نصاب رسیده
است؛

ز - ثبت معاهده در دبیرخانه سازمان
ملل متحد؛

ح - انجام تکالیف ویژه که در سایر
مواد این کنوانسیون به آنها تصریح شده
است».

در بند دوم همین ماده 77 کنوانسیون
1969 وین (یا ماده 78 کنوانسیون 1986)
گفته شده است: «هرگاه بین یک کشور (یا
سازمان بین‌المللی) و دولت نگهدارنده
اختلافی راجع به اجرای تکالیف دولت
اخیرالذکر حادث شود، نگهدارنده باید
مسئله را به اطلاع کشورهای امضاکننده و
کشورهای متعاقد و یا اگر لازم باشد به
اطلاع مقام صالح در سازمان بین‌المللی
مربوط برساند».

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 199

تشریفات مبادله اسناد تصویب که برای معاهدات رسمی به صورت تنظیم صورتجلسه مبادله اسناد یا تودیع سند تصویب محقق می‌گردد،²⁷⁸ در سالهای اخیر برای سهولت کار ساده‌تر گردیده است و حتی در برخی موارد به صورت ارسال تلکس یا تلگراف به وزارت امور خارجه کشور طرف معاهده یا کشور نگهدارنده اسناد، صورت خارجی به خود می‌گیرد. از طرف دیگر، انجام تشریفات مبادله یا تودیع اسناد تصویب اهمیت زیادی برای تعیین تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده دارد که این مسئله را ذیلاً مورد بحث قرار می‌دهیم.

بند دوم

278. حتی در کنوانسیون بین‌المللی اتومبیلرانی مورخ 24 آوریل 1926 مصوب 1313/10/3 در ایران (مجموعه مصوبات دوره نهم تقنینیه ایران، ص 358. مجموعه قراردادهای...، ص 49) در ماده 11 پیش‌بینی شده است که تسلیم نسخ مصوبه توسط 20 کشور که آماده این کار باشند در جلسه‌ای که تاریخ آن را دولت فرانسه تعیین می‌کند انجام خواهد گردید. و نیز در ماده 17 معاهده تسهیل دوران بین‌المللی فیلمهای تربیتی مورخ 11 اکتبر 1933 مصوب 1313/10/20 (مجموعه مصوبات...، ص 359. مجموعه قراردادهای...، ص 148) و امثال آن.

تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده

از دیرباز دو قاعده در مورد تعیین تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهدات وجود داشته است. قاعده نخست، حاکمیت اراده و توافق متعاهدان (الف)، و قاعده دوم حاکی از تعیین مبدأ لازم‌الاجرایی معاهده از زمان تأیید قطعی آن (ب) است؛²⁷⁹ معذک در مواردی نیز معاهده قبل از تاریخ اعتبار قطعی آن به‌طور موقت لازم‌الاجرا می‌گردد (ج).

الف - قاعده نخست

حاکمیت اراده و توافق متعاهدان

ماده 24 کنوانسیون 1969 وین (درباره حقوق معاهدات) و کنوانسیون 1986 وین (درباره حقوق معاهدات بین دولتها و

279. حقوقدانان اکثراً مبادرت به شمردن تاریخهای مختلفی که برای لازم‌الاجرا شدن معاهدات معمول می‌باشد کرده و کمتر به استخراج قاعده یا قواعد حقوقی در این زمینه پرداخته‌اند. **حقوق بین‌الملل** نوشته J.G. Castel (چاپ سوم، تورنتو-کانادا، ص 955) چهارگونه تاریخ برای مبدأ لازم‌الاجرا شدن معاهدات برشمرده است. و نیز مراجعه شود به کتاب:

I. Masquelin: Le droit des traités dans l'ordre juridique et dans la pratique diplomatique, belge, 1980.

سازمانهاي بين‌المللي) تحت عنوان «لازم‌الاجرا شدن» در بند يك تصريح مي‌کند که «يك معاهده به‌صورت و از تاريخي لازم‌الاجرا مي‌شود که در آن پيش‌بيني شده است و يا کشورهاي طرف مذاکراه بر آن توافق نمايند». مبناي قاعده مندرج در اين ماده بر اين حقيقت استوار است که اصولاً متعاهدان خود دامنه شمول التزامات منعقدہ را تعيين مي‌کنند و بدین لحاظ، قلمرو زماني تعهداتي مزبور يعني از تاريخ لازم‌الاجرا شدن و تاريخ پايان اعتبار مندرجات معاهده را نيز خود مي‌توانند تعيين نمايند، اعم از اينکه در متن معاهده و همزمان با تنظيم آن اين کار انجام شده باشد يا اينکه بعداً بر اين امر توافق کنند. نحوه تعيين تاريخ لازم‌الاجرا شدن در معاهدات دوجانبه و چندجانبه غيرمحدود ممکن است انديکي متفاوت باشد²⁸⁰ که ذيلاً آنها را مورد بررسي قرار مي‌دهيم:

280. در معاهدات چندجانبه محدود - چنانکه بعداً ذکر خواهد شد - تاريخ مبادله اسناد تصويب معمولاً ملاک لازم‌الاجرا شدن معاهده شناخته شده است، مانند ماده 8 پيمان بغداد مورخ 22 فوريه 1955 که ايران در 1334/7/30 به آن ملحق شده بود (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 199).

در معاهدات دوجانبه

در این‌گونه معاهدات ممکن است استثنائاً روز لازم‌الاجرا شدن توافق در متن معاهده قید شده باشد، مانند موافقتنامه درباره لغو روابط بین ایران و مراکش که از روز اول مارس 1967 لازم‌الاجرا می‌گردد.²⁸¹

در پاره‌ای دیگر از معاهدات، احیاناً تاریخ امضای مقدماتی به‌عنوان مبدأ لازم‌الاجرا بودن معاهده تعیین می‌گردد؛²⁸² و²⁸³ ولی این رویه اگر در تقاضنامه‌های

281. ماده 8 موافقتنامه ایران و مراکش مورخ 31 خردادماه 1345 تصریح می‌نماید: «این موافقتنامه از تاریخ اول مارس 1967 به‌مورد اجرا گذاشته خواهد شد».

282. مانند فصل 26 عهدنامه مودت ایران و شوروی مورخ 26 فوریه 1921: «این عهدنامه فوراً پس از امضا دارای اعتبار خواهد شد». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 58) و موافقتنامه ایران و شوروی درباره بسط و توسعه آتی ارتباطات تلفنی و تلگرافی مورخ 1351/3/24 (مجموعه قوانین 1351) و ماده 21 موافقتنامه استرداد مجرمان ایران و فرانسه مورخ 1343/4/3 (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 71).

283. در پاره‌ای از معاهدات تصریح شده است که پس از مدت معینی از امضای معاهده مندرجات آن لازم‌الاجرا می‌شود، مانند ماده 12 موافقتنامه پستی ایران و شوروی مورخ 25 آوریل 1923: «این قرارداد بعد از سه ماه از تاریخ امضای آن به‌موقع اجرا گذارده خواهد شد...» (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 1، ص 63).

اجرائی قاعده اصلی محسوب می‌شود²⁸⁴ در معاهده رسمی برعکس به عنوان استثنای بر قاعده تلقی می‌شود،²⁸⁵ به همین دلیل در این‌گونه معاهدات غالباً تصریح می‌گردد که لازم‌الاجرا شدن معاهده از تاریخ امضا، جنبه موقتی داشته و فقط پس از تصویب، به‌طور قطعی رسمیت پیدا خواهد نمود.²⁸⁶

284. ماده 9 تفاهنامه همکاری فنی درباره تعلیمات حرفه‌ای: «این تفاهنامه از تاریخ امضا برای مدت یک سال اعتبار خواهد داشت...». (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 63). رك. به «مجله حقوقی»، شماره 6، ص 103 (بخش نخست این مقاله).

285. حتی در يك مورد (موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر) مجلس لازم‌الاجرا شدن معاهده را از تاریخ امضای مقدماتی مردود خوانده است (مجموعه قوانین 1362، ص 189).

286. مانند ماده 14 موافقتنامه ایران و شوروی راجع به همکاری اقتصادی و فنی مورخ 1342/5/5: «این موافقتنامه باید برطبق ترتیب مقرر در هر يك از دو کشور به تصویب برسد. موافقتنامه مذکور در تاریخ امضای آن موقتاً قوت و اعتبار یافته و در تاریخی مبادله اسناد تصویب که در مسکو انجام خواهد گرفت قوت و اعتبار قطعی پیدا خواهد کرد». (مجموعه قوانین 1344، ص 3) و ماده 11 موافقتنامه پرداخت بین ایران و افغانستان مورخ 9 آبان ماه 1342: «این موافقتنامه از تاریخ امضا موقتاً به موقع اجرا گذارده می‌شود و قطعیت یافتن آن منوط به تصویب مقامات صلاحیتدار دو کشور و مبادله اسناد مربوط خواهد بود». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر تا 1349، ج 1، ص 236) و نیز ماده 6 موافقتنامه بازرگانی ایران و افغانستان که در همان تاریخ در کابل به امضا رسیده است (همان مدرک، ص 231) و ماده 15 موافقتنامه ترانزیت ایران و افغانستان مورخ 12 بهمن 1340 (همان مدرک، ص 226) و ماده 14 موافقتنامه ایران و شوروی راجع به همکاری اقتصادی و

اما حقوقدانان لازم‌الاجرا بودن معاهده را از تاریخ امضا نوعی عطف به‌ماسبق شدن معاهده تلقی نموده‌اند²⁸⁷ و بدین لحاظ، طرفین مذاکره‌کننده در واقع در چارچوب صلاحیتهای خود و به مسئولیت خویش توافق می‌نمایند که مندرجات معاهده را قبل از به‌دست آوردن اعتبار حقوقی کامل لازم‌الرعايه بدانند.²⁸⁸

در مقابل موارد استثنایی که فوقاً اشاره شد، رویه عمومی در معاهدات رسمی این است که از تاریخ اتمام تشریفات در قانون اساسی مندرجات معاهده لازم‌الاجرا می‌گردد. به‌بیان دیگر، در اکثر موارد متعاهدان توافق می‌نمایند که از تاریخ

فنی مورخ 5 مرداد 1343: «این موافقتنامه باید برطبق ترتیب مقررات در هر يك از دو کشور به تصویب برسد. موافقتنامه مذکور تا تاریخ امضای آن موقتاً قوت و اعتبار یافته و در تاریخ مبادله اسناد تصویب که در شهر مسکو انجام خواهد گرفت قوت و اعتبار قطعی پیدا خواهد کرد». (همان مدرک، ج 1، ص 145) و ماده موافقتنامه ایران و سویس در مورد اعتبار کشور سویس از طریق بیمه دولت فدرال در مقابل مخاطرات صادراتی مورخ 20 مارس 1966: «این موافقتنامه موکول به تصویب‌نامه بوده ولی موقتاً پس از امضا قابل اجرا خواهد بود» (همان مدرک، ج 2، ص 24) و موافقتنامه ایران و امریکا درباره کمک دفاعی متقابل که در واشنگتن در 1329/3/2 منعقد و همان روز لازم‌الاجرا گردیده است.

287 . O'Connell: International law, vol. 1, p. 246, London 1965.

288. رك. به پانویس شماره 105، این مقاله.

205 ❖ تنظيم معاهدات بين‌المللي...

انجام تشریفات تصویب، مقررات معاهده به مورد اجرا گذارده شود. در این صورت، برحسب مورد، ممکن است بلافاصله از زمانی که تصویب معاهده به یکدیگر اطلاع داده می‌شود²⁸⁹ یا از تاریخ مبادله اسناد تصویب، یعنی امضای صورتجلسه تبادل اسناد مذکور، مندرجات آن لازم‌الاجرا گردد.²⁹⁰ اگر در پاره‌ای از معاهدات

289. مانند ماده 16 موافقتنامه ایران و فرانسه راجع به حمل و نقل هوایی مورخ 1339/2/1: «این موافقتنامه در موقعی که هر دو طرف معظم متعهد انجام تشریفات قانونی مربوط به تصویب آن را از طرف خود به اطلاع یکدیگر رسانیدند به مورد اجرا گذارده خواهد شد». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 2، ص 57) و ماده 17 موافقتنامه ایران و افغانستان راجع به ایجاد روابط پستی مستقیم مورخ 29 تیر 1317: «این موافقتنامه سه ماه پس از مبادله اسناد تصویب آن به موقع اجرا گذاشته می‌شود...»، یا ماده 18: «این موافقتنامه به تصویب خواهد رسید و مبادله اسناد تصویب آن هرچه زودتر در کابل به عمل خواهد آمد». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 218).

290. مانند ماده 16 موافقتنامه فرهنگی و هنری بین ایران و الجزایر مورخ 15 فوریه 1982 مطابق 1360/11/26 (مجموعه قوانین 1361، ص 189): «این موافقتنامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب طبق تشریفات معموله در هر یک از دو کشور لازم‌الاجرا خواهد شد». (در پیشنهادات اصلاحی مجلس - همانجا، ص 191 - به عبارت «از تاریخ مبادله مصوب» تغییر داده شده که مبهم است) و نیز ماده 5 عهدنامه مودت ایران و سوئد مورخ 1308/3/6 (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 3 و مجموعۀ قوانین 1308، ص 92): «پس از تصویب این عهدنامه برطبق مقررات قوانین اساسی هر یک از طرفین متعهدین مبادله نسخ مصوبه آن هرچه زودتر به عمل خواهد آمد و به محض مبادله نسخ

مشاهده می‌شود که تاریخ تصویب مبدأ اعتبار معاهده شناخته شده است - مانند عهدنامه ودادیه و تأمینیه بین ایران و افغانستان²⁹¹ نباید نتیجه‌گیری شود که قبل از ابلاغ اسناد تشریفات تصویب آن به متعاهد دیگر، معاهده لازم‌الاجرا شده است، بلکه معمولاً پس از ابلاغ مذکور معاهده به اجرا گذارده می‌شود؛ همچنان‌که در عهدنامه اخیرالذکر اجرای مقررات فصل پنجم آن مدتی پس از تاریخ «مبادله نسخ صحه شده این» عهدنامه تعیین شده است.²⁹²

مصوبه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد». به همین صورت است ماده 16 موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و هند مورخ 1339/5/19 (همان مدرک، ج 2، ص 183) و نیز ماده 5 عهدنامه مودت ایران و سویس مورخ 1313/2/5 (مجموعه قوانین 1313، ص 139): «پس از آنکه این عهدنامه به تصویب رسید مبادله فسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در برن به عمل خواهد آمد و به محض مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذارده خواهد شد». و ماده 6 عهدنامه مودت ایران و فرانسه مورخ 1308/2/20 (مجموعه قوانین 1308، ص 99).

291. فصل 8 عهدنامه ودادیه و تأمینیه ایران و افغانستان مورخ 6 آذر 1306: «قرارداد حاضر ... پس از رسیدن به تصویب و صحه مقامات مقننه مملکتین دارای اعتبار خواهد بود ...» (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، 1349، ج 1، ص 210 و مجموعه قراردادها ...، جزوه شماره 3 قراردادهای ایران و افغانستان ...، تهران 1342، از انتشارات وزارت امور خارجه، ص 14 به بعد).

292. فصل 5: «طرفین متعاهدین موافقت می‌نمایند که اختیارداران خود را در ظرف مدتی که بیش از 9 ماه پس از مبادله نسخ صحه شده این قرارداد نباشد، در طهران

در بعضی از معاهدات به‌طور دقیق‌تر متعاهدان پیش‌بینی می‌نمایند که از تاریخ وصول دومین ابلاغیه‌ای که حاوی سند تصویب معاهده باشد، مقررات آن لازم‌الاجرا خواهد گردید²⁹³ و یا با تعیین مهلتی بیشتر برای این کار، مبدأ اعتبار اجرایی معاهده را چند روز یا چند هفته پس از مبادله اسناد تصویب تعیین می‌نمایند. رویه اخیر خصوصاً در مورد معاهدات مهم، مانند عهدنامه اقامت و تجارت و امثال

مجتمع کرده و قراردادهای تجارتي و اقامت و قنسولي ... منعقد نمایند».

293. مانند ماده 8 موافقتنامه جهانگردی بین ایران و سوریه مورخ 1363/5/1 (روزنامه رسمی 1353/12/19): «این موافقتنامه به تصویب هر یک از طرفین متعاهدین خواهد رسید و از تاریخ آخرین اطلاعیه هر یک از طرفین متعاهدین به طرف دیگر دایر بر این‌که طبق مقررات قوانین اساسی خود درباره لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه حاضر عمل کرده است، لازم‌الاجرا خواهد شد». و ماده 12 موافقتنامه جهانگردی بین ایران و ترکیه و پاکستان مورخ 8 اکتبر 1964، در تهران به انگلیسی تنظیم شده و در 1344/10/18 به تصویب رسیده است (مجموعه قوانین 1344، ص 213) که می‌گوید: «این موافقتنامه به‌موجب قوانین اساسی هر یک از طرفهای متعاهد به تصویب خواهد رسید و ده روز پس از تاریخی که وزارت امور خارجه ایران یادداشت دایر به تصویب را دریافت نماید به موقع اجرا درخواهد آمد». و نیز ماده 13 موافقتنامه فرهنگی بین ایران و غنا مورخ 1364/10/23 مصوب 1366/6/31 مجلس: «این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه هر یک از طرفین به طرف دیگر مبنی بر تصویب آن لازم‌الاجرا خواهد گردید». (مجموعه قوانین 1366).

آن که آثار حقوقی متعددی برای اتباع طرفین ایجاد می‌کند، بیشتر مشاهده می‌شود.²⁹⁴ لهذا به‌منظور هماهنگی در

294. مانند موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری بین ایران و آلمان فدرال مورخ 1344/8/20 مصوب 1346/3/31 (مجموعه قوانین 1346، ص 129). در بند 2 ماده 14 آمده است: «این قرارداد یک ماه پس از تاریخ مبادله اسناد تصویب به موقع اجرا گذارده خواهد شد و برای مدت ده سال اعتبار خواهد داشت. پس از آن نیز اعتبار آن به مدت نامحدود ادامه خواهد یافت مگر آنکه یکی از طرفین متعهد تصمیم خود را دایر بر فسخ قرارداد یک سال قبل از انقضای مدت آن کتباً به طرف دیگر اعلام دارد». و نیز ماده 10 عهدنامه اقامت بین ایران و سویس مورخ 1313/2/5: «پس از تصویب این قرارداد، نسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در برن مبادله خواهد شد. این قرارداد یک ماه بعد از مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذارده شده...» (مجموعه **معاهدات دوجانبه معتبر**، ج 2، ص 17) و ماده 22 عهدنامه اقامت و تجارت و بحرپیمایی بین ایران و سوئد مورخ 1308/3/20: «این عهدنامه برطبق قانون اساسی هریک از دولتین متعهدین به تصویب خواهد رسید و مبادله نسخ مصوبه به اسرع اوقات ممکنه صورت خواهد گرفت. این قرارداد پانزده روز پس از مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذاشته می‌شود...» (مجموعه **معاهدات دوجانبه معتبر**، ج 2، ص 6) و ماده 5 عهدنامه مودت ایران و ایتالیا مورخ 1329 (مجموعه قوانین 1334، ص 374) و ماده 5 عهدنامه مودت ایران و سوریه مورخ 1945 (مجموعه قوانین 1334، ص 434) و ماده 23 عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و کنسولی ایران و امریکا مورخ 1334/5/23 (مجموعه **معاهدات دوجانبه معتبر**، ج 2، ص 90) و ماده 15 معاهده اقامت و دریانوردی ایران و فرانسه مورخ 1343/4/3: «این قرارداد به تصویب خواهد رسید و پس از 30 روز از تاریخ مبادله اسناد لازم‌الاجرا خواهد گردید...» (همان مدرک، ج 2، ص 66) و ماده 10 موافقتنامه فرهنگی ایران و عربستان سعودی مورخ 1346/7/23 (همان مدرک، ج 2،

209 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

اجرای مقررات معاهده بین کشورهای متعاقد، از قبل توافق می‌شود که پس از انجام مبادله اسناد تصویب و سپری شدن مدت معینی از آن، مقررات معاهده به مرحله اجرا گذارده خواهد شد.²⁹⁵ برخی معاهدات عملاً سالها پس از امضای نمایندگان دو دولت، مورد تصویب مقامات صالح قرار گرفته و متعاقباً هم مبادله اسناد آن انجام شده و نتیجتاً فاصله زمانی زیادی بین تنظیم معاهده و لازم‌الاجرا شدن آن سپری گردیده است.²⁹⁶

ص 47) و ماده 23 عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ایران و ایالات متحده آمریکا مورخ 23 مردادماه 1334: «عهدنامه فعلی یک ماه پس از تاریخ مبادله اسناد مصوبه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد».

295. در پروتکل همکاری فنی بین ایران و ترکیه راجع به عکسبرداری هوایی جهت تهیه نقشه‌های مناطق مرزی مورخ 65/9/2 (مصوب 1366/8/28 مجلس شورای اسلامی) در ماده 10 تصریح شده است که یک ماه پس از تاریخی که طرفین از طریق دیپلماتیک تصویب آن را به یکدیگر اطلاع داده باشند [پروتکل] لازم‌الاجرا خواهد شد.

296. در معاهدات زیر، مدت زمان طولانی بین امضای معاهده و مبادله اسناد تصویب آن سپری شده و بدین اعتبار، سالهای لازم‌الاجرا شدن معاهده به تأخیر افتاده است: پروتکل شرح ناحیه تلاقی سرحدات ایرات و افغانستان و شوروی که در تاریخ 1327/4/9 در سرخس به امضا رسیده و در 1337 اسناد تصویب آن مبادله گردیده است (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 218)؛ عهدنامه انتظامات مرزی و ترتیب تصفیه اختلافات و حوادث در مرز و پروتکل ضمیمه که در مسکو در 1362/2/24 به امضا رسیده و اسناد آن در 1341/9/29 مبادله گردیده است؛ معاهده راجع به آب

بدین جهت در پاره‌ای موارد به لحاظ ضرورت رعایت تشریفات تصویب از یک طرف و فوریت در اجرای معاهده از طرف دیگر، طرفین موافقتنامه متعهد می‌شوند در مهلت معینی اقدام به مبادله اسناد تصویب نموده و بلافاصله آن را به مورد اجرا بگذارند²⁹⁷ یا حداقل در اسرع وقت، تشریفات قانونی را اجرا کنند.²⁹⁸

هیرمند (هلمند) که در کابل در 1351/12/22 به امضا رسیده و در 1356/3/15 پس از تصویب، مبادله اسناد انجام شده است (مجموعه قوانین 1356، ص 110)؛ عهدنامه مودت ایران و ایتالیا در تهران در 1329/7/2 امضا شده و در 1335/10/2 پس از مبادله اسناد تصویب لازم‌الاجرا گردیده است (مجموعه قوانین 1334، ص 373).

297. مانند ماده 12 عهدنامه مودت ایران و افغانستان مورخ اول سرطان 1300: «نمایندگان طرفین متعاهدین متعهد می‌شوند که در مدت سه ماه از تاریخ امضا یا در صورت امکان زودتر اسناد لازمه دایر بر تصدیق عهدنامه را در تهران یا کابل مبادله نمایند». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 209) و ماده 4 عهدنامه مودت ایران و هلند مورخ 11 اسفند 1308: «پس از تصویب این عهدنامه نسخ مصوبه هرچه زودتر مبادله خواهد شد و یک ماه بعد از مبادله اسناد تصویب شده به موقع اجرا گذاشته می‌شود». (همان مدرک، ج 2، ص 160).

298. ماده 15 موافقتنامه کمیساران سرحدی (مرزبانان) بین ایران و افغانستان مورخ 5 تیرماه 1335: «این قرارداد به تصویب مقامات مقننه دو کشور خواهد رسید و در کابل امضا خواهد شد (فعل مضارع در طرح اولیه اصلاح نشده) و اسناد تصویب آن در اسرع اوقات در تهران مبادله خواهد گردید. این قرارداد 15 روز پس از مبادله اسناد مصوب به موقع اجرا گذارده می‌شود...» (مجموعه قراردادها، جزوه شماره 3، ص 72، وزارت امور خارجه، 1342 و مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 224) و ماده 5

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 211

معمولاً در نشریاتی که وضعیت معاهدات لازم‌الاجرا در آنها مندرج است در مقابل نام هر معاهده علاوه بر تاریخ امضای آن، تاریخ تصویب قطعی معاهده و همچنین تاریخ مبادله اسناد تصویب یا اجرای معاهده قید می‌گردد.²⁹⁹ در صورت مشخص نبودن انجام مبادله اسناد تصویب، ظاهر امر بر این است که معاهده هنوز لازم‌الاجرا نشده است، مگر اینکه در متن معاهده تصریح شده باشد که مندرجات آن پس از امضا بلافاصله قابل اجرا خواهد بود.

در معاهدات چندجانبه غیرمحدود

موافقتنامه ایران و عربستان سعودی مربوط به حاکمیت بر جزایر فارسی و عربی مورخ 1347/8/2: «این موافقتنامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب که در اسرع وقت ممکنه در جده انجام خواهد گرفت، لازم‌الاجرا خواهد شد.» (مجموعه معاهدات دوجانبه، ج 2، ص 51) و ماده 6 عهدنامه مودت ایران و فرانسه مورخ 1308/2/20: «پس از تصویب این عهدنامه مبادله نسخ مصوبه آن در اسرع اوقات ممکنه در پاریس به عمل خواهد آمد و به محض مبادله نسخ مصوبه به موقع اجرا گذاشته می‌شود».

299. رک. به کتاب راهنمای عهد...، ص 352-374 متون 7 و نیز نشریه اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه، فهرست معاهدات معتبر دوجانبه ایران که در 1358 چاپ و اخیراً مجدداً با تجدیدنظر تکثیر شده است.

اینگونه کنوانسیونها که اکثراً به منزله قوانین موضوعه در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شوند با شرایط سهل‌تری لازم‌الاجرا می‌گردند و متن آنها معمولاً فقط با تصویب تعداد محدودی از کشورها که تعداد و احیاناً مشخصاتشان از قبل در کنوانسیون پیش‌بینی شده است، رسمیت می‌یابد؛ زیرا اگر بنا می‌بود لازم‌الاجرا شدن هر کنوانسیون بین‌المللی مشروط به تصویب کلیه دولتهایی باشد که در تدوین آن حاضر بوده یا مشارکت نموده‌اند، کافی بود که با تعلل یک یا چند کشور در تصویب آن، کنوانسیون هرگز به مرحله اجرا درنیاید.

برای مثال، طبق مندرجات کنوانسیونهای چهارگانه صلیب سرخ مورخ 12 اوت 1949 ژنو (مصوب 30 آذرماه 1334 در ایران) «شش ماه پس از آنکه لااقل دو سند تصویب تسلیم گردد، اعتبار خواهد یافت»³⁰⁰ یا مانند کنوانسیون تأسیس

300. ماده 58 کنوانسیون راجع به بهبود سرنشوت مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی و ماده 57 کنوانسیون راجع به بهبود سرنشوت مجروحان و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا و ماده 138 کنوانسیون راجع به معامله با اسیران جنگی و ماده 153 کنوانسیون راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ مورخ 8 دسامبر

سازمان یونسکو مورخ 16 نوامبر 1946 (در ایران مصوب 1324)، که لازم الاجرا شدن آن منوط به این شد که بیست کشور اسناد تصویب خود را تودیع نمایند.³⁰¹

در برخی از کنوانسیونها تنها تعداد کشورهایایی که اسناد تصویب خود را تودیع نموده باشند ضابطه لازم الاجرا شدن معاهده نیست، بلکه علاوه بر تعداد لازم، باید واجد بعضی ویژگیهای پیشبینی شده نیز باشند و بدین لحاظ فرضیه تساوی دولتها در این مورد کنار گذارده میشود، مانند ماده 110 منشور سازمان ملل متحد که لازم الاجرا شدن آن را موکول به تودیع اسناد تصویب پنج عضو دائمی شورای امنیت و اکثریت دولتهای امضاکننده نموده است³⁰² و همچنین است در مورد اساسنامه

1949 که در 30 آذرماه 1334 در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسیده است (مجموعه قوانین 1334 و مجموعه قراردادها...، ص 302 به بعد).

301. در موافقتنامه برای وارد کردن لوازم تربیتی و علمی و فرهنگی مورخ 1950 که در ایران 20 بهمن ماه 1329 به تصویب رسیده است طبق ماده 33 آن «سه ماه پس از تسلیم پنج سند مصوب» قوت قانونی خواهد یافت (مجموعه قراردادها...، ص 472).

302. ماده 110 منشور سازمان ملل متحد مورخ 26 ژوئن 1945 (مصوبه 1324/6/13) «بند 3. این منشور پس از آنکه دولت جمهوری چین و فرانسه و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و کشورهای

صندوق بین‌المللی پول.³⁰³ بارزترین نمونه اخیر از این کنوانسیونها ماده 57 موافقتنامه تشکیل صندوق مشترک فراورده‌های اساسی مورخ 27 ژوئن 1980 است که لازم‌الاجرا شدن آن را منوط به تصویب حداقل 90 کشور که مقدار پذیره‌نویسی سهامشان در صندوق مزبور جمعاً به دوسوم سرمایه پیش‌بینی شده در مقررات آن بالغ گردد، نموده است.³⁰⁴ و ³⁰⁵

اما در بعضی از کنوانسیونهای حساس، خصوصاً در مسائل فرعی و امنیت دسته‌جمعی، تودیع اسناد تصویب معاهده توسط کلیه کشورهای تدوین‌کننده آن شرط لازم‌الاجرا

متحده امریکا و همچنین اکثریت سایر دولتهای امضاکننده، اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند، لازم‌الاجرا خواهد بود» (مجموعه قوانین 1324 - مجموعه قراردادها ...، ص 220).

303. ماده 20 اساسنامه صندوق بین‌المللی پول مورخ 22 ژوئیه 1944 (مصوب 1324/10/6 مجلس شورای ملی) در بخش یک مقرر داشته است: «زمان اجرای این موافقتنامه وقتی است که از طرف دولتهایی که دارای شصت و پنج درصد از سهمیه‌ای که در جدول «الف» معین شده، باشند امضا شده و سندی که در بخش دوم این ماده ذکر شده از طرف آنها سپرده شده باشد...» (مجموعه قوانین مصوبه دوره 14 قانونگذاری، چاپ مجلس، ص 138).

304. Accord portant création du fonds commun pour les produits de base, fait le 97.6.1980 à Genève (public par la CNUCED, TD/IPC/CF/Conf/24).

305. رك. به اوپنهایم: حقوق بین‌الملل، لندن 1967، ج 1، پاراگراف a 310.

215 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖

شدن معاهده شناخته شده است. مانند عهدنامه تحریم جنگ مورخ 1928³⁰⁶ و کنوانسیون منع آزمایشهای سلاح هسته‌ای مورخ 1963 و غیره.³⁰⁷ در غیر از موارد حساس، رویه محدود نمودن تعداد تصویب لازم برای رسیمت یافتن یک کنوانسیون سبب شده است که با سهولت بیشتری مندرجات آن در حقوق موضوعه بین‌الملل وارد شود.

در هر صورت، چنین کنوانسیونی که با تصویب تعدادی از کشورهای تدوین‌کننده آن (و نه تمامی آنها) لازم‌الاجرا می‌گردد فقط نسبت به کشورهای که به چنین اقدامی مبادرت ورزیده‌اند ایجاد تعهد کامل نموده و لازم‌الوفای خواهد بود و برای بقیه علی‌الاصول از همان تاریخی که بعداً

306. عهدنامه تحریم جنگ مورخ 27 اوت 1928 (ایران در 11 مهرماه 1307 به آن ملحق شده است) در ماده 3 تصریح می‌کند: «این عهدنامه را دول معظمی که اسامی آنها در مقدمه ذکر شده مطابق مقررات قوانین اساسی خود تصویب خواهند نمود و اثر آن از تاریخی خواهد بود که کلیه اسناد تصویب به دولت امریکا در واشنگتن تسلیم خواهد شد...» (مجموعه قوانین 1307، ص 15 و مجموعه قراردادهای...، ص 67).

307. ماده 3 کنوانسیون منع آزمایشهای سلاح هسته‌ای مورخ پنجم اوت 1963 (الحاق ایران در 17 مردادماه 1342): «3. این قرارداد پس از تصویب آن به وسیله طرفهای اصلی امضاکننده و پس از تسلیم اسناد تصویب به مرحله اجرا درخواهد آمد». (مجموعه قوانین 1342 در مجموعه قراردادهای...، ص 798).

اسناد تصویب خود را تودیع نمایند الزام آور خواهد شد، مگر اینکه استثنائاً عضویت کشور جدیدالورود در کنوانسیون طبق مقررات آن عطف بماسبق گردیده باشد.³⁰⁸

به همین لحاظ بند 3 ماده 24 کنوانسیونهای 1969 و 1986 وین درباره حقوق معاهدات مقرر نموده است: «هرگاه تاریخ توافق و تصویب یک کشور (یا یک سازمان بین‌المللی) نسبت به التزام به یک معاهده متعاقب لازم‌الاجرا شدن آن انجام شود، معاهده نسبت به آن کشور (یا سازمان بین‌المللی) از تاریخ مذکور (یعنی تصویب) لازم‌الاجرا خواهد گردید، مگر اینکه مقررات دیگری در معاهده پیش‌بینی شده باشد».

در واقع، محتوای بند 3 فوق‌الذکر بر این قاعده مبتنی است که اگر معاهده در مورد مبدأ زمان لازم‌الاجرا شدن آن به سکوت برگزار نموده باشد، از زمانی که توافق هر کشور عضو نسبت به التزام به

308. نویسنده انگلیسی اوکانل در کتاب **حقوق بین‌الملل خود** (ج 1، ص 246، لندن 1965) تصریح نموده است:

"Needless to say it comes into force only as between those states which at that date have ratified, extending its operation to those as they ratify subsequently".

217 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

معاهده قطعي مي‌گردد از همان تاريخ،
مندرجات معاهده لازم‌الاجرا خواهد گرديد.
ذیلاً این قاعده را مورد بحث قرار
مي‌دهيم .

ب - قاعده دوم

لازم‌الاجرا شدن معاهده از زمان التزام قطعي به مندرجات آن

در صورت سکوت متعاهدان در تعيين
مبدأ لازم‌الاجرا شدن معاهده اصل براین
است که از زمان قطعي شدن معاهده مفاد
آن لازم‌الاجرا است. به عبارت ديگر، از
تاريخي که معاهده آخرين مراحل تصويب و
تأیید را پشت‌سر بگذارد مندرجات آن
لازم‌الاجرا مي‌گردد و اگر تنها مرحله امضا
برای آن پيش‌بینی شده باشد از تاريخ
امضا، معتبر شناخته مي‌شود.

بدين لحاظ بند 2 ماده 24
کنوانسيونهاي 1969 و 1986 وين درباره
حقوق معاهدات مقرر مي‌دارد: «در صورتي که
هيچ‌گونه پيش‌بینی و يا توافق [در مورد
تاريخ لازم‌الاجرا شدن آن] به عمل نیامده
باشد، معاهده پس از اینکه رضایت کلیه
کشورهاي طرف مذاکره نسبت به التزام به

معاهده احراز گردد، بلافاصله لازم الاجرا می‌شود».

این قاعده براین حقیقت مبتنی است که هرگاه معاهده تشریفات مقرر را سپری نمود و به صورت قطعی درآمد هیچ دلیلی برای تأخیر در اجرای آن وجود ندارد و بنابراین فوراً لازم الاجرا می‌گردد.

ذیلاً کاربرد این قاعده را در معاهدات دوجانبه و چندجانبه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در معاهدات دوجانبه:

در صورتی‌که در متن معاهده تاریخ‌الاجرا شدن آن پیش‌بینی نشده باشد - چنان‌که فوقاً گفته شد - از تاریخ تصویب آن توسط متعاهدین و عملاً از زمان مبادله اسناد، مندرجات آن به اجرا گذارده می‌شود.³⁰⁹ در مواردی که تنها یکی از متعاهدین باید آن را به تصویب برساند،

309. اوکانل در کتاب خود به نام **حقوق بین‌الملل** (ج 1، ص 246، لندن 1965) ذیل عنوان «تودیع اسناد تصویب، تاریخ لازم‌الاجرا شدن [معاهده] است» توضیح می‌دهد: «معمولاً مبادله اسناد تصویب منحصر است به معاهدات دوجانبه. در مورد معاهدات چندجانبه اسناد تصویب طبق مندرجات معاهده در بایگانی یا یک دولت معین و یا دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع می‌شود».

معمولاً ملاك، تاريخي است كه انجام تشریفات مذکور رسماً به اطلاع دولت دیگر می‌رسد.³¹⁰ بدین جهت معاهدات رسمی معمولاً از تاریخ تصویب،³¹¹ و به عبارت واضح‌تر، از تاریخ اطلاع رسمی متعاهدین از انجام تشریفات آن (یعنی تاریخ مبادله اسناد تصویب) لازم‌الاجرا می‌شود.³¹² دیوان بین‌المللی دادگستری به همین دلیل نیز اعلام نموده که در صورت سکوت معاهده ظاهر براین است که مقررات آن از تاریخ مبادله اسناد تصویب لازم‌الاجرا می‌گردد.³¹³

310. مانند ماده 20 موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و امریکا مورخ 1335/10/23: «همین‌که دولت ایران تصویب این موافقتنامه را به دولت کشورهای متحده امریکا اعلام کند از تاریخ وصول اعلامیه مزبور این موافقتنامه به موقع اجرا گذاشته خواهد شد». (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر تا 1349، ج 2، ص 91) و ماده 16 موافقتنامه حمل و نقل هوایی ایران و هلند مورخ 1338/8/9: «این موافقتنامه در تاریخ مبادله یادداشت بین طرفین متعاهدین مبني بر تصویب آن از طرف مجلس شورای ملی ایران به مورد اجرا گذارده خواهد شد». (مجموعه مذکور ص 164 قسمت فارسی و ص 158 بخش انگلیسی).

311. در کانادا رویه قضایی نیز صریحاً تاریخ تصویب معاهده را مبدأ لازم‌الاجرا شدن آن دانسته است:

Spitz v. secretary of state of Canada [1939] Ex: C.R. 162; [1939] 2DL.R. 546.

312. رك. به مواردی که در پانویس شماره 289 آمده است.

313. رأی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره حکم داور پادشاه اسپانیا:

C.I.J. Recueil 1960, pp. 208-209.

در مورد تفاهم‌نامه‌های اجرایی چون اکثراً تشریفات دیگری غیر از امضای نمایندگان دو دولت در متن آنها پیش‌بینی نمی‌شود، باید چنین استنتاج نمود که مندرجات آنها بلافاصله از همان زمان به اجرا گذارده می‌شود.³¹⁴ هرگاه ماهیت توافق بین‌المللی مورد اختلاف باشد و برخی آن را یک معاهده رسمی به حساب آورند (و لذا از تاریخ تصویب معتبر بدانند) و گروه دیگر تفاهم‌نامه اجرایی محسوب نمایند (و از همان تاریخ امضا لازم‌الاجرا بدانند)، به نظر می‌رسد که در اینگونه موارد مندرجات توافق بین‌المللی باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد و از ارائه یک راه‌حل یکنواخت احتراز شود. در این مورد، سابقه بحث و بررسی «قرارداد همکاری اقتصادی، علمی و فنی بین ایران و لیبی» مورخ 19 فوریه 1982 مطابق با 30 بهمن ماه 1360 در مجلس شورای اسلامی قابل توجه می‌باشد؛ زیرا در عین اینکه متن آیا برای تصویب پارلمان ایران ارائه گردیده، ولی خصوصیات شکلی یک

314. رك. به «مجله حقوقی»، شماره 6، ص 103 (بخش اول این مقاله).

معاهده رسمي را فاقد بوده است، چون از يك طرف طبق ماده 12 توافق بين المللي مذکور «این قرارداد از تاريخ امضاي آن اعتبار خواهد داشت»³¹⁵ و از طرف ديگر گذشتن از تصويب پارلمان متعاهدین براي لازم الاجرا شدن آن پيش بيني نشده است. مع ذلك لازم به تذكر است كه اين توافق، يك معاهده رسمي است، زيرا هرچند در متن آن انجام تشریفات تصويب و رعايت موازين قانون اساسي پيش بيني نشده ولي به لحاظ مندرجات آن، خصوصاً مواد 5 و 6 و 7 كه مشتمل بر رعايت دولت كاملة الوداد در روابط بازرگاني و نيز تكاليف ديگري براي متعاهدین مي باشد، مي بايد آن را يك معاهده رسمي به حساب آورد. به همین دليل در اصلاحات آقایان نمایندگان مجلس ماده 12 فوق الذكر به نحو زیر تغییر یافته است: «این موافقتنامه از تاريخ تصويب مقامات قانوني دو کشور، رسمي خواهد شد».³¹⁶

315. موافقتنامه همكاري اقتصادي، علمي و فني بين ايران و ليبي (مجموعه قوانين 1361، ص 183).

316. مجموعه قوانين 1361، ص 185: ياد آوري مي شود اين موافقتنامه به دلایلي كه قبلاً بيان شد («مجله حقوقي»، شماره 7، ص 160) اسناد تصويب آن مبادله نشده و هنوز لازم الاجرا نگردیده است.

در معاهدات چندجانبه محدود

در این‌گونه معاهدات اصل بر این است که لازم‌الاجرا شدن توافق بین‌المللی موکول به تصویب آن توسط کلیه کشورهای عضو می‌باشد. تشکیل اتحادیه‌های سیاسی، اقتصادی³¹⁷ یا پیمانهای دفاعی³¹⁸ یا نظامی،³¹⁹ اعم منطقه‌ای یا غیر آن، معمولاً این ویژگی را دارد که تمامی اعضا

317. رك. به ماده 247 معاهده رم مورخ 25 مارس 1957 راجع به تأسیس جامعه اقتصادی اروپایی و همچنین ماده 33 معاهده سند واحد اروپایی (Single European Act) که در 16 فوریه 1986 در لوکزامبورگ بین دوازده کشور عضو اتحادیه اروپایی به امضا رسید و از اول ژوئیه 1987 لازم‌الاجرا گردید.

318. پیمان بریان-کلوگ یا عهدنامه تحریم جنگ مورخ 27 مارس 1928 که در ایران در تاریخ 11 مهرماه 1307 به تصویب مجلس شورا رسیده است (مجموعه قوانین 1307، ص 15 و نیز 1308، ص 30) در ماده 3 تصویب کشورهای تنظیم‌کننده معاهده، یعنی نه کشوری که در جنگ بین‌الملل اول طرف منازعه بوده‌اند را شرط لازم‌الاجرا شدن این عهدنامه دانسته است (رك. به متن آن در **مجموعه قراردادهای...**، ص 66) و ماده 12 معاهده بروکسل مورخ 17 مارس 1948 راجع به تأسیس اتحادیه اروپایی غربی.

319. مانند پیمان بغداد که بعداً به نام **پیمان سنتو** خوانده شده (رك. به قانون اجازه الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل متخذه بین دولتین عراق و ترکیه مصوب 1334/7/31، مجموعه قوانین 1334، ص 21) و نیز عهدنامه عدم تعرض منعقد بین ایران، افغانستان، ترکیه و عراق معروف به پیمان سعدآباد مورخ 17 تیرماه 1316 (8 ژوئیه 1937) مصوب 25 اسفند 1316 (مجموعه قوانین 1316، ص 146 به بعد).

223 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

بالاتفاق باید تعهدات مندرج در آن را برعهده گیرند. البته در بعضی موارد استثنایی ممکن است پیش‌بینی شود که تودیع اسناد تصویب فقط دو یا چند کشور عضو کنوانسیون برای لازم‌الاجرا شدن آن کافی است.³²⁰ نویسنده انگلیسی اوکانل تصریح کرده است: «جز در موردی که در معاهده به‌نحو دیگری پیش‌بینی شده باشد، [علی‌الاصول] معاهده لازم‌الاجرا نخواهد شد مگر اینکه کلیه اسناد تصویب [کشورهای عضو] تودیع شده باشد».³²¹

در کنوانسیونهای بین‌المللی غیرمحدود

معمولاً در ضمن یکی از مواد مقاله‌نامه‌های بین‌المللی، تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده که پس از تودیع تعداد لازم از اسناد تصویب کشورهای عضو واقع می‌شود، پیش‌بینی می‌گردد؛ ولی اصولاً

320. مانند موافقتنامه مربوط به وضع مزایا و مصونیت‌های سازمان پیمان مرکزی، نمایندگان ملی کارمندان بین‌المللی آن در 18 آبان ماه 1339 (9 نوامبر 1960) بین چهار کشور ایران، پاکستان، ترکیه و انگلیس منعقد شده و در ماده 25 اجرائش موقوف به تصویب دو کشور عضو گردیده است (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، وزارت امور خارجه 1349، ج 2، ص 204).

321. اوکانل: حقوق بین‌الملل، لندن 1965، ج 1، ص 246.

مقررات شكلي كنوانسيون بلافاصله لازم الاجرا است.

مقررات شكلي كنوانسيونها پي از تدوين نهايي بلافاصله لازم الاجرا هستند

مقررات عمومي كه در انتهايي كنوانسيونها وضع مي شود به لحاظ ماهيت و موضوعشان پس از تنظيم نهايي و تأييد آن توسط كنفرانس ديپلماتيك تهيه كننده كنوانسيون بلافاصله لازم الاجرا مي گردد. اين قبيل مقررات شامل موادي است راجع به نحوه اعلام رضايت كشورهاي مختلف نسبت به التزام به معاهده - چه به صورت امضاء، چه تصويب و چه پذيرش معاهده - تاريخ و نحوه لازم الاجرا شدن مندرجات اصلي كنوانسيون و امثال آن. بند 4 ماده 24 كنوانسيونهاي 1969 و بين راجع به حقوق معاهدات بين دولتها و 1986 و بين راجع به حقوق معاهدات بين دولتها و سازمانهاي بين المللي تصريح نموده است كه «مقررات يك معاهده كه تشريفات رسمي شدن سند، اثبات رضايت نسبت به التزام در معاهده، كيفيات و تاريخ لازم الاجرا شدن معاهده، شروط آن و وظائف نگهدارنده و نيز ساير

مسائل که قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده باید مطرح شوند، از زمان تدوین متن کنوانسیون قابل اجرا هستند».

بنابراین تأیید متن نهایی یک کنوانسیون توسط نمایندگان اکثریت کشورهای که در تدوین آن مشارکت داشته‌اند موجب می‌شود که مقررات شکلی کنوانسیون مورد بحث بلافاصله به اجرا نهاده شود هرچند هیچ کشوری کنوانسیون را هنوز تصویب یا حتی امضا ننموده باشد و از این نظر شباهت نزدیکی با مصوبات پارلمانهای ملی دارد که رأی اکثریت بر همه تحمیل می‌گردد.

ج - اجرای موقت معاهده قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن اصولی آن

ممکن است در پاره‌ای موارد معاهده‌ای به محض امضا لازم‌الاجرا گردد هرچند بعداً باید تشریفات تصویب را نیز طی نماید تا رسمیت لازم را پیدا نماید. دلایل مختلفی می‌تواند انگیزه این رویه باشد، از قبیل ملاحظات سیاسی - یعنی فوریت در به ثمر رساندن نتایج مذاکرات برای طرفین مانند معاهدات همکاری مشترک بین کشورهای

اروپاي غربی و کشورهای بلوک کمونیست از 1945 به بعد، یا دلایل جغرافیایی مثل اجرای موقت معاهدات منعقد شده بین کشورهای غربی و چین و ژاپن در قرون هیجدهم و نوزدهم با توجه به فاصله بین پایتختهای متعاهدان، یا دلایل حقوقی از قبیل موافقتنامه‌های بازرگانی که دولت فرانسه طبق قانون مصوبه 29 ژوئیه 1919 منعقد و اجرا کرده است، و بالاخره دلایل اجرایی مانند موافقتنامه مورخ 20 مارس 1966 ایران و سویس در مورد اعتبار کشور سویس از طریق بیمه دولت فدرال در مقابل خطرات صادراتی.³²²

ماده 25 کنوانسیونهای 1969 و 1986 وین این رویه معمول را به طریق زیر توضیح داده است:

«1. يك معاهده یا جزیی از آن می‌تواند تا زمانی که رسماً لازم‌الاجرا نگردیده موقتاً در موارد زیر به اجرا نهاده شود:

الف - اگر معاهده چنین امری را مقرر داشته باشد،

322. مجموعه معاهدات دوجانبه، وزارت امور خارجه 1349، ج 2، ص 23.

ب - و یا کشورهای که در مذاکرات شرکت نموده اند به نحو دیگری بر این امر توافق نموده باشند».

فرض اخیر مربوط به مواردی است که اجرای موقت معاهده در یک پروتکل جداگانه همزمان با امضای معاهده یا بعداً در یک الحاقیه به معاهده مقرر شده باشد. کنوانسیون 1971 تجارت گندم از مواردی است که اجرای موقت آن به اختیار کشورهای امضاکننده گذارده شده است.³²³ لازم به یادآوری است که اجرای موقت، یک معاهده را تبدیل به تفاهم‌نامه اجرایی نمی‌کند، بلکه این خصوصیت در واقع به منزله اجرای فوری معاهده در موقعیتی است که مذاکره‌کنندگان این امر را ضروری تشخیص داده و در چارچوب

323. ماده 24 کنوانسیون تجارت گندم 1971 مصوب 1355/5/4 مجلس شورای ملی (مجموعه قوانین 1355، ص 200 و روزنامه رسمی 1355/6/3): «هر دولت امضاکننده می‌تواند سند اعلام اجرای موقت این کنوانسیون را نزد دولت ایالات متحده آمریکا تودیع نماید. همچنین هر کشور دیگری که شرایط امضای این کنوانسیون را حائز باشد یا هر کشوری که درخواست الحاق آن به تصویب شورا رسیده باشد، می‌تواند سند اعلام اجرای موقت را نزد دولت ایالات متحده آمریکا تودیع نماید. کشوری که چنین سندی را تودیع کند مفاد کنوانسیون را به‌طور موقت اجرا خواهد نمود و عضو موقت این کنوانسیون به‌شمار خواهد رفت».

صلاحیتهای خود برآن توافق کرده اند، مانند اجرای موقت کنوانسیون بین‌المللی کاکائو (ژنو - 19 نوامبر 1980) که بیش از دوسوم از 70 کشوری که تاکنون کنوانسیون مزبور را امضا نموده اند، موقتاً آن را به اجرا نهاده اند و به تدریج اسناد تصویب خود را متعاقباً تسلیم کرده یا خواهند کرد.³²⁴ به همین جهت ممکن است نمایندگان کشورها از نظر قانون اساسی کشور متبوع خود چنین صلاحتی را فاقد باشند و لهذا چه بسا اجرای موقتی معاهده معمولاً معارض مقررات قانون اساسی کشور آنها باشد.³²⁵

در حقوق ایران تعدادی از معاهدات دوجانبه پیش‌بینی نموده اند که مندرجات آنها قبل از تصویب و مبادله اسناد باید به اجرا نهاده شود³²⁶ و چنان‌که قبلاً بیان شد این روش، نوعی عطف به‌ماسبق شدن معاهده تلقی می‌شود.

324. رك. به Multilateral Conventions C.E.E از انتشارات کمیسیون اروپایی، بروکسل 1987، ص 203.

325. رك. به مقاله D. Vignes در سالنامه فرانسوی حقوق بین‌الملل، سال 1972، ص 181-199.

326. رك. به موارد مندرج در پانویسهای 282 و 284.

تشریفات مبادله اسناد تصویب که فوقاً مورد مطالعه قرار گرفت اجرای معاهده را بین متعاهدات رسمیت می‌بخشد. در مورد آگاه نمودن اتباع آنان و سازمانهای اداری وابسته به هر دو کشور تشریفات دیگری که عبارت از انتشار معاهده در روزنامه رسمی دو کشور است نیز - چنان‌که قبلاً مطالعه نمودیم - انجام می‌شود. اما برای آنکه دولتهای ثالث یا سازمانهای بین‌المللی مختلف از مفاد معاهده رسماً مطلع شوند ضروری است که معاهده در مراجع بین‌المللی ثبت گردد و در مجموعه‌های معاهدات به چاپ برسد، که این مطلب را ذیلاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.

4. ثبت و چاپ معاهدات در دبیرخانه سازمان
ملل متحد
الف - در منشور سازمان ملل

ثبیت اجباری کلیه معاهدات و توافقیهای بین‌المللی برای نخستین بار در ماده 18 میثاق جامعه ملل سابق³²⁷ برای ممانعت از رواج دیپلماسی محرمانه بین کشورها پیش‌بینی گردیده بود.³²⁸ پس از

327. طبق ماده 18 میثاق جامعه ملل مورخ 28 ژوئن 1919 (مصوب 9 جدی 1300 شمسی مجلس شورای ملی) «از این به بعد هر عهدنامه و یا تعهد بین‌المللی که یکی از اعضای جامعه منعقد نموده است باید به فوریت به ثبت دارالانشا رسیده و به وسیله همان اداره به اسرع وسائل طبع و انتشار یابد. هیچ یک از این عهدنامه‌ها و یا تعهدات بین‌المللی قبل از ثبت گردیدن لازم‌الاجرا نخواهد شد.» (مجموعه قراردادها...، ص 7).

328. از جمله نخستین کاربرد دیپلماسی جدید به‌عنوان مثال می‌توان عهدنامه مودت ایران و روسیه شوروی مورخ فوریه 1921 (رک. به پانویسهای شماره 149 و 220) را یادآوری کرد که در طرح اولیه آن توسط وزارت امور خارجه شوروی (در زمانی که تروتسکی تصدی آن را برعهده داشت) تهیه و به مقامات دولت ایران پیشنهاد شده بود از دو بخش یا دو عهدنامه تشکیل می‌شد. بخش نخست که علنی بود اکثر مواد عادی را دربرداشت و بخش دوم که به صورت سری تهیه شده بود شامل فصول پنجم و ششم و سیزدهم و غیره بود. به حکایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس که این سوابق را ضبط کرده است، وزیر مختار انگلیس در تهران متن هر دو طرح معاهده را از شخص نخست‌وزیر وقت ایران برای نظرخواهی مقامات انگلیسی دریافت نموده بود (!! اما لندن به مقامات ایرانی اطلاع داد که چون دیپلماسی محرمانه طبق میثاق جامعه ملل متفق که ایران به عضویت آن درمی‌آید ممنوع گردیده لذا پذیرش معاهده سری مصلحت نیست. از این رو مفاد هر دو طرح با اندکی جرح و تعدیل، معاهده فعلی مودت ایران و روسیه شوروی را تشکیل داد. (متن تلگراف سفارت انگلیس در تهران مورخ 27 دسامبر 1920 در ضمیمه کتاب آقای حسین مکی به

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 231

تأسيس سازمان ملل متحد ماده 102 منشور
براي اين تكليف ضمانت اجراي معتدل تري
را پيش بيني نمود و به جاي بطلان معاهده
كه در ميثاق مقرر شده بود، عدم امكان
استناد به آن در محضر ارکان سازمان ملل
تصويب گرديد. بند يك مي گويد: «هر
معاهده يا توافق بين المللي كه پس از
لازم الاجرا شدن اين منشور به وسيله يكي از
اعضاي ملل متحد منعقد شود بايد هرچه
زودتر توسط دبیرخانه ثبت و منتشر
گردد».

ضمانت اجراي اين حكم در بند 2 همان
ماده اين گونه تعيين شده است: «هيچيك از
طرفهاي يك معاهده يا توافق بين المللي
كه برطبق مقررات بند يك اين ماده به
ثبت نرسيده باشد نمي تواند در محضر
ارکان يا مؤسسات سازمان به آن معاهده
يا توافق استناد كند».³²⁹

نام زندگاني احمدشاه قاجار صفحات 353 و 343 و 338،
اميركبير 1362 چاپ شده است.

329. رك. به مقاله Boudet تحت عنوان "L'enregistrement des traités internationaux" در مجله عمومي حقوق بين الملل عمومي، سال 1960، ص 596-604. نيز به زبان فارسي رك. به مقاله آقاي حسين فاخر: «ثبت و انتشار قراردادها و عهدنامه هاي بين المللي»، مجله كانون وكلا، سال 2، شماره 23، ص 21-24.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرایط اجرای این ماده را طی قطعنامه‌های مورخ 10 فوریه و 14 دسامبر 1946 و 3 نوامبر 1948 مشخص نموده است. در این قطعنامه‌ها تکلیف ثبت معاهدات به نحو وسیعی مورد تفسیر قرار گرفته است؛ بدین معنی که کلیه اسناد بین‌المللی یعنی نه تنها معاهدات رسمی³³⁰ بلکه اعلامیه‌های پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری، موافقتنامه‌های فنی منعقد شده بین دولت‌ها³³¹ یا سازمان‌های بین‌المللی،³³² و اعلامیه‌های یکجانبه

330. مانند عهدنامه مرز دولتی و حُسن همجواری ایران و عراق مورخ 13 ژوئن 1975 که طی شماره‌های 14903 الی 14907 دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده، همچنین نقشه‌های مرزی دو کشور تحت شماره 1017 مورخ 1976 در دبیرخانه ثبت شده است.

331. مانند ترتیبات فنی منعقد شده بین کویت و ایالات متحده آمریکا مربوط به ضوابط امنیتی ویژه لازم برای حراست بعضی وسائل، خدمات و اطلاعات نظامی آمریکا در کویت مورخ 18 ژانویه 1976 که به امضای نمایندگان وزارت دفاع دو کشور رسیده و در مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد شماره 16314 جلد 1071 صفحه 377 ثبت شده و نیز موافقتنامه همکاری فنی و علمی ایران و فرانسه مورخ 27 دسامبر 1967 که در مجموعه معاهدات مذکور شماره 12753 جلد 891 صفحه 55 ثبت گردیده است.

332. مانند موافقتنامه وام بین بانک جهانی توسعه و دولت ایران در طرح‌های بنیادی مورخ 7 سپتامبر 1972. مجموعه مذکور به شماره 12334 جلد 861 صفحه 97 و وام مورخ 20 سپتامبر 1972 در جلد 855 صفحه 181 ثبت شده و

233 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

دولتها راجع به ملغی الاثر بودن قسمتی از یک معاهده³³³ یا لازم الاجرا بودن معاهداتی که قبل از جنگ جهانی دوم با متخاصمان سابق منعقد شده بود³³⁴ باید در دبیرخانه به ثبت رسد و در مجموعه های معاهدات آن سازمان منتشر گردد. معذک «قراردادهای بین‌المللی» - بنابر تعریفی که قبلاً از آن به دست داده شد - چون معمولاً مشمول قوانین یک کشور هستند قابل ثبت در سازمان ملل نمی‌باشد.³³⁵ از طرف

نیز کنوانسیون پستی جهانی مورخ 14 نوامبر 1969 مجموعه مذکور جلد 883 صفحه 194 به شماره 11533 ثبت گردیده است. **333.** مانند یادداشت مروح 1358/8/20 وزارت امور خارجه ایران به سفات شوروی در تهران راجع به لغو و بلااعتبار بودن فصول پنجم و ششم عهدنامه مودت 1921 ایران و شوروی که پس از انقلاب اسلامی و در اوت 1981 در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده است.

334. براون لی: اصول حقوق بین‌الملل، چاپ آکسفورد، ص 610؛ مک نایر: حقوق معاهدات، چاپ لندن، ص 186. در ایران موافقتنامه مورخ 18 مهر 1334 بین ایران و ژاپن راجع به تنفیذ عهدنامه مودت 1318 بین دولتین (مجموعه قوانین 1334، ص 121) و نیز صورتمجلس تنفیذ اعتبار معاهدات سابق بین ایران و آلمان فدرال مورخ 13 آبان 1333 (مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر، ج 1، ص 4) در سازمان ملل به ثبت رسیده است.

335. این نظر که توسط هیکنز (حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ لندن، ص 329) مطرح شده است کاملاً منطقی به نظر می رسد؛ چون این نوع قراردادها ارتباطی به حقوق بین‌المللی عمومی ندارد (رک. به پانویس 65). اهداف قرارداد فروش شش فروند هواپیمای سی 47 نیروی هوایی امریکا به کلمبیا برای هداف غیرنظامی مورخ 21 آوریل به

دیگر، طبق مفاد ماده 102 منشور فوق الذکر نه تنها معاهدات³³⁶ باید به ثبت برسد بلکه هرگونه «توافق بین‌المللی»³³⁷ به معنی عام کلمه مشمول این قاعده نیز هست. از نظر دبیرخانه سازمان ملل هرگونه سند که یکی از دولتهای ذینفع آن را «توافق بین‌المللی» معرفی نماید قابل ثبت خواهد بود. به عبارت دیگر، از نظر دبیرخانه سازمان ملل، تعریف «توافق بین‌المللی» در ماده 102 منشور طبق روش هر یک از دولتهای عضو انجام می‌شود و برحسب تفسیری که هر یک از دولت ذینفع برای آن قائل باشد، مبادرت به ثبت «توافقیهای بین‌المللی» مربوط خواهد گردید.

ب - در کنوانسیون وین

از طرف دیگر، ماده 80 کنوانسیون 1969 وین راجع به حقوق معاهدات و نیز ماده 81 کنوانسیون 1986 وین راجع به

درخواست امریکا در مجموعه معاهدات سازمان ملل (مجلد 1071، ص 73) به شماره 16306 ثبت و چاپ شده است.

336. Treaties.

337. international agreement به انگلیسی، و accord internationaux به فرانسه.

تنظیم معاهدات بین‌المللی... ❖ 235

حقوق معاهدات سازمانهای بین‌المللی، تحت عنوان «ثبت و انتشار معاهدات» مقرراتی وضع نموده است که با منشور سازمان ملل اندکی تفاوت دارد. طبق بند یک ماده مذکور «معاهدات باید پس از لازم‌الاجرا شدنشان، برحسب مورد، برای ثبت یا بایگانی و ضبط و نیز برای چاپ به دبیرخانه سازمان ملل متحد ارائه گردد». بدین ترتیب، برخلاف منشور، کنوانسیون وین ضرورت ثبت و چاپ معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل را قاعده عام می‌داند که اختصاص به اعضای سازمان ملل ندارد؛ در حالی که ماده 102 منشور این تکلیف را فقط شامل «اعضای ملل متحد» می‌داند. البته چون اکثر کشورهای جهان عضو سازمان مذکور هستند (به جز موارد استثنایی مانند سوئیس که در سازمان ملل عضویت ندارد) این اختلاف دو متن، مشکلی ایجاد نمی‌کند.³³⁸ نکته مهمی که در ماده 80 کنوانسیون 1969 وین (یا ماده 81 کنوانسیون 1986 وین) ذکر شده و سابقه ندارد این است که زمان ثبت معاهدات در

338. رک. به: حقوق بین‌الملل عمومی، تألیف Nguyen Quoc Duith و P. Dailler و A. pellet چاپ دوم، پاریس (سیره) 1980، صفحه 153، شماره 115.

دبیرخانه تعیین گردیده است. ماده مذکور برای اولین بار اعلام داشته است که ثبت در دبیرخانه باید متعاقب لازم‌الاجرا شدن معاهده بین طرفین انجام پذیرد. قبلاً میثاق جامعه ملل یا منشور سازمان ملل هیچ‌گونه تقدم زمانی برای لازم‌الاجرا شدن بر ثبت معاهده قائل نبوده‌اند.

ج - اقدام به ثبت توافقات بین‌المللی و ضمانت اجرای آن

امروزه ثبت «توافقات بین‌المللی» در دبیرخانه سازمان ملل در بسیاری از موارد به منظور جلوگیری از ادعای بی‌اعتباری آنها از طرف دولت‌ها ذریبط انجام می‌شود.³³⁹ در سال‌های اخیر معاهده صلح مصر و اسرائیل مورخ 26 مارس 1979 (موسوم به عهدنامه کمپ دیوید) توسط هر دو کشور ذینفع به انضمام پروتکل‌ها و اعلامیه‌های گوناگون (و بعضاً متغایر) در

339. مانند درخواست دولت هلند در 1984 از دبیرخانه سازمان ملل متحد برای ثبت توافقات فنی که در اوت 1982 در آمستردام راجع به نحوه اجرای ترتیبات فنی مورخ 20 ژانویه 1981 (مندرج در «مجله حقوقی»، شماره 2، ص 374) بین نمایندگان چهار بانک مرکزی هلند، الجزایر، ایران و فدرال رزرو امریکا امضا شده است.

دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده و موجب بحثهای زیادی راجع به اثر حقوق تشریفات ثبت معاهدات در دبیرخانه گردیده است.³⁴⁰

دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون در سه مورد راجع به اعتبار معاهده‌ای که در دبیرخانه به ثبت نرسیده باشد، اعلام نظر نموده که به شرح زیر است: نظریه مشورتی مورخ 11 ژوئیه 1950 راجع به وضعیت بین‌المللی منطقه جنوب غربی افریقا، رأی مورخ 22 ژوئیه 1952 در موضوع اختلاف شرکت نفت ایران و انگلیس، و رأی مورخ 15 ژوئن 1954 توسط قاضی آرمان اوگن در پرونده دریافت پول طلا، در این آراء، عدم ثبت سند بین‌المللی در دبیرخانه سامزان دلیل بر فقدان اعتبار آن تلقی نشده است؛ زیرا هیچ یک از اسناد مورد اختلاف، معاهده به معنی حقوق کلمه شناخته نشده است. در مورد اول، اعلامیه‌های یکجانبه نمایندگان دولت افریقای جنوبی در جامعه ملل مستند رأی

340. رک. به مقاله م. تبری: «ثبت معاهده صلح و مصر و اسرائیل و بررسی برخی جنبه‌های حقوقی آن» مندرج در فصلنامه حقوق بین‌الملل، کمبریج (I.C.L.Q.)، سال 1983، ج 32، شماره 4، ص 1003-981.

دیوان بوده است و در دو دعوای دیگر، «قراردادهای بین‌المللی» منعقد شده با کمپانیهای خارجی موضوع اختلاف بوده اند و نه معاهده.³⁴¹

در حقوق ایران از ابتدای تأسیس جامعه ملل سابق بسیاری از معاهدات دوجانبه ایران در دبیرخانه سازمان مذکور به ثبت رسیده و در مجموعه معاهدات آن منتشر شده است.³⁴² پس از تأسیس سازمان ملل متحد در پایان جنگ جهانی دوم نیز به همین نحو اکثر معاهدات دوجانبه ایران در دبیرخانه ثبت شده و در مجموعه معاهدات سازمان ملل علاوه بر زبانهای انگلیسی و فرانسسه به فارسی و احیاناً زبان کشور

341. در مورد دعوای شرکت نفت ایران و انگلیس رک. به «مجله حقوقی»، شماره 6، ص 130، پانویس 67.

342. به عنوان مثال، معاهدات زیر با شوروی در مجموعه معاهدات جامعه ملل چاپ شده است: عهدنامه مودت ایران و روسیه شوروی مورخ فوریه 1921 و چهار نامه ضمیمه آن به شماره 268 مورخ 7 ژوئن 1922؛ معاهده پستی و اظهارنامه و پروتکل ضمیمه مورخ 5 ثور 1302 به شماره 2564 مورخ 22 دسامبر 1930؛ معاهده تلگرافی و اظهارنامه ضمیمه مورخ 7 ثور 1302 به شماره 2565 مورخ 22 دسامبر 1930؛ عهدنامه تأمینیه و بی طرفی و صورتجلس و نامه های ضمیمه مورخ 8 مهر 1306 مطابق با 11 اکتبر 1927 به شماره 2620 مورخ 21 فوریه 1931؛ مقاله نامه راجع به امکانات پستی و پروتکل اضافی مورخ 11 مرداد 1308 به شماره 2530 مورخ 17 نوامبر 1930.

طرف دیگر معاهده چاپ و منتشر گردیده
است. 343

نتیجه گیری کلی

بدون شک هماهنگی و انسجام در
روشهای تنظیم و تصویب معاهدات در ایران
نمی‌تواند جدای از شرایط حاکم بر روابط
سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با
کشورهای دیگر یا سازمانهای بین‌المللی
باشد. به عبارت دیگر، ابعاد حقوقی این
روابط از تحولات سیاسی، اقتصادی و
فرهنگی فیما بین کشورها جدا نیست و

343. مثلاً در مجموعه معاهدات سازمان ملل موافقتنامه
ایران و شوروی راجع به انتظامات مرزی و ترتیب تصفیه
اختلافات و حوادث در مرز مورخ 1336/2/24 (مجموعه معاهدات
دوجانبه معتبر، ج 1، ص 119) به شماره 6586 و در مجلد
457 صفحه 161 به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، فارسی و
روسی چاپ شده است. همچنین موافقتنامه برای تأمین
هزینه های بعضی از برنامه های مبادلات فرهنگی ایران و
امریکا مورخ 24 اکتبر 1963 مطابق 1334/8/2 (که در ایران
متن آن نه در کتاب اخیرالذکر و نه در راهنمای عهد...
آقای وحید مازندرانی چاپ نشده) تحت شماره 7146 در مجلد
489 صفحه 302 به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسوی در
مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد چاپ شده است.

مطالعه حقوق معاهدات در نظام قانونی ایران تحت تأثیر روابط سیاسی و تحولات فیمابین با کشورهای دیگر است و لذا عادی بودن روابط یا برعکس وجود تنش در روابط بین‌المللی لامحاله در ساختار حقوقی توافقیها و معاهدات تأثیر عمده ای دارد. اما به هرحال، تلاش در وضع و برقراری ضوابط یکنواخت برای تدوین معاهدات و توافقیهای بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اینکه در کشور ما معاهدات و توافقیهای بین‌المللی منعقد شده توسط ایران برخلاف قوانین و مقررات داخلی کمتر مورد بررسی واقع می‌شود و در دانشگاهها و محافل علمی یا تحقیقات متخصصان به ندرت مورد مذاکره قرار می‌گیرد، لذا ضرورت انجام چنین پژوهشهایی بیشتر احساس می‌گردد. نکات زیر به عنوان نمونه‌ای از پیشنهادات می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

1. تفکیک معاهدات رسمی از تفاهم‌نامه‌ها: تاکنون در بعضی موارد - چنانکه قبلاً از آن سخن رفته است - توافقیهای منعقد شده به جای اینکه به صورت رسمی و معاهده، یعنی در سه مرحله، تهیه و

تنظیم شود به عنوان یادداشت تفاهم تدوین و لازم الاجرا گردیده است برعکس، توافقی که می‌توانسته به صورت تفاهم نامه تنظیم شود به عنوان موافقتنامه امضا شده است.³⁴⁴ بنابراین به جای تفکیک این دو گروه از توافقات بین‌المللی براساس شرایط متحول یا سیاستهای متغیر داخلی یا خارجی، بهتر است نوع توافق و حدود صلاحیت قوه مجریه ضابطه تمیز و تشخیص میان آن دو گردد. در این زمینه مداخله شورای نگهبان در تعیین حدود صلاحیتهای قوه مجریه ضروری می‌نماید. از طرف دیگر، تفکیک بین «قراردادهای بین‌المللی» که با شرکتهای خارجی منعقد می‌شود با «معاهدات بین‌المللی» که توسط دولتها انعقاد می‌یابد، علی‌رغم تنظیم برخی مقررات قانونی³⁴⁵ هنوز هم در پاره ای موارد مشکلاتی ایجاد می‌کند.

344. بعضی از نویسندگان حقوق بین‌الملل حتی انعقاد یادداشت تفاهم را به وسیله تلکس امروزه بسیار رایج می‌دانند، مانند مبادله تلکس بین بانکهای مرکزی در مورد خرید و فروش ارز به نرخ معین در زمان آینده و امثال آن (سیدل هوهن ولدین: *درس عمومی حقوق بین‌الملل عمومی در دوره دروس آکادمی لاهه*، 1986، مجلد 198، ص 60).

345. ماده 5 قانون نفت که در 1366/7/9 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید تصریح می‌نماید: «انعقاد قراردادهای مهم فیما بین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با

2. از نظر شکلی بهتر است تا حد امکان سعی شود توافقیهای انجام شده که محتوای روشن و مشخص و عملی ندارد به صورت اعلامیه مشترک، بیانیه و امثال آن منتشر شود نه به پروتکل، معاهده رسمی و یا یادداشت تفاهم. افزایش سریع اسنادی که در سالهای اخیر بین مقامات جمهوری اسلامی ایران و مقامات دولتهای خارجی خصوصاً در پایان مسافرتها رسمی، و گاهی شاید بدون بررسی های کارشناسانه قبلی و با عجله، تهیه و امضا شده مشکلات متعددی را به دنبال داشته است. اصولاً باید توافقیهای مربوط به تحولات سیاسی را از

شرکتها و موسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم، تابع آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و در قراردادهای منعقد فیما بین وزارت نفت با دولتها طبق اصل 77 قانون اساسی عمل می شود». بنابراین طبق این ماده، اولاً ملاک شمول اصل 77 و ضرورت تصویب مجلس این است که امضاکننده دیگر و طرف مقابل قرارداد یا توافق، دولت خارجی باشد نه اشخاص حقوقی خارجی (پس یادداشت تفاهم با دولتها هم مشمول اصل 77 خواهد بود)؛ ثانیاً در زمینه مسائل نفتی، قراردادهای بین المللی به دو گروه تقسیم می شوند: مهم و غیرمهم. تعریف قراردادهای مهم نیز در تصویب نامه هیئت وزیران خواهد آمد (یادآوری می شود حتی تفکیک معاهدات مهم و عادی که در ماده 112 آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب 1362/2/28 - مجموعه قوانین 1362، ص 257 به بعد - مقرر شده است، تاکنون مورد توجه و رعایت قرار نگرفته است. به پانویس 346 مراجعه شود).

تنظیم معاهدات بین المللی... ❖ 243

اقدامات اجرایی و اداری و نیز توافقیهای اساسی و زیربنایی بین دو کشور تفکیک نمود.

توافقیهای مربوط به تحولات سیاسی معمولاً به صورت اعلامیه مشترک، بیانیه و امثال آن تنظیم می‌گردد و اثرات ویژه‌ای بر آن از نظر تبلیغاتی، دیپلماسی و نیز حقوقی مترتب است. یادداشتهای تفاهم - چنانکه قبلاً بیان شد - مربوط به اقدامات اجرایی و اداری مشترک دو کشور است و معاهدات رسمی، مبانی اساسی در روابط دو ملت را پایه ریزی می‌کند.

3. اصلاح و تعدیل آیین نامه داخلی مجلس و هماهنگ نمودن روشهای تصویب معاهدات و نیز گسترش نظارت مجلس بر تنظیم پاره‌ای از توافقیهای بین‌المللی می‌تواند مورد مطالعه و توجه قرار گیرد. در سالهای اخیر بسیاری از معاهدات عادی دوبار در مجلس، آن هم به طور تکراری و بدون طرح بحثی نو، مورد شور و بررسی و تصویب قرار گرفته است³⁴⁶ و حال آنکه

346. مانند تصویب موافقتنامه تأسیس کمیته اسلامی هلال بین‌المللی در جلسات 4/10 و 1366/8/26 مجلس شورای اسلامی (به علاوه در ماده واحده ظاهراً به اشتباه به جای تصویب آن گفته شده است «اجازه تسلیم سند الحاق آن داده می

آیین نامه داخلی مجلس یکبار شورا را کافی می‌داند.³⁴⁷ در بعضی از همین مواردی که مجلس دوبار به شور و بررسی متن لایحه پرداخته حتی تصویب مجلس از نظر حقوقی ضروری نبوده است³⁴⁸ و برعکس پاره‌ای از معاهدات که اصلاح و تغییر آنها نیاز به موافقت پارلمان دارد بدون تصویب مجلس

شود» و حال آنکه نماینده دولت ایران در اجلاس میامی تدوین آن شرکت داشته است)، یا لایحه اصلاحیه ماده 6 اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دو مرحله و شور دوم آن در تاریخ 1367/1/28 (رک. به صورت مشروح مذاکرات مجلس در تاریخ مذکور، دستور 2)، یا پروتکل همکاری فنی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه راجع به عکسبرداری هوایی جهت تهیه نقشه‌های مناطق مرزی ایران و ترکیه که در جلسات 6/5 و 1366/8/28 مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفته است (رک. به صورت مشروح مذاکرات مجلس در تاریخهای مذکور). همچنین شاید بتوان به لایحه عضویت جمهوری اسلامی ایران در بانک توسعه اسلامی که در تاریخهای 10/20 و 1366/11/6 به تصویب مجلس رسیده و یا الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش که در شور دوم ایران و دولت جمهوری غنا در یک شور در تاریخ 1366/6/31 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به عنوان نمونه اشاره کرد.

347. ماده 111 آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب 1361/3/23 و 1362/2/18 مندرج در مجموعه قوانین 1362، ص 257 به بعد. به «مجله حقوقی» شماره 7، ص 182 به بعد، بخش دوم این مقاله.

348. شاید از جمله این گونه لوایح بتوان لایحه ادامه عضویت ایران در سازمان منطقه‌ای حفاظت زیست دریایی را دانست که در دو شور - که دومی آن در تاریخ 1366/9/1 بوده - در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب رسیده است (رک. به «مجله حقوقی» شماره 7، ص 138).

245 ❖ تنظیم معاهدات بین‌المللی...

شورای اسلامی به اجرا گذارده شده است³⁴⁹ و قس علی‌هذا.

بنابراین ضرورت تنظیم قواعد یکسان در زمینه حقوق معاهدات بین‌المللی و روش نظارت و تصویب قوه مقننه ایران و انتشار آنها در روزنامه رسمی بیش از پیش احساس می‌شود.

4. برای همسان یا هماهنگ نمودن روشهای تدوین و تصویب معاهدات در حقوق داخلی، لازم است سیاست واحدی در مورد الحاق و تصویب کنوانسیونهای بین‌المللی اتخاذ شود. در چند سال اخیر زمینه یا علت اینکه دولت ایران به عضویت کنوانسیونهای معدودی درآمده است، پیگیری سازمان بین‌المللی مربوط یا نیاز فوری وزارتخانه ایرانی برای همکاری با سازمان ذی‌ربط یا دلایل خاصی از قبیل بهره برداری تبلیغاتی و امثال آن بوده است، نه به لحاظ تشخیص ضرورت و اهمیت آن در سطح بین‌المللی. مواضع

349. از این قبیل است تغییراتی که در سازمان آر.سی.دی. از سال 1361 تاکنون ایجاد گردیده و اتحادیه‌ای به نام سازمان عمران اقتصادی (اکو) بین ترکیه و پاکستان و ایران ایجاد شده است (رک. به «مجله حقوقی» شماره 7، ص 138، پانویس 80).

ایران در قبال کنوانسیونهای بین‌المللی باید متأثر از اهداف کلی سیاست خارجی کشور و نموداری از همکاریهای بین‌المللی باشد، نه نیازهای گذرا و مقطعی یا مصلحت‌اندیشیهای سلیقه‌ای. به علاوه در پاره‌ای از موارد سالها است که دولت ایران کنوانسیونهایی را مقدمتاً امضا نموده ولی نسبت به تصویب قطعی آنها شاید هنوز اقدامات و بررسیهای مقدماتی انجام نداده است،³⁵⁰ که این وضعیت با حیثیت بین‌المللی کشور منافات دارد؛ زیرا امضای معاهدات یا کنوانسیونها به معنای هماهنگی و همسویی یا موافقت دولت با اهداف و مقررات کنوانسیون است و در یک مجموعه هماهنگ منطقیاً پارلمان این تشخیص دولت را به طور کلی تأیید می‌کند، در عین حال که حق او برای اظهارنظر محفوظ است. اما بی تفاوت ماندن نسبت به امضای کنوانسیون از جانب دولت و پیگیری نکردن مراحل قانونی

350. آخرین مورد، کنوانسیون راجع به اعلام سریع سانحه اتمی است که نماینده دولت ایران در 26 سپتامبر 1986 آن را امضا نموده (مجله عمومی حقوق بین‌الملل عمومی، پاریس 1987، ص 779)، ولی تاکنون احتمالاً هیچ‌گونه مطالعه یا اقدامی در زمینه تصویب آن به عمل نیامده است.

تصویب آن در پارلمان، نه تنها مانع
شمول قطعی کنوانسیون و استفاده از
مزایای آن می‌شود، بلکه در صحنه
بین‌المللی نیز آثار ناخوشایندی برای
کشور به دنبال می‌آورد.

ضمیمه یکم
(مربوط به پانویس شماره 20)

نمونه هایی از سند تصویب معاهدات
بین المللی به زبانهای فرانسه و
انگلیسی:

“X ..., président de la République française.

“ A tous ceux qui ces présentes letters verron, Salut!

“Ayant vu et examiné ledit traité, avons approuvé et
approuvons en toutes et chacune de ses parties, en vertu des
dispositions qui y sont contenues et conformément a l’article 52
de la Consitution. [Ici est inséré le texte intégral du traité].

“Déclarons qu’il est accepté, ratifié et confirmé, et
promettons qu’il sera inviolablement observé.

“En foi de quoi, Nous avons donné les présentes, revêtues
du sceau de la République”.

2. Instrument of ratification.

Emblem

**INSTRUMENT OF RATIFICATION BY THE REPUBLIC
OF CYPRUS OF THE AMENDMENTS OF THE
CHAPTER OF THE UNITED NATIONS REGARDING
ARTICLES 23, 27 AND 61
OF THE CHAPTER**

Whereas the General Assembly of the United Nations by its resolutions 1991 A and B (XVIII) of 17th December, 1963, decided to adopt, in accordance with Article 108 of the Charter of the United Nations, amendments of Articles 23, 27 and 61 of the Charter, in the way prescribed in operative paragraphs 1 (a), (b), (c) and (d) and 3 of resolution 1991 A (XVIII) and in operative paragraphs 1 and 3 of resolution 1991 B (XVIII);

And whereas the Republic of Cyprus has, in accordance with operative paragraphs 2 of General Assembly resolution 1991 A and B (XVIII) of 17th December, 1963, been invited by the Secretary – General of the United Nations to ratify the aforementioned amendments in accordance with the Republic's constitutional processes;

And whereas the Republic of Cyprus recognises that the increase in the membership of the the United Nations:

(a) makes it necessary to enlarge the membership of the Security Council, thus providing for a more adequate geographical representation of nonpermanent members and making it a more effective organ for carrying out its functions under the Charter of the United Nations, and

(b) (b) also makes it necessary to enlarge the membership of the Economic and Social Council, with a view to providing for a more adequate geographical representation therein, and making it a more effective organ for carrying out its functions under Charters IX and X of the Charter of the United Nations;

And whereas the internal constitutional processes of the Republic of Cyprus, prescribed in Article 169 of the Constitution of the Republic of Cyprus, for the ratification of the aforementioned amendments, have been complied with and have been completed;

Now therefore, I, the undersigned, Spyros Kyprianou, Minister of Foreign Affairs of the Republic of Cyprus, hereby notify the ratification by the Republic of Cyprus of the amendments of Articles 23, 27 and 61 of the Charter of the United Nations in the way prescribed in operative paragraphs 1 (a), (b), (c) and (d) and 3 and 1 and 3 of General Assembly resolution 1991 A and B (XVIII) respectively.

Done at the Ministry of Foreign Affairs, Nicosia, this First Day of September, One Thousand Nine Hundred and Sixty-five.

Stamp

Signature

SPYROS KYPRIANOU

Minister of Foreign Affairs

Of the Republic of Cyprus

فهرست کتبی که معاهدات ایران را
گردآوری نموده اند

الف - به زبانهای خارجی:

- Sir Edward Hertslet: Treaties and Conventions between Great-Britain and Persia, London, 1891, p. 239.
- Aitcheson, Treaties and Conventions... of India and neighbouring Countries, 1929, 14 vol (vol 13 for persia and Afhanistan) 5e ed.
- James Greenfield: Die Verfassung des persischen States, Berlin, 1904.
- Markhan, Sir Clements Robert: A general study of the history of persia, 1874.
- List of Treaty Collections, U.N. New York, 1956-98.

ب - به زبان فارسی:

– موتمن الملک، مجموعه معاهدات دولت
علیه ایران با دول خارجه: تهران،
چاپخانه فاروس، 1326 قمری (1908
میلادی).

– ع. وحید مازندرانی، راهنمای عهد
و عهدنامه های تاریخی ایران:
کتابخانه ابن سینا، شهریار 1341.
– مجموعه معاهدات دولت ایران: وزارت
امور خارجه، 1311.

– مجموعه قراردادهای: وزارت امور
خارجه: جزوه 1 (ایران با آرژانتین
و آلمان – 1338)، جزوه 2 (ایران با
اتحاد شوروی – 1338)، جزوه 3 (ایران
با افغانستان و پاکستان – 1342).

– مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر: از
انتشارات وزارت امور خارجه در دو
مجلد بزرگ، 1349.

تصحیحات مقاله «تنظیم معاهدات...»
در شماره 7 مجله حقوقی

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|------------|------------------------|-----------|
| 103 | 9 | پانویس 1970 | 1970 ص 60 |
| 117 | 6 | الزام آور | الزامی |
| 121 | 1 | پس | پیش |
| 152 | پانویس 120 | 65/3/5 | |
| | | 63/3/5 | |
| 154 | 8 | تصویب داخلی | تصویب |
| | | قانون داخلی | |
| 165 | 17 | اصلاح داخلی | تصویب |
| | | قوانین داخلی | |
| 169 | 9 | جنبی | جنسی |
| 170 | 11 | لایحه | لایحه های |
| 170 | 12 | ندارد | ندارند |
| 170 | 5 | پانویس قرارداد جدیدی | |
| | | قرارداد، قرارداد جدیدی | |
| 171 | پانویس 156 | شماره 149 | |
| | | شماره 151 | |

